آموزش زبان فارسی

دورهٔ مقدّماتی

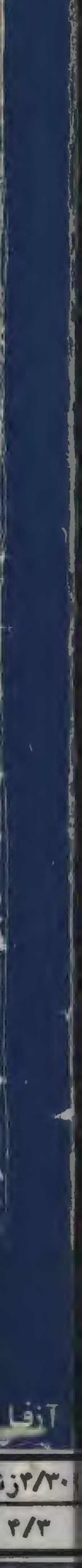
کتاب اوّل

تألیف

دکتر یدالله ثمره

آزفا

۱


آزفا

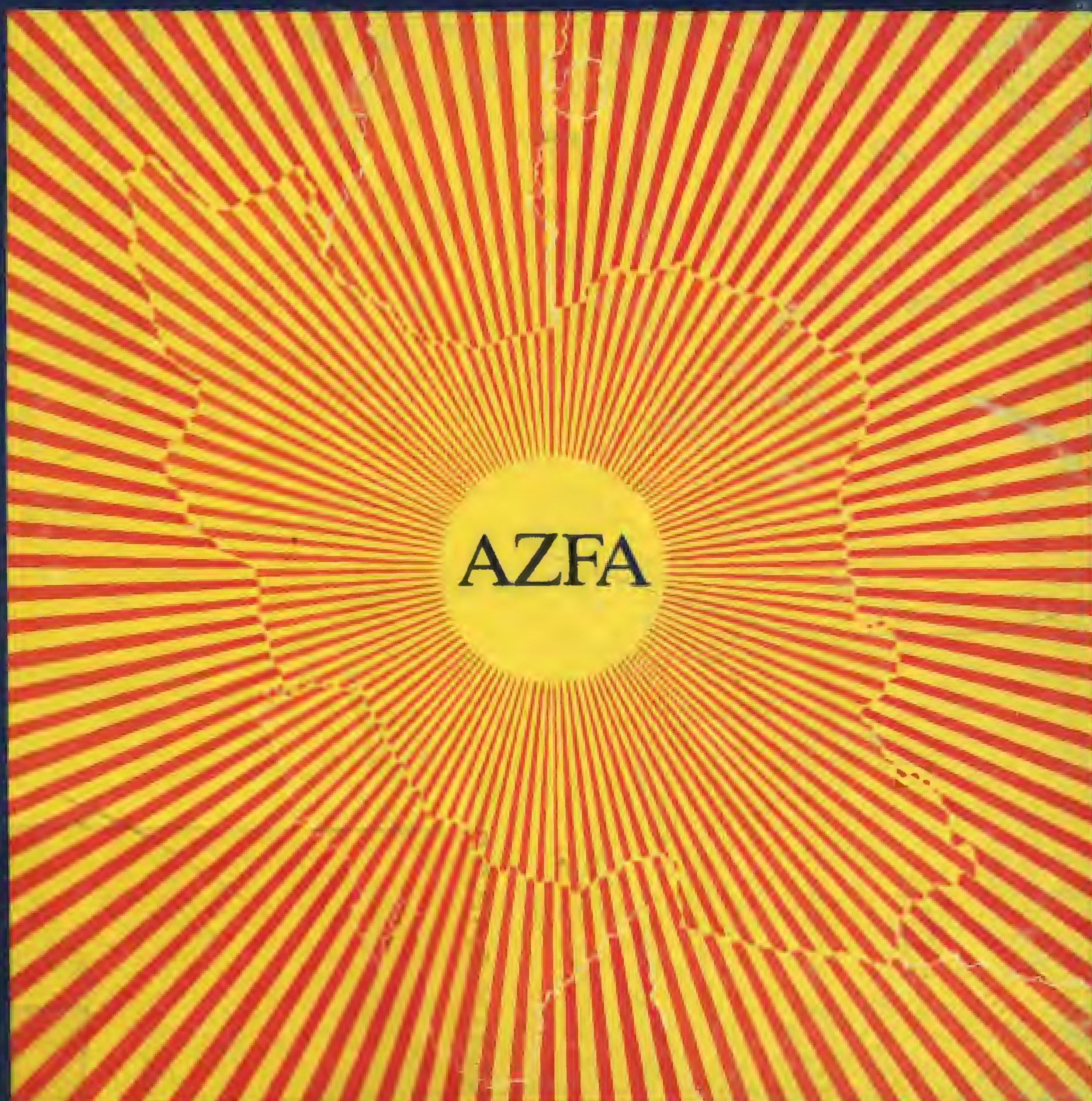
PERSIAN LANGUAGE TEACHING

Elementary Course

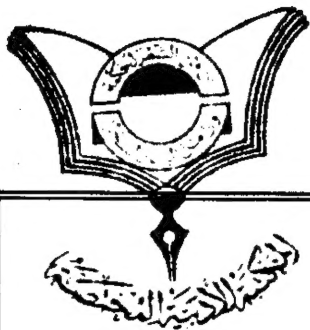
BOOK 1

by

Yadollah Samareh Ph. D.



1



آزفا ۱

آموزش زبان فارسی

دورهٔ مقدّماتی

کتاب اوّل

تألیف

دکتر یدالله ثمره

استاد دانشگاه تهران

شماره برگهٔ فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ۵۸۰ ــ ۶۶ م

نام کتاب: آموزش زبان فارسی (آزفا)، کتاب اول، دورهٔ مقدماتی، شمارهٔ ردیف ۱

مؤلّف: دکتر یداللّه ثمره

ناشر: انتشارات بین‌المللی الهدیٰ
ادارهٔ کلّ روابط و همکاریهای بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

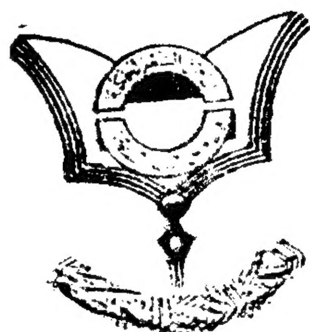
نوبت چاپ: چاپ سوّم

تعداد: هفت هزار نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۷۲ هجری شمسی

چاپ: چاپخانهٔ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

فهرست مطالب



موضوع	صفحه

موضوع	صفحه

بسم الله الرحمن الرحیم

قرن حاضر زمانهٔ رویارویی فرهنگهاست. زبان فارسی نیز که محمل فرهنگ ایرانست به عرصهٔ این رویاروییها فراخوانده شده است. ضرورتهای تاریخی ما را مجبور کرده که برای حفظ کیان فرهنگی خود در عرصه‌های مختلف در تلاشهایی که برای گسترش فرهنگ کشورمان مؤثر است فعالانه مشارکت ورزیم.

بیگانگان با این زبان، جمعی در پاسخ به ضرورت فرهنگی جامعهٔ خود به سراغ ما خواهند آمد و جمعی را ما وظیفه داریم به این قلمرو وارد کنیم. این امر محقق نمی‌شود مگر با به‌کارگرفتن مساعی و تلاشهای بیشتر و به وجود آوردن دواعی و انگیزه‌های جدی برای جستجوگرانی که در عرصهٔ فرهنگ انسانی به تحقیق و تفحص مشغولند.

کلید آشنایی دیگران با مجموعهٔ مواریث فرهنگی ما زبان ماست، بی‌هیچ شبهه‌ای شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی، ایرانی ما بدون آشنایی با زبان فارسی میسر نیست. وظیفهٔ ماست که دست‌کم با آنانکه به صورتهای گوناگون به عرصه‌های فرهنگ ما روی می‌آورند مساعدت و همراهی کنیم و گام نخست این مساعدت چاپ و نشر کتابهای بایسته و شایسته است و در اختیار طالبین قرار دادن آنها.

در پایان سدهٔ نوزدهم که ایران در کشاکش قدرتهای بزرگ آن روزگار نقش حساسی پیدا کرد شناخت ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی، ایرانی ما برای بیگانگان اهمیت بسیار یافت، کرسیهای تدریس زبان فارسی و ایرانشناسی دایر گردید و بخشی از همت اهل فن مصروف تدوین کتابهای آموزش زبان فارسی شد. از تدوین نخستین کتابها تا به امروز حدود یک قرن می‌گذرد. در گذار این روزگار کتابهای بسیار تدوین شده است اما اغلب، تدوین این کتابها تابع قاعده و قانون خاصی نبوده و تنها ذوق مؤلف کتاب تعیین کنندهٔ کیفیت تدوین بود.

بر همگان مبرهن است که تدوین کتاب آموزشی برای آنانکه اهل زبان نیستند با کتابهایی که برای متکلمین به یک زبان تدوین می‌کنند تفاوت اساسی دارد. تألیف این کتابها تلاشی مضاعف را می‌طلبد

چراکه مؤلف باید کتاب را بر مبنای بسیاری از ضوابط و اصول زبانشناسی، روانشناسی و... تدوین کند تا کیفیت بهروری بیشتر گردد.

شاید بتوان به جرأت ادعا کرد کتاب «آزفا» یکی از بهترین کتابهایی است که با در نظر گرفتن ویژگیهایی که یک کتاب علمی باید داشته باشد تدوین شده است این سخن به این معنا نیست که کتاب «آزفا» خالی از لغزش و خطاست ولی بی‌شبهه یکی ازکم خطاترین کتابهای آموزش زبان فارسی است.

طی چند سالی که از تدوین این کتاب گذشته است، کتاب برای خود اعتباری کسب نموده و در دانشگاههای خارج و حتی دانشجویان خارجی که در دانشگاههای ایران مشغول به تحصیلند به عنوان متن آموزشی مورد قبول واقع شده است.

زبان پارسی حتی اگر درصدد فتح قلمروهای جدید نباشد و بخواهد تنها ازکیان فرهنگی خود دفاع کند گستره‌ای به وسعت «حلب تا کاشغر» را در برمی‌گیرد. ساکنان این گسترهٔ فراخ دامن اگر بخواهند به شکل جدی با فرهنگ خود آشنا شوند چاره‌ای ندارند مگر اینکه با زبان فارسی آشنا باشند.

چاپ جدید مجموعهٔ آزفا که از سوی انتشارات بین‌المللی الهدی و ادارهٔ کل روابط و همکاریهای بین‌المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می‌گیرد پاسخی است به نیازهای طالبان در اقصی نقاط عالم خاک، بدین امید که این تلاش مثمر ثمر باشد.

ناشر

به‌نام خُدا

پیش گفتار

این کتاب، نخستین بخش از دورهٔ مقدماتی «آموزش زبان فارسی» (آزفا) است، مجموعهٔ کامل آزفا شامل سه دورهٔ مقدماتی، متوسطه، و عالی است. هدف از تدوین این مجموعه آموزش خط و زبان فارسی به خارجیان از آغاز تا مرحله پایانی آنست تا زبان‌آموز بتواند از رادیو، تلویزیون، روزنامه و متون نظم و نثر فارسی بهره‌مند گردد.

دورهٔ مقدماتی شامل دو کتاب است که طیّ آن زبان‌آموز با فارسی متداول گفتاری و نوشتاری در حدّ نیازمندیهای عملی روزمرّه آشنا می‌گردد. در پایان این دوره وی قادر خواهد بود با فارسی زبانان ارتباط زبانی برقرار کند، متون فارسی در حدّ دورهٔ تحصیلات ابتدائی را بخواند و بفهمد، و نیز اصطلاحات و ساختهای دستوری زبان گفتاری را دریابد و به کار برد.

زبان فارسی، مانند هر زبان دیگر، دارای دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری است. تفاوت دو گونهٔ مذکور گاه به اندازه‌ایست که گویندهٔ غیربومی در درک آن با اشکال روبه‌رو می‌شود و خود را ناگزیر از آموزش می‌بیند. ویژگی گونهٔ گفتاری کوتاه‌سازی برخی واژه‌ها و افعال از طریق حذف، تغییر و یا همگون‌سازی پاره‌ای از صداهاست. جای اجزاء جمله چندان ثابت نیست و نیز گاهی جزء یا اجزائی از جمله حذف می‌گردد. به عنوان نمونه‌ای از این تفاوتها به چند مثال زیر توجه نمائید؛ صورت اوّل گونهٔ نوشتاری است و صورت دوّم گونهٔ گفتاری:

می‌نشینم	می‌شینم	I sit
می‌روند	می‌رن	They go
نان	نون	Bread
او به خانه آمد	اون اومد خونه	He came home

در دورهٔ مقدماتی هر دو گونه از زبان مورد توجّه قرار گرفته و پا به پای گونهٔ نوشتاری شکل گفتاری واژه‌ها و افعال و جمله‌ها نیز داده شده است.

از میان لهجه‌های گوناگون فارسی، لهجهٔ تهرانی که لهجهٔ معیار یا «استاندارد» محسوب می‌شود و در رادیو، تلویزیون، و فیلمهای سینمائی و غیره به کار می‌رود انتخاب گردیده است.

دستورزبان به طور غیرمستقیم و در خلال عبارتها و جمله‌ها مطرح می‌گردد. یعنی همان‌طور که کودک زبان مادری خود را می‌آموزد. منتهی چون خوانندهٔ این کتاب خود از قبل با مفاهیم دستوری زبان مادری خویش آشناست لذا معمولاً چکیده‌ای از هر مطلب دستوری به صورت یک فرمول ارائه گردیده و نیز توضیحی مختصر دربارهٔ آن به زبان انگلیسی ساده در پانویس صفحهٔ مربوطه آمده است. برای هر مطلب دستوری مثالهای فراوان وتمرینهای گوناگون، و گاه طولانی، که همه دارای کاربرد روزمرّه هستند داده شده است تا از این طریق زبان‌آموز خود را در محیط فارسی زبان احساس کند و درنتیجه اشتیاق آغازین برای یادگیری زبان در او تداوم یابد.

استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط فقط در حدّ ضرورت صورت گرفته است. البتّه معادل واژه‌ها و ترجمهٔ بسیاری از جمله‌های نمونه به انگلیسی داده شده است. این ترجمه‌ها بیشتر صورت واژه به واژه دارد تا ترجمهٔ سلیس، زیرا هدف زبان فارسی است نه انگلیسی و ترجمهٔ واژه به واژه بهتر می‌تواند ویژگیهای دستوری جملهٔ فارسی را نشان دهد. از این‌روست که گاه بعضی از جمله‌های انگلیسی ممکن است غیرمعمول جلوه کند.

از آنجا که تلفّظ صحیح واژه‌ها، عبارتها وجمله‌ها و نیز آهنگ صدا نقش بنیادین را در گفتار به عهده دارد سعی شده است حداکثر استفاده از وسایل سمعی و بصری به عمل آید تا هم کار زبان‌آموزی را آسان‌تر و دلپذیرتر نماید و هم در عین حال بیشترین نتیجه را در کمترین زمان به دست دهد. از این‌رو تمام مطالب کتاب بر روی نوار «کاست» ضبط گردیده که باید همراه با کتاب مورد بهره‌برداری قرار گیرد. همچنین در نظر است که پاره‌ای فیلمهای کوتاه «ویدیوئی» بر پایهٔ جمله‌ها و گفت وشنودهای مندرج در کتاب فراهم گردد که بی‌شک تأثیر شایان در امر زبان‌آموزی خواهد داشت.

لازم به یادآوریست که کتاب و نوارهای مربوط به آن می‌تواند، درصورتی که معلّم فارسی‌زبان فراهم نباشد، به طور خودآموز مورد استفاده قرارگیرد مشروط بر آن که با دقّت در شنیدن نوار و تکرار کافی سعی شود واژه‌ها و جمله‌ها همان‌طور که شنیده می‌شوند تلفّظ گردند. با این حال وجود معلّم فارسی زبان در ارزیابی تلفّظ و تصحیح آن بسیار مفید و کارساز خواهد بود.

چنان که می‌دانیم، زبان فارسی در طیّ قرون نقشی بس ارزنده در تجلّی ظریف‌ترین

اندیشه‌ها و بیان لطیف‌ترین احساسات و عواطف انسانی به عهده داشته است. بزرگانی چون فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و بسیاری دیگر شاهکارهای جاویدان خود را به این زبان پدید آورده‌اند. از این‌روست که یادگیری زبان فارسی و تسلّط بر آن در حکم کلیدی است برای دسترسی به گنجینه‌ای بس غنی و شگفت‌انگیز. و امید است که مجموعهٔ «آموزش زبان فارسی» (آزفا) بتواند خدمتی، ولو اندک، در جهت تسهیل امر یادگیری این زبان به علاقمندان آن عرضه نماید.

در اینجا لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار استاد محترم زبانهای باستانی در دانشگاه تهران که نسخهٔ دست‌نویس این کتاب را به دقّت از نظر گذرانده نظرات و پیشنهادهای بسیار مفیدی ارائه نمودندصمیمانه سپاسگزاری نمایم. باید اذعان کنم که جمعیّت خاطری که هنگام تألیف این کتاب داشته‌ام مرهون همسرم دکتر ایران کلباسی است.

دکتر یدالله ثمره

استاد دانشگاه تهران

راهنمای تدریس و استفاده از کتاب

۱. نشانه‌هائی که در این کتاب به کار رفته به قرار زیر است:

الف ــ صورت گفتاری واژه‌ها و عبارتها و جمله‌ها بین دو قلاّب به صورت [ ] آمده است.

ب ــ چون ترجمهٔ انگلیسی معمولاً واژه به واژه است، بنابراین آنچه که در انگلیسی هست ولی در فارسی نیست بین دو ابرو به صورت ( ) آمده و آنچه که در فارسی هست ولی در انگلیسی نیست به صورت (=) دیده میشود. به عنوان مثال:

زیباست (It) is pretty.

هوا سرد است It (=the air) is cold.

پ ــ علامت { } به معنی ارزش یکسان کلمات داخل آنست یعنی انتخاب مساوی.

ت ــ نشانهٔ / به معنی or = یا است.

۲. کتاب حاضر دارای هشت درس است که فراگیری آن به حدود هشت هفته زمان نیاز دارد. در هر هفته حدود ۶ ساعت کار در کلاس و نیز دست‌کم ۶ ساعت کار در منزل توسّط زبان‌آموز جهت حل تمرین‌ها و گوش دادن به نوار و تکرار آن باید درنظر گرفته شود.

۳. درسهای اوّل و دوّم که مخصوص آموزش صداها و خط فارسی است از اهمیّت ویژه برخوردارند و تا حصول اطمینان از این که زبان‌آموز آنها را به درستی فرا نگرفته نباید به دروس دیگر پرداخت. تمام دقّت زبان‌آموز باید متمرکز بر نحوهٔ تلفّظ صداها باشد و بنابراین نباید از وی خواست تا معنی واژه‌های این دو درس را به ذهن بسپارد.

در مورد واکه‌ها، تفاوت بین صداهای â و a (آ و ـَ)، i و e (ای و ـِ)، u و o (او و ـُ)، ey و e (اِی و ـِ)، ow و o (اُو و ـُ) باید به درستی درک شود. این کار به وسیلهٔ تمرین و تکرار زیاد امکان‌پذیر خواهد بود.

۴. در آغاز هر درس واژگان مربوط به آن درس دیده میشود. تـلفّظ هر یک از واژه‌ها بـاید ابتدا از نوار پخش گردد و سپس از زبان‌آموز خواسته شود تا آنرا تکرار کند. معلّم بـاید تـلفّظ زبان‌آموز را ارزیابی و تصحیح نماید. این روش باید در مورد یک‌یک زبان‌آموزان اعمال گردد.

۵. پس از واژگان، نوبت به نکات دستوری و جمله‌های نمونه می‌رسد. جمله‌های نمونه که با عنوان «بشنوید و تکرار کنید» مشخص شده‌اند حـاوی نکات دستوری مـی‌باشند و بـاید پس از شنیده شدن از نوار توسط یک‌یک زبان‌آموزان تکرار شود. تلفّظ زبان‌آموز بـاید بـوسیلهٔ مـعلّم ارزیابی و تصحیح گردد. نکات دستوری جمله‌های نمونه باید به وسیلهٔ معلّم حتی‌الامکان بـه زبـان فارسی تشریح گردد. البته این کار در اوائل قدری مشکل است امّا می‌توان از زبان ایـما و اشاره و یا بعضی نشانه‌ها بر روی تخته سیاه استفاده کرد. مثلاً، می‌خواهیم به زبان‌آموز بگوئیم کـه کـاربُرد ضمائر اشارهٔ «این و آن» برای مفرد و جمع، بـرخلاف انگلیسی، یکسانست. عبارت «ایـن مـرد» و مقایسهٔ آن با «این مردها» حاوی همین نکته است. می‌توان روی تخته چنین نوشت:

این مرد

این مردها

این ~~اینها~~ مردها

۶. تمرین‌هائی که مستلزم فکر می‌باشند مانند «به فارسی بنویسید» (تـرجمه از انگلیسی بـه فارسی)، «جمله بسازید»، «واژهٔ درست را انتخاب کنید» و یا «جاهای خالی را پر کنید» مخصوص کار در منزل است. البته معلّم باید قبلاً روش حل تمرین را به زبان‌آموز بگوید. بعضی از ایـن‌گـونه تمرین‌ها را که نیازمند فکر کمتری هستند می‌توان به طور جمعی در کلاس حل کـرد. جـواب ایـن تمرین‌ها در پایان کتاب زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آمده است ولی زبان‌آموز باید فقط بـعد از حـل تمرین و به منظور ارزیابی جوابهای خود به آن مراجعه نماید.

۷. تمرین‌هائی که حاوی گفت وشنود هستند حتماً باید در کلاس توسّط خود زبان‌آمـوزان و با کمک معلّم پس از شنیده شدن از نوار اجرا شوند. گفتگوها دو نـفره یـا گـاهی بـیشتر هستند. جمله‌های این تمرین‌ها معمولاً نمونه بوده و می‌توان با جایگزین کـردن واژه‌های آنـها دهـها جملهٔ دیگر ساخت. به عنوان مثال، تمرین ۱۷ گفت وشنودیست بین علی و پـروین. مـعلّم بـاید خـود در نقش علی جمله‌های مربوط به علی را از یک‌یک زبان‌آموزان سئوال کند و نیز همین جمله‌ها را با تغییر واژه از زبان‌آموزان بپرسد تا آنان نیز در جواب جمله‌های مـتفاوت بسازنـد. مثلاً، بـه جـای

«نادر امشب کجاس؟» پرسیده شود «آن مرد امروز کجاس؟» و غیره. زبان این گونه تمرین‌ها صرفاً محاوره‌ای یا گفتاری است، بنابراین باید دقّت شود که آهنگ صدا و جای تکیه در واژه‌ها به درستی رعایت گردد.

۸. تکلیف منزل زبان‌آموز حتماً باید توسّط معلّم بررسی گردیده اشتباهات آن به وی گوشزد گردد. این کار را می‌توان به صورت جمعی در کلاس انجام داد، بدین معنی که از یک‌یک آنان خواسته شود تا آنچه را که نوشته‌اند بخوانند و اشتباهات آنان توسّط معلّم توضیح داده شود. در مواردی که تصحیح کلاسی به دلیل صرف وقت زیاد مقدور نیست معلّم باید تکالیف را در منزل تصحیح نموده و جلسه بعد موارد اشتباه را توضیح دهد. البتّه کلید تمرین‌ها کمک مؤثری در این‌باره به معلّم می‌کند زیرا زبان‌آموز می‌تواند تکلیف خود را از روی آن تصحیح کند. ولی بسیار اتّفاق می‌افتد که دلیل چیزی را نمی‌فهمد که در این صورت باید توسّط معلّم توضیح داده شود.

۹. باید توجّه داشت که حتی ساده‌ترین مسائل زبانی که برای معلّم فارسی زبان بدیهی و واضح می‌نماید ممکن است برای زبان‌آموز مسئله‌ای مشکل جلوه کند. از این‌رو رفتار معلّم باید چنان صمیمانه و توأم با مهربانی باشد که زبان‌آموز بتواند هرنوع مشکلی را به راحتی مطرح سازد.

۱۰. کلید هر تمرین به جای خود آن تمرین بر روی نوار ضبط شده است، بنابراین، بخشی زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آن گونه که در پایان کتاب دیده می‌شود بر روی نوار وجود ندارد.

۱۱. زبان‌آموز باید معنی تمام واژه‌های خوانده شده و نیز جمله‌های نمونه و جمله‌های اصطلاحی را به ذهن بسپارد.

۱۲. باید زبان‌آموز را ترغیب نمود تا آنجا که ممکن است در ساعات غیرکلاسی به نوار گوش فرا دهد و خود آنرا تکرار کند، زیرا، چنان که می‌دانیم، اساس کار زبان‌آموزی بر شنیدن و تکرار استوار است. هرچه بیشتر به این دو نکته توجّه شود نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود.

۱۳. کلاس زبان باید زنده و باروح و توأم با حوصله و مهربانی اداره شود. در غیر این صورت اشتیاق زبان‌آموز به تدریج فروکش کرده درنتیجه از تعداد شرکت کنندگان به طور روزافزون کاسته می‌گردد.

۱۴. در شروع دوره برای هر زبان‌آموز باید یک پروندهٔ تحصیلی تشکیل گردد که در آن میزان حضور در کلاس، میزان شرکت در فعالیتهای کلاسی، میزان پیشرفت، نمرات دیکته و تکالیف منزل، نمرات آزمونهای کلاسی، نظرات معلّم دربارهٔ چگونگی کار زبان‌آموز به طور مرتّب

منعکس گردد.

۱۵. در پایان هر دو هفته یک آزمون مختصر کلاسی، کتبی یا شفاهی، از مطالب خوانده شده باید برگزار شود تا میزان پیشرفت زبان‌آموز به درستی ارزیابی گردد. در پایان کتاب نیز آزمون اصلی باید به عمل آید و نتیجهٔ آن در پروندهٔ زبان‌آموز ضبط شود.

۱۶. مسلماً نمی‌توان ادّعا کرد که کتاب، خالی از هرگونه نقص و عیب است، ولی می‌توان با استفاده از نظرات ارزنده و پیشنهادهای سازندهٔ مدرّسین آن که بی‌شک از دلسوزی و خیرخواهی آنان سرچشمه می‌گیرد در جهت بهبود آن کوشید. بنابراین صمیمانه استدعا دارد مسائل و مشکلات عملی را که در ارتباط با تدریس کتاب وجود دارد از طریق نمایندگی فرهنگی منعکس سازند تا در چاپهای بعدی مورد توجّه قرار گیرد.

از خدای بزرگ موفقیّت آن همکار گرامی را در این خدمت فرهنگی مسئلت دارد.

مؤلف

دَرس ۱
Lesson One

صِداها و اَلِفبای فارسی
Persian Sounds and Alphabet

Exercise 1 — تمرین ۱

Listen and repeat : — بِشنوید و تِکرار کُنید:

â, as in «car» — آ ا

b, as in «baby» — بـ ب

father بابا — with با — water آب

with water با آب — fit باب

p, as in «pepper» ـپ پـ

باب پاپ with foot با پا پا پا

t, as in «attempt» but dental ط ـت تـ

طاط تات تاب طا تا آت

your father بابات with your foot باپات

ئـ[1] ء ع ـع ـعـ عـ

باء طاع آء آع عا

r, as in «rare» but slightly rolled ر

dark تار votes آراء load بار shame عار آر

1. *Hamze,* made by the sudden opening of the larynx. This sound is rather similar to a slight cough.

Exercise 2 — تمرین ۲

Listen and repeat : — بِشنَوید و تِکرار کُنید :

a, as in «cat» — اَ ـَـ

z, as in «zero» — ز ذ ظ ض ض

اَز of, from — زَر gold

زا ذا ظا ضا زار miserable

ضَرب multiplication — ظاء — آز greed

باز open, hawk — تاز — راز secret

آذَر 9th Iranian month — بَرائت acquittance

d, as in «deed» but dental د

take بَردار gallows دار door, in دَر

faithful to a secret رازدار juicy آبدار

wind باد habitable آباد

pain دَرد yellow زَرد

bad بَد reject طَرد

(he/she) hit زَد next بَعد

loss, harm ضَرَر habit عادَت

(he/she) has دارَد flour آرد brother بَرادَر

cloud اَبر (he/she) gave داد

zh, as in «pleasure» ژ

torpedo اَژدَر ژاژ ژا

ژاب باژ تاژ پَژ بَژ دَژ

n, as in «none» ن ن

bread نان نا that آن

pomegranate اَنار نار

(woman, wife) زَن unfit ناباب pure ناب

(he/she) did not give نَداد (he/she) does not have نَدارَد

(he/she) did not hit نَزَد spearmint نَعناع

Exercise 3 — تمرین ۳

Write as one word : — به‌صورت یک واژه بنویسید:

ب + ـَ + ر + ا + د + ـَ + ر

ض + ـَ + ر + ـَ + ر

د + ا + ن + ا — wise

ن + ا + د + ا + ن — ignorant

ن + ـَ + د + ا + ر + ـَ + د

ب + ا + ب + ا

ع + ا + د + ـَ + ت

ت + ا + ب + ا + ن — shining

ن + ا + ز + ا — barren

ب + ا + ر + ا + ن — rain

آ + ز + ا + د — free

harm — آ + ز + ا + ر

tongue, language — ز + ـَ + ب + ا + ن

اَ + ب + ز + ا + ر

violent throw — پ + ـَ + ر + ت + ا + ب

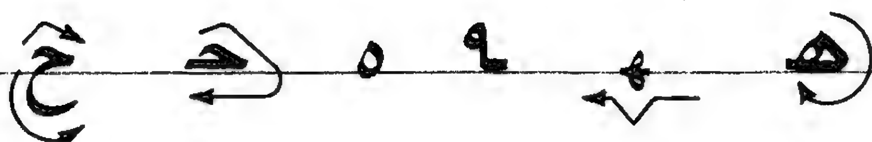
Exercise 4 — تمرین ۴

Listen and repeat : — بشنوید و تکرار کنید :

e, as in «nest»



h, as in «hospital»



clouds اَبرها — every, each هَر — thousand هِزار

lovely! بَه بَه — to بِه — refusal اِبا — those آنها

sigh آه — shabby ژِنده — fresh تازه — office اِداره

rein دَهَنه — iron آهَن — appearance ظاهِر — way راه

ready, present حاضِر — heat, tempreture حَرارَت

designer (طَرراح = ّ) طَرّاح — possessing حائِز

m, as in «mummy»



we ما — I مَن

combat, fight رَزم — feast بَزم

disease مَرَض — prohibition مَنع

building عِمارَت — doctrine مَرام

respect اِحتِرام — favour مَرحَمَت

moon, month ماه — uproar هَمهَمه

letter نامه — guest مِهمان

bathroom (حَم مام = ّ) حَمّام

gh, more or less similar to the French «r» in «rue»

ق ق غـ ـغـ ـغ غ

cube sugar قَند   reading قَرائت

cutting قَطع   piece قَطعه

shining (بَرّاق (س = بررراق

confectioner (قَنّاد (س = قن ناد

brain مَغز   electricity بَرق

fate قَضا   food غَذا

request تَقاضا   hot داغ

تمرین ۵

Write as one word: — بصورت یک واژه بنویسید:

hot water with sugar	ق + ـَـ + ن + د + ا + غ
sugar-bowl	ق + ـَـ + ن + د + ا + ن
hostess	م + ـِـ + هـ + م + ا + ن + د + ا + ر
opposed	ض + ـِـ + د + د (د + د = دّ)
discipline	ن + ـِـ + ظ + ا + م
good order	ن + ـَـ + ظ + م
prison	ز + ـِـ + ن + د + ا + ن
disturbance of mind	اِ + ض + ط + ـِـ + ر + ا + ب
dragon	اَ + ژ + د + ـَـ + هـ + ا
uproar	هـ + ـَـ + م + هـ + ـَـ + م + ـِـ
cheap	ا + ـَـ + ر + ز + ا + ن

returning ا + ـِـ + ع + ا + د + ـِـ

point of death ا + ـِـ + ح + ت + ـِـ + ض + ا + ر

particle ذ + ـَـ + ر + ر + ـِـ

quantity م + ـِـ + ق + د + ا + رِ

درس ۲

صداها و الفبای فارسی

تمرین ۶

بشنوید و تکرار کنید:

اُ ـُـ ـو O, as in the French word «mode»

و V, as in «vast»

اُتاق room هُنَر art دو two تو thou

نُه nine دَوا medicine واژه word

F, as in «fat» ـفـ ف

eruption فَوَران horizon اُفُق snow بَرف

agreeable مُوافِق agreement مُوافِقَت

l, as in «lip» ـلـ ل

doer, agent فاعِل verb فِعل kindness لُطف

sheet مَلافه tulip لاله dumb لال

birth تَوَلُّد (ّ = ل ل)

U, as in «pool» ـو او

he, she او

S, as in «safe» ث ـث ص ـص س ـسـ

needle سوزَن friend دوست

spoiled لوس face صورَت

greed حِرص one third ثُلث

furniture اَثاث spiritual reward ثَواب

sh, as in «shame» ش ـشـ

rebelion شورِش salty شور

wicked شرور

تمرین ۷

Write as one word: بصورت یک واژه بنویسید :

	ف + ا + ع + ـِـ + ل
easy	س + ـَـ + هـ + ل
offspring, result	ث + ـَـ + م + ـَـ + ر + ـِـ
constant, steady	ث + ا + ب + ـِـ + ت
cough	س + ـُـ + ر + ف + ـِـ
professor, master	اُ + س + ت + ا + د
witness	ش + ا + هـ + ـِـ + د
pious foundation	و + ـَـ + ق + ف
object of verb	م + ـَـ + ف + ع + و + ل
mice	م + و + ش + هـ + ا
ninteen	ن + و + ز + د + ـَـ + ه

thunderbolt ص + ا + ع + ـِـ + ق + ـِـ

wistle س + و + ت

inheritance و + ـِـ + ر + ا + ث + ـَـ + ت

peace, compromise ص + ـُـ + ل + ح

wealth ث + ـَـ + ر + و + ـَـ + ت

تمرین ۸

بشنوید و تکرار کنید:

Ow, as in «no» ـُـو اُو

times اُوقات

oil, grease رُوغَن state of affairs اُوضاع

far away دور cycle, turn دُور consultation شُور

vine مُو new نُو

K, as in «cake» ـکـ کـ

dull کُودَن wound up کوک

work, job کار soft wool کُرک blind کور

star کُوکَب worm کِرم paper کاغَذ

g, as in «egg» گـ گ

گاو cow

گَرم warm

گُودال pit

گِردو walnut

گُود deep

گَردَن neck

گُرگ wolf

گُربه cat

سَگ dog

تمرین ۹

بشنوید و تکرار کنید:

I, as in «sheep» ای ـیـ ی

Y, as in «yes» یـ ی

این this — شیر milk, lion, tap — سینی tray

یک one — یاری assistance — یَعنی namely

سَعی try, effort — ایراد objection

آزادی freedom

J, as in «jet» جـ ج

ایجاد creation — جَواب answer — عاج ivory

جیب pocket — جوراب sock, stocking

Ch, as in cheese چ چـ

mushroom قارچ helpless بیچاره thing چیز

nowhere هیچ‌جا nothing هیچ چیز screw, twist پیچ

ey, as in pay اِیـ ـِیـ ـِی

Kh, as in scotish word «loch» خ خو خـ

animal حِیوان field, square مِیدان portico اِیوان

mean, humble خوار thorn خار cane, reed نِی

nail میخ relative خویش ploughshare خیش

soaked خیس much, a lot خِیلی hole سوراخ

تمرین ۱۰

بصورت یک واژه بنویسید :

they	ایـ + ش + ا + ن
you	ش + ـُـ + م + ا
complaint	ش + ـِـ + ک + ا + ی + ـَـ + ت
lane, alley	ک + و + چ + ـِـ
street	خ + یـ + ا + ب + ا + ن
help, aid	ک + ـُـ + م + ـَـ + ک
dirty	ک + ـَـ + ث + یـ + ف
lamp	چ + ـِـ + ر + ا + غ
I wish	ایـ + ک + ا + ش
flower	گ + ـُـ + ل
walking	گ + ـَـ + ر + د + ـِـ + ش

judge — ق + ا + ض + ى

correct, true — ص + ـَـ + ح + يـ + ح

no — ن + ـَـ + خ + ـِـ + يـ + ر

good — خ + و + ب

young — ج + ـَـ + و + ا + ن

preaching — م + ـُـو + ع + ـِـ + ظ + ـِـ

occasion, time — م + ـُـو + ق + ـِـ + ع

descriptions — اُو + ص + ا + ف

new-born child — ن + ـُـو + ز + ا + د

box — ص + ـَـ + ن + د + و + ق

festival — ع + ـِـ + يـ + د

تمرین ۱۱

write in Persian letters : | با حُروف فارسی بنویسید :

difficult	*sakht*	tonight	*emshab*
sweet	*shirin*	last night	*dishab*
desert	*biâbân*	hungry	*gorosne*
son, boy	*pesar*	again	*dobâre*
daughter, girl	*dokhtar*	window	*panjere*
man	*mard*	pretty	*ghashang*
house	*khâne*	cool	*khonak*
book	*ketâb*	small	*kuchak*
big, great	*bozorg*	slowly	*âheste*
here	*injâ*	always	*hamishe*
there	*ânjâ*	mother	*mâdar*
today	*emruz*	pencil	*medâd*
yesterday	*diruz*	light	*rowshan*
ruffled	*zhulide*	glasses	*eynak*

تمرین ۱۲

با حُروف فارسی بنویسید :

write in persian letters :

hospital	dreamy
saucepan	land
zigzag	beautiful
utterance	predicate
butcher	yellow
shamelessly	payment
invisable	caravan
agreculture	guarantee
large	holidy
vivid	measure
gentleman	movement
prospect	pleasure
	stupidity

ترتیب الفبائی فارسی

Persian Alphabetic Order

واکه‌ها

Vowels

نام صدا Name of sound	تلفّظ صدا Pronunciation of the sound	نشانهٔ خطّی صدا Written symbol of the sound	
		شکل چاپی printing form	شکل دست‌نویس Hand-written form
اَلِف	â	آ ا	آ ا
زِبَر، فَتحه	a	اَ ـَــ	اَ ـَــ
زیر، کَسره	e	اِ ـِــ ـه ه	اِ ـِــ ـه ه
پیش، ضَمّه	o	اُ ـُــ و	اُ ـُــ و
واو	u	او و	او و
واو	ow	اُو ـُـو	اُو ـُـو
یِ	i	ایـ ـیـ ی	ایـ ـیـ ی
یِ	ey	اِیـ ـِیـ ـِی	اِیـ ـِیـ ـِی

ترتیب الفبائی فارسی

هَمخوانها

Consonants

نام صدا	تلفّظ صدا	نشانهٔ خطی صدا			
		شکل چاپی		شکل دست‌نویس	
بِ	b	ب	بـ	ب	بـ
پِ	p	پ	پـ	پ	پـ
تِ	t	ت	تـ	ت	تـ
ثِ	s	ث	ثـ	ث	ثـ
جیم	j	ج	جـ	ج	جـ
چِ	ch	چ	چـ	چ	چـ
حِ	h	ح	حـ	ح	حـ
خِ	kh	خ خو	خـ	خ خو	خـ
دال	d	د	د	د	د
ذال	z	ذ	ذ	ذ	ذ

نام صدا	تلفظ صدا	نشانهٔ خطّی صدا	
		شکل چاپی	شکل دست‌نویس
رِ	r	ر ر	ر ر
زِ	z	ز ز	ز ز
ژِ	zh	ژ ژ	ژ ژ
سین	s	سـ س	سـ س
شین	sh	شـ ش	شـ ش
صاد	s	صـ ص	صـ ص
ضاد	z	ضـ ض	ضـ ض
طا	t	ط ط	ط ط
ظا	z	ظ ظ	ظ ظ
عِین	vowel sound	عـ ـعـ ـع ع	عـ ـعـ ـع ع
غِین	gh	غـ ـغـ ـغ غ	غـ ـغـ ـغ غ

نشانهٔ خطّی صدا – شکل دست‌نویس	نشانهٔ خطّی صدا – شکل چاپی	تلفّظ صدا	نام صدا
فـ ف	فـ ف	f	فِ
قـ ق	قـ ق	gh	قاف
کـ ک	کـ ک	k	کاف
گـ گ	گـ گ	g	گاف
لـ ل	لـ ل	l	لام
مـ م	مـ م	m	میم
نـ ن	نـ ن	n	نون
و و	و و	v	واو
هـ ـهـ ـه ه	هـ ـهـ ـه ه	h	هِ
یـ ی	یـ ی	y	يِ

درس ۳

بخش ۱

Part I

Vocabulary — واژگان

that, it	آن [اون][1]
this	این
he, she	او [اون]
place	جا
there	آنجا [اونجا]
here	اینجا
where?	کُجا؟
day	روز
night	شَب

1 – Many words and sentences have a spoken form rather different from their written form. From now on you will see the spoken form in [ ].

year	سال
today	اِمروز
tonight	اِمشَب
this year	اِمسال
yesterday	دیروز
last night	دیشَب
last year	پارسال
table	میز
chair	صَندَلی
book	کِتاب
notebook	دَفتَر
paper	کاغَذ
pen	قَلَم
pencil	مِداد
one, a	یِک [یه]
two	دُو
three	سه
four	چَهار [چار]

five	پَنج
six	شِش [شیش]
seven	هَفت [هَف]
eight	هَشت [هَش]
nine	نُه
ten	دَه
man	مَرد
woman	زَن
sir, gentleman	آقا
madam, lady	خانُم
father	پِدَر
mother	مادَر
son, boy	پِسَر
daughter, girl	دُختَر
child	بَچّه (ّ = بَچ چه)[1]
sister	خواهَر (= خاهَر)
brother	بَرادَر

---

1 – The sign « ّ » above a letter indicates a prolonged articulation of the sound involved.

خانه [خونه]	house, home
مَنزِل	house
اُتاق	room
ساعَت	hour, watch, clock, time
ژاله	a female name
پَروین	a female name
ناصِر	a male name
عَلی	a male name
دارَد [داره].	(he, she) has
اَست / ست [س/ ـِ (= ـه / ه)]	is
هَستَند [هَستَن / ـَ ن]	are
بیا	come
بُرُو	go
حالا	now
وَ [اُ = o]	and
بَله	yes
چه	what?
چی	what?

what is?	چیست (= چی است) [چیه] ؟
who?	کی ؟
who is?	کیست (= کی است) [کیه] ؟

تمرین ۱۳

بشنوید و تکرار کنید :

.۱

this man	این مَرد
	این زَن
	این میز
	آن خانه [اون خونه]
	آن مَرد
	آن خانُم
one man	یِک مرد [یه مَرد]
	دُو مَرد[1]
	دَه مَرد
	یِک مِداد [یه مِداد]

1 – The noun following the cardinal numbers must be in the singular form. For the other categories of the numbers, see book 2.

سه مِداد

یِک شَب [یه شَب]

هَفت شَب [هَف شَب]

این دُو مَرد these two men

آن سه مِداد [اون سه مِداد]

روز و شَب day and night

سه روز و چَهار [چار] شَب

این سه روز و چهار شب

این دو پِسَر وَ آن سه دُختَر

بیا اینجا

بُرو آنجا [اونجا]

این چیست [چیه]؟

ساعت هَفت است [هَفته]. (It) is seven o'clock.

تمرین ۱۴

write in Farsi and repeat :

بفارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. That room
2. This book
3. This father
4. That mother
5. This child
6. That sister
7. That brother
8. This clock
9. This lady and this gentleman
10. Man and woman
11. That man and this woman
12. Three chairs
13. One chair
14. Seven books and eight pens
15. One book and one pen
16. These two children
17. Those nine tables
18. This table and those ten pencils
19. Father and son
20. This mother and daughter
21. That sister and brother
22. Five brothers and four sisters
23. One day and night
24. That one room
25. Those ten rooms
26. Eight hours

بخش ۲

Part II

تمرین ۱۵

بشنوید و تکرار کنید:

.۲

This is.

این است

is this

[اینه][1]

is this

This is a table.

این یِک میز است.

is table a this

[این یه میزه]

is table a this

1. ه / ـه (e) is suffixed to words ending in a consonant or the vowel *I*.

That is a chair.

آن یک صَندَلی است.

[اون یه صَندَلیه]

is chair a that

He is a gentleman.

او یک آقاست (= است)

[او/ اون یه آقـــا س][1]

is gentleman a he

آن یک خانه است.

[اون یه خونَس][2]

is house a that

Ali is here.

علی اینجاست [س]

is here Ali

Where is he?

او کُجاســت [س]؟

is where he

1. س (s) is suffixed to words ending in a vowel.
2. when the final vowel of the word is e, it changes into the vowel a and then takes س (s).

Jaleh is there.

ژاله آنجا ست.

is there Jaleh

[ژاله اونجاس]

Is Jaleh there?

ژاله آنجاست؟

بَله، او آنجا ست [اونجاس]

is there she yes

What is that?

آن چیست؟

[اون چیه؟]

Who is this woman?

این زَن کیست؟

[این زَن کیه؟]

تمرین ۱۶

Write in Farsi and repeat : به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. Who is that man?
2. This lady has three children.
3. Where is she today?
4. He is there tonight.
5. There are six books and eight notebooks here.
6. Where are those nine men and ten women?
7. That gentleman has five brothers and one sister.
8. Who are this man and that woman?
9. This house has four rooms.
10. Those two tables and ten chairs are there.
11. Has Ali (any) son?
12. Yes, he has two sons.
13. This man is Ali and that lady is Parvin.
14. Who are these six women?
15. Where is Nader?
16. He is here.

17. Where is she now?

18. Come here tonight.

19. Go home now.

20. It is four o'clock.

21. Jaleh has three watches.

تمرین ۱۷ گُفت و شُنود

Dialogue

بشنوید و تکرار کنید:

عَلی: [این چیه؟

پَروین: این یه قَلَمه.

علی: اون چیه؟.

پروین: اون یه مَرده.

علی: اون آقا کیه؟

پروین: اون آقا، نادِره.

علی: این خانم و اون آقا کی هَستَن؟ /کیَن؟

پروین: ژاله وَ نادِر

علی: ژاله دُختر داره؟ Has Jaleh (any) daughter?

پروین: بله، او یه دختر داره.

علی: اینجا کُجاس؟

پروین: اینجا اِصفَهانه.

علی: اونجا چیه؟

پروین: اونجا یه میز و شیش صندلیه.

علی: کی اونجاس؟

پروین: چار پِسَر و هَف دُختَر.

علی: نادِر اِمشَب کُجاس؟

پروین: او اِمشَب اینجاس.

علی: حالا اون دو خواهر و سه بَرادر کجا هستن؟

پروین: اون دو دُختر و سه پِسَر حالا اینجان.

علی: نادِر بَچّه داره؟ Has Nader (any) children?

پروین: بله، او یه بچّه داره.

علی: اون بچّه، پسره یا دختر؟ Is that child (a) boy or (a) girl?

پروین: بچّه، دختره.

علی: اون مادر و بچّه امروز کُجان؟

پروین: خُونه هَستَن.]

درس ۴

بَخش ۱

واژگان

خوب	good, nice, well
بَد	bad
زیبا	beautiful
قَشَنگ	pretty, nice, beautiful
زِشت	ugly, nasty
تَمیز	clean, tidy
کَثیف	dirty
کُهنه	old
پیر	old
دانا	wise
جَوان [جَوون]	young, youth

new	نُو
big, large, great	بُزُرگ
small	کوچَک [کوچیک]
tiny, very small	ریز
cold	سَرد
cool	خُنَک
warm	گَرم
hot	داغ
thirsty	تِشنه
hungry	گُرُسنه [گُشنه]
white	سِفید
black	سیاه
yellow	زَرد
green	سَبز
sweet	شیرین
sour	تُرش
apple	سیب
grape	اَنگور

lemon	لیمو
thing	چیز
door	دَر
window	پَنجِره
wall	دیوار
open	باز [واز]
closed, shut	بَسته
water	آب
weather, air	هَوا
horse	اَسب
dog	سَگ
cat	گُربه
week	هَفته
month, moon	ماه
minute	دَقیقه [دَیقه]
second	ثانیه
tomorrow	فَردا
the day after tomorrow	پَس‌فَردا

the day before yesterday	پَريروز
slowly, gently	يَواش
slowly, gently	آهِسته
fast, quick, quickly	تُند
all	هَمه
all of	هَمهٔ (= هَمه‌یِ)
all of	تمامِ
always, all the time	هَميشه
when?	کِی؟
which?	کُدام [کُدوم]؟
how?	چطور؟
again	دُوباره
(he, she, it) was.	بود
(they) were.	بودَند [بودَن]
(he, she, it) went.	رَفت
(they) went.	رَفتَند [رَفتَن]
(he, she, it) came.	آمَد [اومَد]
(they) came.	آمَدَند [اومَدَن]

۳. مَعرِفه وَ نَکَره

indefinite definite

معرفه[1] + { ـ ی / یِک [یه] ـ / یِک .... ی } ←— نکره[2]

مَرد + ی ←— مَردی — a man

یک [یه] + مَرد ←— یک [یه] مَرد — a man

یک [یه] + مَرد + ی ←— یک [یه] مَردی — a man

---

1. The definite is usually without any symbol. 2. The indefinite is expressed in three ways: a) by adding an – *i* to the end of the noun; b) by putting the word *yek* "one, a" before the definite noun; c) by using both *yek* and – *i*. The latter is the most common spoken form.

تمرین ۱۸

بشنوید و تکرار کنید:

گُربه‌ای اینجاست[1] [س]

یک اَسب آنجا بود.

[یه اَسبی اونجا بود]

دیروز یک خانُم آمد اینجا.

[دیروز یه خانُمی اومد اینجا]

یک [یه] سَگ هَمیشه آنجاست [اونجاس].

یک هَفته هَفت روز است.

[یه هفته هَف روزه.]

دَری باز بود.

[یه دری واز بود.]

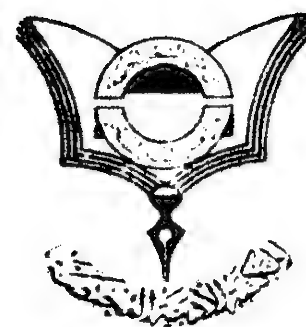
چیزی.

[یه چیز]

[یه چیزی]

---

1. The verb usually comes at the end of the sentence.



۴. مُفرَد وَ جَمع

singular plural

مفرد + «ها» [ا] ⟵ جمع

مرد + ها ⟵ مَردها	men
اَسب + ها ⟵ اَسبها	horses
[اَسب + ا ⟵ اَسبا]	horses

تمرین ۱۹

بشنوید و تکرار کنید:

آنها [اونا]	those, they.
پِدَرها [پدرا]	the fathers.
پِدَرهایی (= ی)	some fathers.
[پدرایی]	some fathers.
کِتابها [کِتابا]	the books.
کتابهایی [کتابایی]	some books.

[یه کتابایی]	some books.
چیزها	the things.
[یه چیزایی]	some things.

آن بَچّه (= بچ‌چه)

هَفت بَچّه

آن هَفت بَچّه

بَچّه‌ها

بَچّه‌هایی

آن [اون] بچّه‌ها آمدند [اومَدن]

هَمه رَفتَند [رفتن]	Everybody (= all) went.
هَمهٔ (= یِ) آنها رَفتَند.	All of them went.

تَمامِ بچّه‌ها رفتند.

هَمهٔ شب	all the night.
تَمامِ شب	all the night.
هَمهٔ شبها	all nights.
تَمامِ شبها	all nights.

این پنج پِسَر دُوباره آمدند [اومَدن]

این خانُمها کِی اینجا آمدند؟ When did these ladies come here?

بخش ۲

تمرین ۲۰

به فارسی بنویسید:

1. The door was closed.

2. A door was shut.

3. All doors were closed.

4. All these doors were closed.

5. Some doors were shut.

6. A man was here yesterday.

7. All men were always there.

8. Some men were here the day before yesterday.

9. All children came.

10. Those three ladies went the day before yesterday and came (back) yesterday.

11. When did that boy come here?

۵. اِسم وَ صِفَت[1]

adjective noun

اِسم + { ـَ / يِ } + صِفَت

مَرد + ـِ + گُرُسنه ⟵ مَردِ گُرُسنه the hungry man.

هَوا + يِ + خوب ⟵ هوايِ خوب good weather.

تمرين ۲۱

بشنويد و تكرار كنيد:

دخترِ زيبا

مَردِ جَوان

---

1. The adjective usually follows the noun. It is joined to the qualified noun by an – e (or – ye when the word ends in a vowel other than i) to the end of the noun.

	هَوایِ سَرد
	لیمویِ تُرش
	پَنجِرهٔ (= یِ) باز
	خانهٔ (= یِ) بُزُرگ
a big house	خانهٔ بُزُرگی[۱]
	چیزِ خوب
bad things.	چیزهایِ بَد[۲]
	مردهایِ گُرُسنه
some big houses.	خانه‌هایِ بُزُرگی
which beautiful girl?	کُدام [کُدوم] دخترِ زیبا؟
which big houses?	کُدام [کُدوم] خانه‌هایِ [خونه‌هایِ] بُزُرگ؟
these two closed windows.	این دُو پَنجِرهٔ (= یِ) بَسته
that pretty white cat.	آن گُربهٔ سِفیدِ قَشَنگ[۳]
this old and dirty door.	این دَرِ کثیف و کُهنه

---

1. The indefinite suffix – i is attached to the adjective.
2. Plural nouns always take singular adjectives.
3. Adjectives can follow each other by either – e joined to the preceding one or va, o "and" between the two.

تمرین ۲۲

بشنوید و بنویسید :

هَوایِ گَرم.

پَریروز هَوا گَرم بود.

اَسبِ سفید.

این اسبها سفید هَستَند.

سیبهایِ سبز تُرش هَستَند.

اَنگورِ زَرد شیرین اَست.

آن پِدَرِ پیر سه پِسَرِ جَوان دارَد.

این مادَرِ جوان دو بچّهٔ کوچکِ تمیز دارَد.

آن زَنهایِ پیر آهِسته رَفتَند. Those old women went slowly.

اینجا هَمیشه هَوا سَرد اَست.

آن چیزهای خوب کُجا هَستَند؟

[اون مردِ گُشنه کِی اومد؟]

۶. تَعَجُّب[1] Surprise

۱ ـ ۶ { چه / عَجَب } + اسم... + ی ! What a ....!

چه + شَب + ی ⟵ چه شَبی! What a night!

عَجَب + شَب + ی ⟵ عَجَب شَبی! What a night!

تمرین ۲۳

بشنوید و تکرار کنید:

چه روزی!	What a day!
عَجَب روزی!	What a day!
چه روزِ خوبی!	What a nice day!
بَهبَه عَجَب روزِ خوبی!	How nice! What a nice day!
بَهبَه چه خانهٔ(= یِ) تمیزِ زیبایی!	How nice! What a beautiful clean house!
چه پَنجِرهٔ زِشت وَ کُهنهای (= ی)!	What an old and ugly window!
عَجَب شَبِ سَردیست [سَردیه]!	What a cold night it is!
چه مُعَلّمِ خوبی!	
چه خانههائی!	What houses!
چه لیموهایِ شیرینی!	What sweet lemons!

---

1. Surprise is expressed by the word che 'what' before nouns, adjectives, adverbs, and an– I after them. When the surprise is great and intensive, the word *ajab* 'wonder' is used.

۲ ـ ۶ { چه / عَجَب } + { صِفَت / فِعل verb } how.....!

چه + بَد	چه بَد!	how bad (it is)!
عَجَب + تُرشه	عَجَب تُرشه!	how sour it is!

تمرین ۲۴

بشنوید و تکرار کنید:

چه خوب!	How nice!
چه زیباست!	How beatiful it is!
عَجَب خوبه!	How nice it is!
چه خوبه!	How nice it is!
چه بَده!	How bad it is!
عَجَب تُند رَفت!	How fast she went!
[چه یَواش اومَد!]	How slowly he, she, it came!

چه سَرده!

این سیب عَجَب تُرشه!

[اون مردِ پیر عَجَب گُشنهَ س!]

هوا عَجَب گرمه!

این آب چه کَثیف و داغه!

۷. چه[1] + اسم... + ی؟

چه + پول + ی ← چه پولی؟ What money?

چه + کِتاب + ی ← چه کِتابی؟ What book?

تمرین ۲۵

بشنوید و تکرار کنید:

چه روزی؟	What day?
چه روزی!	What a day!
چه کتابِ کُهنه‌ای؟	What old book?
چه کتابِ کهنه‌ای!	What an old book!
چه کاغَذهایی؟ [چه کاغذایی؟]	What papers?
[چه کاغذایی!]	What papers!
چه قَلَمهایِ سیاهی؟ [چه قَلَمایِ سیاهی؟]	What black pens?
چه کَسی[2] آنجاست؟ [چه کَسی اونجاس؟]	What person is there?
چه کَسی دیروز اینجا بود؟	What person was here yesterday?
چه چیزهایِ قَشَنگی اینجاست!	What pretty things are here!

---

1. چه is only a question word when it is stressed. In this case, the structure has no implication of surprise. 2. kas = person

تمرین ۲۶

جمله بسازید: Make sentences:

۱. سیاه ، گُربهٔ ، آنجا ، است.

۲. این ، گَرم ، آب ، است.

۳. اَست ، او ، تِشنه ، وَ ، گُرُسنه.

۴. آن ، زَرد ، سَگ ، بَچّه ، پَنج ، دارَد.

۵. خانُمِ ، این، جوان، پسَر ، دارد، یِک.

۶. تُرش ، بَد ، است، اَنگور.

۷. کُهنه ، پَنجِره ، وَ ، است ، کَثیف.

۸. اِینجا، بِنشین[1] ، وَ ، بیا.

۹. کَثیف ، دیوارِ ، است ، زِشت.

۱۰. مَردِ ، پیر ، وَ ، تَمیزی ، بود ، اینجا.

---

1. Sit down.

تمرین ۲۷

بشنوید و تکرار کنید:

ناصِر[1]: سَلام.[2]

پَروین[3]: سَلام.

ناصر: اِمروز هَوا چِطُوره؟

پروین: یه کَمی[4] سَرده.

ن: هَوایِ سَرد خوبه؟

پ: نه زیاد.[5]

ن: پَریروز هَوا چطور بود؟

پ: خِیلی[6] گَرم بود.

ن: اون پَنجره بازه؟

پ: نَه[7]، بَستَه س.

ن: اون زنهایِ جَوون کِی رَفتَن خونه؟

پ: اونا پَریروز اینجا بودَن وَلی[8] دیروز همه رفتن.

---

1. A male name. 2. hello. 3. A female name, 4. a little. 5. not much. 6. very, much. 7. no. 8. but.

ن: اون زنِ پیر گُرُسنَه س؟

پ: بله، خِیلی گُشنَه س.

ن: دَرِ بُزُرگ بازه.

پ: دَرِ کوچیک هَم[1] وازه.

ن: این سیبایِ سَبز هَمه تُرشَن.

پ: اَنگورام (= انگورها هَم) تُرشَن.

ن: ساعَت چَندِه[2]؟

پ: هَفت و یازده[3] دَیقه.

ن: خُداحافِظ.[4]

پ: خُداحافِظ.]

1. too, also. 2. What is the time? 3. eleven, 4. bye bye, good bye.

درس ۵

بَخش ۱

واژگان

سَر	head
مو	hair
اَبرو	eyebrow
چَشم [چِشم]	eye
لَب	lip
صورَت	face
گوش	ear
دَست	hand
پا	foot ,leg
پوست	skin

friend	دوست
wife	زَن، خانُم
husband	شُوهَر
name	اِسم
teacher	مُعَلِّم
professor	اُستاد
student, pupil	شاگِرد
university student	دانِشجو
elementary school	دَبِستان
secondary school	دَبیرِستان
university	دانِشگاه
tea	چای [چایی]
cube sugar	قَند
sugar	شِکَر
milk	شیر
coffee	قَهوه
bread	نان [نون]
cheese	پَنیر

butter	کَره
yoghurt	ماست
date (palm)	خُرما
fruit	میوه
cherry	گیلاس
pear	گُلابی
peach	هُلو
orange	پُرتِقال
tangerine	نارِنگی
garden	باغ
tree	دِرَخت
unripe	کال، نارَس
condition (of health), present	حال
fat	چاق
thin	لاغَر
light	سَبُک
heavy	سَنگین
salty	شور

bitter	تَلخ
right	راست
left	چَپ
colour	رَنگ
red	قِرمِز، سُرخ
blue	آبی
brown	قَهوه‌یی
animal	حیوان [حِیوون]
ass, donkey	خَر، اُلاغ
cow	گاو
calf	گوساله
sheep	گوسفَند
meat, flesh	گوشت
city	شَهر
country	کِشوَر
eleven	یازدَه
twelve	دَوازدَه
thirteen	سیزدَه

fourteen	چهاردَه [چاردَه]
fifteen	پانزدَه [پونزدَه]
sixteen	شانزدَه [شونزدَه]
seventeen	هِفدَه [هیودَه]
eighteen	هِجدَه [هیژدَه]
nineteen	نوزدَه
twenty	بیست [بیس]
still, yet	هَنوز
below, underneath	زیر
top, surface	رو

۸. پَسوندهایِ «بودن» «to – be» Endings

مَن ⟷ ـَ م [1]
I am

تُو [2] ⟷ ـ ی
you (sing.) are

او [اون] ⟷ ـ ست [ه]
he/ she he/ she/ it is

ما ⟷ ـ یم
we are

شُما ⟷ ـ ید [ـ ین]
you are

ایشان [ایشون]، آنها [اونا] ⟷ ـَ ند [ـَ ن]
they they/ those are

تمرین ۲۸

بشنوید و تکرار کنید:

مَن + ـَ م ← مَنَم	I am.
تُو + ـ ی ← تویی	You (sing.) are.
او + ـ ست (= اَست) ← اوست	He/ she is.
[اون + ـِ ← اونه]	He/ she/ it is.

1. You have noticed that '(he, she, it) is' is expressed by the addition of '– e/– st' to the words, other than the verbs. The rest of the series, e. g. (I) am, (you) are, etc. can be expressed in the same way but by different suffixes as the above. 2. The scond person singular is only used in speaking to the inferior, intimate friends, or members of the family.

We are.	ما + ــــ یم ⟵ ماییم
You are.	شُما + ــــ ید ⟵ شُمایید
You are.	[شُما + ــــ ین ⟵ شمایین]
They are.	ایشان + ـَـ ند ⟵ ایشانَند
	[ایشون + ـَـ ن ⟵ ایشونَن]
They are.	آنها + ـَـ ند ⟵ آنهایَند
They are.	[اونا + ــــ ن ⟵ اونان]

تمرین ۲۹

بشنوید و تکرار کنید:

(I) am well.	خوب + ـَـ م ⟵ خوبَم
I am well.	مَن خوبَم[1]
(you) are well.	خوب + ی ⟵ خوبی
You are well.	تُو خوبی

1. The Personal Pronouns can be used with their corresponding suffixes to emphasize the subject.

(he/she/it) is well.	خوب + ـَ ست (= اَست) ← خوبَست
(he/she/it) is well.	[خوب + ـِ ← خوبه]
He/she is well.	او خوبَست
He/she/it is well.	[اون خوب + ـِ ← اون خوبه]
(we) are well.	خوب + یم ← خوبیم
We are well.	ما خوبیم
(you) are well.	خوب + ید ← خوبید
(you) are well.	[خوب + ـ ین ← خوبین]
You are well.	شُما خوبید [خوبین]
(they) are well.	خوب + ـَ ند ← خوبَند
They are well.	ایشان خوبَند
They are well.	[ایشون خوب + ـَ ن ← خوبَن]
They are well.	[اونا خوبَن]

تمرین ۳۰

Write into Farsi:

به فارسی بنویسید:

1. (it) is pretty.

2. I am still young.

3. (it) is bad.

4. These clothes[1] are clean.

5. That old woman is still beautiful.

6. (a) dirty dress[2] is very bad.

7. Where are (you)?

8. How is he?

9. [How is (it)?]

10. Which city?

11. [Which student is here?]

12. Who is ugly?

13. What is this?

14. [What is that?]

15. The fruits are all unripe.

16. [Where am I now?]

17. [This old tree is still green.]

18. [The old shoes[3] are here.]

19. Where is the wise old man?

20. We are all well.

21. [You (sing.) are thirsty, not hungry.]

22. [it (=the air) is cool today, not cold.]

23. [You are still a little (too) fat.]

24. Where is he now?

25. She was here (for) eight weeks.

---

۱ ــ لِباسها   ۲ــ لِباس   ۳ ــ کَفشها

بخش ۲

۹. اِضافه[1] Genetive

اسم + {ـِ / ـیِ[2]} + اسم / ضَمیر
pronoun

چَشمِ پدَر	father's eye
گوشِ او	his ear
اَبروِیِ شما	your eyebrow
خانهٔ (= خانه‌یِ) حَسَن	Hassan's house

1. The genetive is formed by adding an –e (or –ye when the word ends in a vowel other than i) to the end of the governing noun, which preceeds the governed word. This –e is similar in function to the English 'of' and «'s».

2. ی (– ye) is added to the noun when it ends in a vowel.

تمرین ۳۱

بشنوید و تکرار کنید:

دَستِ مادَر	mother's hand (= the hand of mother)
دو پایِ مَن	my two feet (= the two feet of me)
مویِ پَروین	
گُلابیِ دوستِ شُما	your friend's pear
قَهوهٔ (= یِ) تُرکیه[۱]	
خانُمِ حَسَنی	Miss / Mrs. Hassani
آقایِ شاکِری	Mr. Shakeri
کِشوَرِ ایران	the country of Iran
شهرِ شیراز[۲]	
شوهَرِ ایران[۳]	
زَنِ فَرهاد[۴]	
بَرگِ سبزِ دِرَخت	
اَسبِ کی؟	whose horse?

1. Turkey.
2. A city in the south of Iran.
3. A female name.
4. A male name.

[اون اَسبِ کیه؟]

گوشتِ گوساله — veal (= the meat of calf)

گوشتِ گاو — beef (= the meat fo cow)

رَنگِ سُرخ — red colour (= the colour of red)

رَنگِ پُوستِ برادَرِ من سیاهَست [هه]

زیرِ میز — under the table (= under of table)

رویِ کاغذ — on the paper (= on top of paper)

تمرین ۳۲

Translate into Farsi: به فارسی ترجمه کنید:

1. His wife.

2. Her husband.

3. My friends

4. Your (sing.) eyes.

5. Your students.

6. Our professor.

7. Your teacher's name.

8. My right hand.

9. His wife's left eye (= the left eye of his wife).

10. Mutton (= the meat of sheep).

11. The brown dress of Babak's teacher.

12. My son's tea.

13. The university of Tehran is very big.

14. That green tangerine is unripe.

15. Your fifteen cherries are all red.

16. Donkeys are good animals (= donkey is a good animal).

17. Esfahan is a beautiful big city.

18. Milk is white but coffee is brown.

19. Who are those thin women?

20. Those fat men were here yesterday.

21. (the) small garden.

22. (the) walls of my friend's big garden.

23. The yellow cherries are very small (= tiny).

24. These sixteen peach trees (= the trees of peach).

25. (the) weather (=air) of Tabriz city (=city of Tabriz) is always cold.

26. Her sister's blue dress is still new, but your (sing.) wife's red dress is old.

27. Twelve students and seventeen university students.

28. This is a pear tree and that is an orange tree.

29. There is a white horse under the tree (= a white horse is under the tree).

30. Those five books are on the table, and that heavy clock is on the wall.

31. A black and white cat is on the tree.

32. Your left hand is on my right eye.

33. The colour of the hair of their son's teacher is red (= the colour of the hair of the teacher of the son of they).

تمرین ۳۳

بشنوید و تکرار کنید:

۱۰. مالِ مَن[1]	mine
مالِ تُو	yours (sing.)
مالِ او [اون]	his, hers
مالِ ما	ours
مالِ شما	yours
مالِ آنها [اونا] ایشان [ایشون]	theirs
مالِ کی؟	whose?
مالِ علی	Ali's

این مالِ من است.

[این مالِ مَنه]

آن چایِ شیرین مالِ تُوست.

[اون چاییِ شیرین مالِ تُوس]

این نان و کَره مالِ اوست.

[این نون و پَنیر مالِ اونه]

1. the Property of me.

آن قَهوهٔ (= یِ) تَلخ مالِ کیست؟

[اون قَهوهٔ تلخ مالِ کیه؟]

ماستِ تُرش مالِ دوستِ ماست.

[ماستِ تُرش مالِ دوست ماس]

آن میوه‌هایِ شیرین مالِ باغِ پدرِ خانُمِ شماست.

Those sweet fruits belong to the garden of your wife's father.

این صَندلیهایِ قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ آنهاست.

[این صندلیایِ قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ اوناس]

تمرین ۳۴

Put into Farsi and repeat: به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. This is mine, but where is yours?
2. That big house is still theirs.
3. What is hers?
4. This book was yours (sing.) yesterday, but is his now.
5. This country is always ours.
6. All good things belong to your city.
7. These yellow peaches belong to Ali's garden.
8. That blue dress is Iran's.
9. Mine is yours, and hers is the children's.
10. Whose are these very light shoes?
11. Whose tea is this?
12. Whose sister is Sima?
13. These children are ours?
14. That black chair is hers.

بخش ۳

۱۱. ضمیرهایِ مِلکیِ پیوَسته Suffixed Possessive Pronouns

کِتاب + ـَ م[1] = کتابِ من	My book
کتاب + ـَ ت [ـِ ت] = کتابِ تو	Your (sing.) book
کتاب + ـَ ش [ـِ ش] = کتابِ او	His / her book
کتاب + ـِ مان [ـِ مون] = کتابِ ما	Our book
کتاب + ـِ تان [ـِ تون] = کتابِ شما	Your book
کتاب + ـِ شان [ـِ شون] = کتابِ ایشان	Their book

---

1. The possessive case can also be expressed by the possessive pronouns as the above. If, however, we wish to emphasize the fact of ownership of something the second structure is more frequently used.
When the preceding word ends with/i, â, o, u/a/y/intervenes between the two vowels in the written form,e.g. *mu*+.*am* ⟶ *muyam.* But in the spoken form the first vowel of the suffix drops, e. g. *mu* + *et* ⟶ *mut*. And when the preceding word ends in *e*, the e changes into a together with the omission of the initial vowel of the suffix , e. g. *khune* + *emun* ⟶ *khunamun.* But this happens only in the spoken form.

تمرین ۳۵

بشنوید و تکرار کنید:

پدرَم

پدرِ من

اَبرویَت

[اَبروت]

ابرویِ تُو

بَچّه اَش

[بَچّش]

گُلابیِمان (= گلابیِ‌مان)

[گُلابیمون]

پایِمان

[پامون]

دَستهایِتان

[دَستاتون]

رادیو یِشان

[رادیوشون]

دانشجویِتان

دانشجویِ جَوانِتان[۱]

اَسبِ سفیدِ زیبایَم

پَنجرهٔ اُتاقِمان

لباسهایِ کَثیف و کُهنه‌اَت

[لباسای کثیف و کُهنَت]

1. When the noun is accompanied by some other elements such as nouns, adjectives, etc. the pronoun joins the last part of the structure.

۱۲. خُود self

خُود + ضمیرِ مِلکی / اسم[۱]

خُود + ـَ م ⟵ خودَم = خودِ من	myself
خود + ـَ ت [ـِ ت] ⟵ خودَت = خودِ تو	yourself
خود + ـَ ش [ـِ ش] ⟵ خودَش = خودِ او	herself / himself
خود + ـِ مان [ـِ مون] ⟵ خودِمان = خودِ ما	ourselves
خود + ـِ تان [ـِ تون] ⟵ خودِتان = خودِ شما	yourselves
خود + ـِ شان [ـِ شون] ⟵ خودِشان = خود ایشان / آنها	themselves

1. For further emphasis, the word *khod* 'self' may be used with either the suffixed of the pronouns. It may also be used with a qualifying noun.

تمرین ۳۶

بشنوید و تکرار کنید:

خودِ ناصر	Nasser himself
خودِ بَرادَرها	the brothers themselves
خودِ پدرَم	my father himself
پدرَم خودَش	my father himself
من خودَم	I myself
ما خودِمان	we ourselves
شما خودِتان	you yourselves
تو خودَت بُرو.	You yourself go!
آنها خودِشان	they themselves
پسرِ من خودَش آمد.	My son himself came.
خودِ او رفت.	She herself went.
او خودَش رفت.	She herself went.
آنها خودِشان هستند.	They are themselves.
[اونا خودِشونَن.]	They are themselves.
خواهرها خودِشان رفتَند.	The sisters themselves went.

The sisters themselves went.	[خواهرا خودِشون رفتَن.]
my own friend (= the friend of myself)	دوستِ خودِ من
your own son	پسَرِ خودِتان
our own house	[خونهٔ خودِمون]

تمرین ۳۷

Put into Farsi: به فارسی بنویسید:

1. My pretty and good girl.
2. Where are their children?
3. Where was your friend last night?
4. His foot is under the table.
5. Her eleven oranges are on the table.
6. [Our young son is (at) home.]
7. My sister's right ear.
8. Her husband's blue clothes.
9. Their old father's left eye.
10. The old door and window of our room.

11.His wife herself came.

12. Her husband himself went.

13. My daughter's teacher himself was here.

14. [All my sons themselves are there.]

15. I myself.

16. Farhad himself.

17. You yourselves.

18. They were themselves here yesterday.

19. Where is Jaleh herself?

20. Where are they themselves?

گفت و شنود

تمرین ۳۸

بشنوید و تکرار کنید:

ناصر: [سَلامٌ عَلیکُم.[۱]

پروین: سلام، حالِتون چطُوره؟

ن: مَمنونَم[۲]، خِیلی خوبم، حالِ شما چطُوره؟

پ: مَنم (= من هَم)[۳] خوبم، خِیلی مُتشَکّرم.[۴]

ن: حالِ مادرِتون چطوره؟ ایشون حالا بِهتَرَن[۵]؟

پ: بَله، بِهترَن خُدا رو شُکر[۶].

پ: بِبَخشید[۷]، اون آقا و خانم کیَن؟

ن: آقایِ ایزدی[۸] و خانُمِشون.

پ: دوستِ شما هستن؟

ن: بله، دوستای خوبِ من.

پ: دوستایِ خودتون یا[۹] دوستای برادرِتون؟

ن: دوستایِ خودِمن.

ن: آقایِ ایزدی!، بِفَرمایید[۱۰] اینجا.

---

1. Hallo to you. 2. thank you (= I am grateful). 3. I too. 4. I am thankful. 5. It is a polite way to use plural pronoun and verb for a singular subject. 6. thank God. 7. Excuse me. 8. A surname. 9. or 10. A polite word for asking somebody to come, to go, to sit, to eat, to speak, etc. depending on the situation.

ن: ایشون آقایِ ایزدی، خانُمِ ایزدی.

پ: خُوشوَقتَم[۱]، بِفَرمایین.

ایزدی: خِیلی مَمنونَم[۲].

ن: ایشون خانمِ دُکتُر[۳] پروینِ صَفا[۴] هَستَن.

پ: بِبَخشید، شُما بچّه هم دارین؟

خانم ایزدی: بَله، ما سه بچّه داریم، دوپسر و یه دختر.

ن: چَند سال دارَن[5]؟

آقای ایزدی: پسرامون، یکی شون بیس سال داره و اون یکی هیودَه سال، دخترِمون یازدَه سالِشه[6].

پ: ببخشید، روزا کجا میرَن؟

خانم ایزدی: پسرِ بُزُرگِمون میره دانشگاهِ تهران، پسرِ کوچکتَرِمون میره دبیرستانِ اِبنِ‌سینا، و دخترِمون دَبستانِ رازی.

آقای ایزدی: بِبَخشید، ساعت چَنده؟

ن: نُه و بیست دَیقه.

خانم ایزدی: خُداحافظ.

پ: خدانِگَهدار[۷].]

---

1. Nice to see you (= I am happy). 2. I am very grateful. 3. doctor, Dr.
4. A surname. 5. How old are they (=how many years have they?). 6. Our daughter is eleven (= is her eleven years). 7. Good bye.

درس ۶

بخش ۱

واژگان

گُل	flower
گُلدان [گُلدون]	vase
شِکوفه	blossom
بَرگ	leaf
یاس	jasmin
نَرگِس	narcissus
خیابان [خیابون]	street, avenue, road
کوچه	lane, alley
مِیدان [مِیدون]	square
راه	road, way

shop	مَغازه
shop	دُکّان [دُکون]
department store	فُروشگاه
butcher's shop	قَصّابی
bakery	نانوایی [نونوایی]
dairy shop	لَبَنیاتی
grocery shop	خواربار فُروشی
green-grocery shop	سَبزی فُروشی
fruitmonger	میوه فروشی
turkey	بوقَلَمون
chicken	مُرغ
fish	ماهی
onion	پیاز
potato	سیب‌زمینی
tomato	گُوجه فَرَنگی
lettuce	کاهو
cucumber	خیار
melon	خَربُزه

water melon	هِندِوانه [هِندونه]
banana	مُوز
rice	بِرِنج
cooking oil	رُوغَن
egg	تُخمِ‌مُرغ
cheap	اَرزان [اَرزون]
expensive	گِران [گِرون]
morning	صُبح [صُب]
tomorrow morning	فَردا صُبح
yesterday morning	ديروز صُبح
this morning	اِمروز صُبح
good morning!	صُبح بِخير
breakfast	صُبحانه
noon, midday	ظُهر
tomorrow midday	فَردا ظُهر
lunch	ناهار
evening	عَصر
tomorrow evening	فَردا عَصر

supper	شام
delicious	لَذیذ
food	غَذا
people	مَردُم
season	فَصل
spring	بَهار
summer	تابِستان [تابِستون]
automn, fall	پاییز
winter	زِمِستان [زِمِستون]
money	پول
Tuman (Iranian money)	تومان [تُومَن]
Rial (Iranian money)	ریال [اِزار]
Kilo	کیلو
little, few	کَم
a little	کَمی [یه کَمی]
much, many, plenty	زیاد
more, greater	بیشتَر
late	دیر

early, soon	زود
far, distant	دور
near	نَزدیک
long	دِراز
short	کوتاه
to buy	خَریدَن
to be	بودَن
to go	رَفتَن
to come	آمَدَن [اومَدَن]
to sit	نِشَستَن
of, from, since	اَز
till, to, as far as	تا
in, into, at	دَر
to	به
why?	چرا؟
every	هَر
everyday	هَر روز
everybody, anybody	هَرکَس، هَرکَسی

۱۳. صِفَتِ بَرتَر Comparative adjective

صِفَت + ــ تَر ⟵ صفتِ بَرتَر[۱]

مردِ جوان مردِ جوانتَر

۱ ــ ۱۳. صِفَتِ بَرتَر + اَز[۲]

این مرد جوانتَر اَز آن مرد است.

تمرین ۳۹

بشنوید و تکرار کنید:

سیبِ شیرین

سیبِ شیرینتَر

این سیب شیرینتَر اَز آنست [اونه].

سیبِ شیرینتَر مالِ شُماست [شُماس].

دیروز سردتَر اَز امروز بود.

شُما پیرتَر اَز همه‌اید [این].

کدام خانه بیشتَر اُتاق دارد؟

[کُدوم خونه بیشتر اُتاق داره؟]

1. The comparative adjective is formed by adding the suffix *–tar* to the adjective.
2. The English "than" is expressed by az "of, from" which follows the adjective.

این بهتَر[1] است یا آن؟ = این خوبتَر است یا آن؟

[این بهتَره یا اون؟]

پولِ کی کَمتَر است؟ مالِ من یا مالِ او؟ [پولِ کی کمتَره؟]

کُدام [کدوم] راه دِرازتَر است [درازتره] ؟ اَز تِهران تـا رَشت[2]

یـا از تِهران تـا کِرمان[3] ؟

امروز حالَم بهتَر است [بهتَره].

در ایران گوشتِ گوسفَند گِرانتر از گوشتِ گاو است.

مُرغ ارزانتَر از گوشتِ گوساله است [گوسالَس].

ماهی لَذیذتر از مُرغ است [مُرغه].

خیابانِ [خیابونِ] رِی کوتاهتَر ازخیابانِ اِنقِلاب است [اِنقِلابه].

آنها دیرتَر از ما آمَدند وَ زودتَر رَفتَند.

[اونا دیرتَر از ما اومَدن وَ زودتَر رَفتن].

اِمشب حالَش خیلی بهتَر است.

[اِمشب حالِش خیلی بهتَره].

اَکبَر[4] هِجدَه تومان بیشتَر از ناهید[5] دارد.

[اکبر هیژده تومَن زیادتر از ناهید داره].

سه کیلو کاهو خیلی ارزانتَر از دو کیلو مُوز است [مُوزه].

---

1. *khub* "good" has two comparative forms, i.e. *khubtar* and *behtar*. The latter is much more common. 2. A city in the north of Iran. 3. A city in the south of Iran. 4. A male name. 5. A female name.

بخش ۲

۱۴. صِفَتِ بَرتَرین Superlative adjective

صِفَت + ـ تَرین ← صفتِ بَرتَرین[1]

جَوان + ترین ← جوانتَرین

جوانتَرین مَرد

زیباتَرین زَن

جَوانتَرینِ مَردها

زیباتَرینِ زَنها

---

1. The Superlative is formed by adding – *tarin* to the adjective. The superlative adjective always precedes the noun.

تمرین ۴۰

بشنوید و تکرار کنید:

شهرِ بُزُرگ

بُزُرگتَرین شهر

تهران بُزُرگتَرین شهرِ ایرانَست.

مِیدانِ فِردُوسی کوچکتَرینِ میدانهایِ تهرانست.

Ferdowsi Square is the smallest of (all) squares in (= of) Tehran.

اینها کوچکتَرین میدانهایِ تهرانَند

These are the smallest squares in Tehran.

تمرین ۴۱

بشنوید و تکرار کنید:

دیشَب سردتَرین شبِ سال بود.

تابِستان گرمتَرین فَصل است [فَصله].

حَسَن بِهتَرین[1] دانشجویِ دانشگاهِ تهرانَست [تهرانه].

بَرادرِ شما بِهتَرین دوستِ پِسرِ مَن است [مَنه].

بَهار زیباترین فصلِ سالَست [ساله].

1. *khub* "good" has two superlative forms, i.e. khubtarin and behtarin. The latter is much more common.

زیباترینِ گُلها کُدام اَست [کُدومه]؟

Which is the most beautiful of the flowers?

یاس قَشنگتَرینِ گُلهاست.

اینها قشنگتَرین شکوفه‌هایِ باغِ شما هستَند [هستَن].

مَغازهٔ (= یِ) رضا[1] نَزدیکتَرین مغازه به کوچهٔ ماست [س].

Reza's shop is the nearest one (= shop) to our alley.

[بیشتَرین پول مالِ کیه؟]

Whose is the geatest money?

این، بُزُرگترین اُتاقِ خانهٔ [خونهٔ] من اَست [مَنه].

ماهی لَذیذترین غذایِ اوست [اونه].

تمرین ۴۲

Put into Farsi and repeat: به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. Banana is much more expensive than cucumber.

2. 4 kiloes (of) water-melon is cheaper than 6 kiloes (of) melon.

3. Winter is much colder than automn.

4. Spring is a little cooler than summer.

5. [Your food is much more delicious than mine.]

---

1. A male name.

6. Mordad is the warmest month of the summer.

7. The best breakfast is egg and butter.

8. [They have thirteen Rials more than you (sing.)]

9. Sepah store is the biggest store in (= of) your city.

10. He went earlier than everybody (= all).

۱۵. مَصدَر[1] Infinitive

۱ ـ ۱۵ مَصدَر ـ[2] ـَن ⟵ سِتاکِ گُذشته[3]

past stem

خَریدَن	ـ ـَن	⟵	خَرید	(He / she) bought.
رَفتَن	ـ ـَن	⟵	رَفت	(He / she) went.
آمدَن	ـ ـَن	⟵	آمد	(He / she) came.
بودَن	ـ ـَن	⟵	بود	(He / she) was.
نِشَستَن	ـ ـَن	⟵	نِشَست	(He / she) sat.

1. The Infinitive of verbs ends in – *an*. When the – *an* is taken off the infinitive the remainder will be the Past stem (see also p. 106). The past stem is equivalent to the 3rd. person singular of the simple past tense. 2. The sign (—) means minus. 3. The verbs in Farsi have two stems or roots: past and present. All tenses are derived from these two stems.

۱۶. گذشتهٔ ساده Simple past tense

ستاکِ گُذَشته + شِناسهٔ صَرفی[1] ← گُذشته ساده

رَفت + ـَ م ← رَفتَم	(I) went.
من رفتَم[2]	I went.
رَفت + ـ ی ← رفتی	(you, sing.) went.
تُو رَفتی	You went.
رَفت	(he / she) went.
او رَفت	He, she went.
رَفت + ـ یم ← رفتیم	(we) went.
ما رفتیم	We went.
رفت + ید [ـ ین] ← رفتید [رفتین]	(you) went.
شما رفتید [رفتین]	You went.
رفت + ـَ ند [ـَ ن] ← رفتَند [رفتَن]	(they) went
ایشان [ایشون] رفتَند [رفتَن]	They went.
آنها [اونا] رفتَند [رفتَن]	They went.

1. The verb in Farsi is conjugated, i.e. each person of the verb has a particular ending except the 3rd. person singular in the simple past, which has no ending. The conjugational endings play the role of the subject, and they differ from the to-be suffixes (see p.67) in that they are peculiar to the verb only and have no special meaning. The former endings, on the other hand, can not be used with verbs, and imply the meaning of to be. 2. The personal pronouns (see p.67) can be used with the personal endings to emphasize the subject.

تمرین ۴۳

بشنوید و تکرار کنید:

دیروز سه کیلو سیب‌زمینی از سبزی‌فروشی خَریدَم.

شما دیروز صُبح دو کیلو گوشتِ گوسفند از قصّابی خریدید.

او دیروز عصر دو مرغ و سه ماهی خرید.

امروز صُبح کَمی پنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خانه‌مان خریدیم.

[اِمروزصُب یه کَمی پَنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خونَمون خریدیم.]

پَریروز صُبح [صُب] ساعَتِ یازدَه کُجا بودید [بودین]؟

آنها دیشب ساعَتِ نُه به خانهٔ مَن آمَدند.

تُو رویِ این صَندَلی نِشَستی، ولی دوستَت آنجا نِشَست.

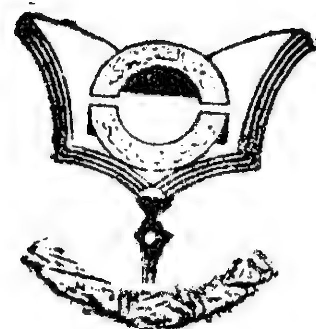
کِی به اینجا آمدید؟ وَ کی اینجا بود؟

چرا دیر آمدید؟

[بِبَخشید، فَقَط پَنج دَیقه دیر اومَدَم.]

تمرین ۴۴

به فارسی بنویسید:



1. You sat.
2. I sat.
3. He was.
4. [They were.]
5. [(they) bought.]
6. [We came.]
7. She went.
8. He came.
9. You (sing.) bought.
10. I came.
11. You were here.
12. (you) sat.
13. He sat.
14. We went.
15. We were.
16. They were.
17. You bought.
18. (we) sat.
19. [They sat on the chairs.]
20. I bought a water-melon.
21. They came from Tabriz[1].
22. I was at home.
23. Her father bought a small house last year.
24. My sister went to Kerman this morning.
25. It is a long way from Gilan[2] to Ahvaz[3] (= from Gilan to Ahvaz is a long way.)
26. To me (= to I.)

---

1. A city in the north of Iran. 2. A northern province in Iran. 3. A city in the south of Iran.

27. To them.

28. To you.

29. To him.

30. To us.

31. To you (sing.).

32. From me (= from I) to you.

33. From us to them.

34. From you to my brother.

35. Since last night.

36. From ten to twelve

37. From 5 o'clock (= hour of five) to 11 o'clock.

38. From the house to the store.

39. Sooner or later (= late or soon).

40. [All of them were (at) home.]

41. I sat on the chair near him (= near of him).

بخش ۳

۱۷. حالِ اِخباری Present indicative

می – + ستاکِ حال[1] + شِناسهٔ صَرفی ← حالِ اِخباری

present stem

رَفتَن ← رَفت ← – رَو –

می – + رَو + – َم ← می‌رَوَم [میرَم]

(I) go.

می – + رَو + – ی ← می‌رَوی [میری]

(you) go.

می – + رَو + – َد ← می‌رَوَد [میره]

(he, she) goes.

می – + رَو + – یم ← می‌رَویم [میریم]

(we) go.

می – + رَو + – ید [– ین] ← می‌رَوید [میرین]

(you) go.

می – + رَو + – َند [– َن] ← می‌رَوَند [میرَن]

(they) go.

---

1. The present stem is usually derived from the past stem by making some changes. But there are some cases in which the present stem is completely different from the past stem. However, to the present stem the prefix *mi* – and the conjugational endings are added, and this gives the present tense. The present of *budan* 'to be' and *dâshtan* 'to have', however, do not take the prefix *mi*. However, from now onwards the infinitive and the present stem of the verbs will be given.

تمرین ۴۵

بشنوید و تکرار کنید:

خَریدَن ← خَرید ← خَر

آمَدَن ← آمد ← آ

نِشَستَن ← نِشَست ← نِشین

مَن هَر روز یِک کیلو خیار از سبزی‌فروشی می‌خَرَم.

تو هَر ماه پنج کیلو برنج از خواربارفروشیِ بَرادَرت می‌خَری.

پدرِ اَفشین[1] هَر سال یِک گُلدانِ بُزُرگ می‌خَرَد.

[پدرِ اَفشین هَر سال یه گلدونِ بزرگ میخَزه.]

ما دَر زِمستان بیشتَر از تابِستان شِکَر وَ رُوغَن می‌خَریم.

شما فردا صُبح یِک خانهٔ کوچَک دَر خیابانِ رِی می‌خَرید.

[شما فردا صُب یه خونهٔ کوچیک تو[2] خیابونِ رِی میخَرین][3].

مَردُم در فَصلِ تابِستان میوه بیشتَر می‌خَرَند.

[مردم در فصل تابستون میوه بیشتر میخَرَن].

چرا مردم در فصلِ تابستان میوه بیشتر میخَرَند [میخَرَن]؟

---

1. A male name. 2. A colloquial word for در meaning "in, into". 3. Note that the present tense is usually used for future in colloquial style.

تمرین ۴۶

بشنوید و تکرار کنید:

من امشب به خانه می‌آیَم[۱].

[من امشب میام خونه].

از کجا می‌آیی وَ به کجا میرَوی؟

[از کجا میای وَ کجا میری؟]

استادِ فارسی هَر روز به دانشگاه می‌آیَد [میاد].

ما هَر ماه به اینجا می‌آییم.

چرا ما هَر ماه به اینجا می‌آییم؟

[ما هر ماه میایم اینجا].

شما هر هفته به شهرِ ما می‌آیید [میایین].

آنها فردا ساعتِ هشتِ صبح به مَشهَد می‌آیَند.

[اونا فردا ساعتِ هشتِ صُب میان مشهد].

من رویِ این صندلی می‌نِشینَم.

---

1. Persian orthography does not permit of two vowels coming together without a separating consonant. Thus when a suffix beginning with a vowel is to be added to a word ending in a vowel, or a prefix ending in a vowel has to be placed before a word beginning with a vowel, it is necessary to insert a *y* or a *hamze* (glottal stop). In certain cases, however, some other consonants are also used. This spelling is in general reflected in pronunciation. So, instead of *miâam* we write and pronounce *miyâyam*.

بِهزاد[1] همیشه رویِ [رو] آن [اون] صندلی می‌نشیند [می‌نشینه].

شما کجا می‌نشینید [می‌شینین]؟

ما زیرِ این درختِ گیلاس می‌نشینیم [می‌شینیم].

تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌شینی]؟

چرا تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌شینی]؟

آنها [اونا] دور از پنجره می‌نشینند [می‌شینَن].

چرا شما همیشه رویِ این صندلیِ کوچَک [کوچیک] می‌نشینید [می‌شینین]؟

---

1. A male name.

تمرین ۴۷

بشنوید و تکرار کنید:

هَستَن[1] ـــــ◄ هَست[2] / اَست[3]

بودَن ـــــ◄ بود

من فردا شب تا ساعتِ نُه در خانه هَستَم.

[من فردا شب تا ساعتِ نُه خونه هَستَم.]

تو چهار سال بُزُرگتر از من هَستی.

[تو چار سال بزرگتر از مَنی.]

چیزی آنجا [اونجا] هَست؟

[بله، یه چیزی اونجاس.]

من و آقایِ عَسکَری[4] دوست هَستیم [دوستیم].

شما وَ خانُمِ پروین داوَری[5] خواهَر هَستید [خواهَرین].

بچّه‌هایِ آقایِ سالار[6] زیبا هَستَند [زیبان].

چرا لِباسَش کَثیف است؟

چرا بابک ساعتِ یازدهِ صبح خانه است؟

[چرا بابک ساعتِ یازدهِ صُب خونَس؟]

---

1. This infinitive, which is actually an imaginary one, has rather the meaning of 'to exist', 'there is', etc. and is never used in its own right. 2. This form, being the only exception to rule (see p. 97), is the present stem of the verb 'to be' and is equivalent to the 3rd. person singular.
3. This form is only used in the 3rd. person singular. 4, 5, 6. A surname.

تمرین ۴۸

به فارسی بنویسید:

1. Where will you be (= are you) tomorrow evening?

2. When will he come to our house?

3. When will they be here?

4. When are you (sing.) at home?

5. My cat sits under the table.

6. When did you come from France[1] ?

7. When will (= does) she come from England[2]?

8. When do you go shopping[3]?

9. Where do you sit? Near the apple tree or far from it?

10. What does your friend buy? Chicken or fish or turkey?

11. My wife bought 3 kiloes of potato and one kilo of veal.

Potato was cheap but veal was very expensive.

12. Why is potato much cheaper than beef?

13. Why do they go to America[4] every year?

14. Why do you come late, and go early (= soon)?

---

۱. فَرانسه ۲. اِنگِلیس ۳. خَرید ۴. آمریکا

15. What are you going to sit on? (= on what do you sit?)

16. How did you come as far as here?

17. I was at the school[1] till 9 o'clock in the evening (= the hour of nine of night).

18. I will buy a little of butter from your father's shop.

19. Come (and) sit near me.

20. I am much shorter than your elder brother.

تمرین ۴۹

جمله بسازید:

۱. تومان، پیاز، دو کیلو، یازده ، (هستن)

۲. شب، فردا، کجا، شما، (رفتن)

۳. کوچک، ــ تر، برادر، من، کِی، (رفتن)

۴. حسن، پسرِ، دیروز، شش، کیلو، هندوانه، (خریدن)

۵. آقایِ، مغازهٔ، حَسَنی، کدام، خیابان، در (هستن)

۶. پیر، ــ ترین، دانشگاه، شیراز، استاد، کی (هستن)

۷. او، کدام، زیرِ، درخت، (نشستن)

---

۱. مدرسه

۸. ساعتِ، دیشب، هشت، کجا، آنها، (بودن)

۹. مالِ، من، قشنگ، یا، ــ ترَ، گربهٔ، شما (بودن)

۱۰. کدام، از، کشور، تُو (آمدن)

۱۱. دیروز، بهزاد، ساعت، دُو، دیر، (آمدن)

۱۲. چرا، دیر، شب، هر، تُو، خانه، به، (آمدن)

۱۳. شهر، کدام، به، حالا، تُو ، (رفتن)

۱۴. من، عصر، فردا، سینما[1]، به، (رفتن)

تمرین ۵۰

جَوابِ سُؤالهایِ زیر را در یک جُمله بنویسید:

Write a sentence in reply to the following questions.

۱. بزرگترین کشورِ جَهان[2] کدامست؟

۲. نامِ[3] کشورِ شما چیست؟

۳. سردترین فصلِ سال کدامست؟

۴. فردا کجا میروید؟ (بازار[4])

۵. [رنگِ لباسِتون چیه؟] (قهوه‌ای)

۶. اسمِ بزرگترین شهرِ کشورتان چیست؟

1. Cinema. 2. World. 3. Name. 4. Market, bazaar.

۷. [اسمِ خودتون چیه؟]
۸. روزها کجا هستید وَ شبها کجا؟ (اِداره[1]، خانه)
۹. به نَظَرِ شما[2] پاییز بهتر است یا بهار؟
۱۰. به نَظَرِ شما رنگِ سفید قَشَنگتر است یا رنگِ آبی؟
۱۱. شما در تابستان میوه بیشتر میخرید یا در زمستان؟
۱۲. میوه در چه مَغازه‌ای هست؟
۱۳. از چه دکّانی نان میخرید؟
۱۴. از چه فروشگاهی برنج و رُوغن میخرید؟
۱۵. در شهر شما گوشت گرانتر است یا تخمِ‌مرغ؟

1. Office. 2. In your opinion.

تمرین ۵۱

بشنوید و تکرار کنید:

یک گفت و شنودِ تِلِفُنی

A telephone call

احمدِ[۱] راجی[۲]: دو... دو... هشت... یک... نه... یک... اَلُو...

منزلِ آقایِ مُهَندِس[۳] کِیوان[۴]؟

:بله، بفرمایین.

احمد: آقایِ مهندس هَستن؟

گوشی[۵]...، کیوان، تِلِفُن...

کیوان: بَنده[۶] مهندس کیوان، بفرمایین.

احمد: سلام، مهندس جان[۷]، من احمدِ راجی.

کیوان: سلا...م احمد جان، حالِتون چِطُوره؟ خوبین؟

احمد: آره[۸]، خوبم، خِیلی مُتِشَکِّرم، شما چطورین؟، بچّه‌ها خوبَن؟

کیوان: مَمنونم[۹]، همه خوبن.

احمد: پسرِتون از ایتالیا[۱۰] اومد؟

کیوان: آره، پریروز ساعتِ شیشِ صُبح اومد.

---

1. A male name. 2. A surname. 3. Engineer. 4. A surname. 5. Hold on the line. 6. 'slave', a formal and humble expression for the pronoun I. 7. A very friendly expression, equivalent in meaning to 'dear', used after the names of intimate friends, children etc. 8. An informal word for 'yes', mostly used in Tehran. 9. Thank you. 10. Italy.

احمد: خُب (= خوب)، چِشمِ شما رُوشَن[۱].

کیوان: مُتشکِّرم. خانُمِ شما کِی اَز هِند[۲] میان؟

احمد: اونَم (= اون هَم) فردا شب ساعتِ ده میاد.

کیوان: خُب[۳] (= خوب) چِشمِ شُمام (= شما هم) رُوشن. چه ساعتی میرین فُرودگاه؟

احمد: ما ساعتِ هَف میریم فُرودگاه[۴].

کیوان: ما هَم میاییم. وَلی یه کمی دیرتر. هواپیما[۵] چه ساعتی می‌شینه؟

احمد: ساعتِ هشتِ شب. خوشبَختانه[۶] زود میاد.

کیوان: باشه[۷]. ما ساعتِ نُه میاییم. شما کجا می‌شینین؟

احمد: تا آمدنِ شما ما نزدیکِ اِطّلاعات[۸] می‌شینیم.

کیوان: خوبه[۹]. تا فردا شب، خُداحافظ.

احمد: قُربانِ شما[۱۰].

---

1. A complementary phrase, equivalent in meaning to "how nice it is! congratulations etc." addressed to some one who has had a passenger, dear guest, new born child, etc. 2. India. 3. Well. 4. Airport. 5. Aircraft. 6. Fortunately. 7. O.K. 8. Information desk. 9. All right. 10. A complementary expression used for good bye, thank you, etc.

درس ۷

واژگان

قاشُق	spoon
چَنگال	fork
کارد	knife
لیوان	glass
اِستِکان	a small glass for tea
فِنجان [فِنجون]	cup
نَعلبَکی [نَلبَکی]	saucer
قوری	teapot
بُشقاب	plate
جوراب	sock, stocking

trousers	شَلوار
jacket	کُت
shirt	پیراهَن [پیرَن]
tie	کِراوات
hat	کُلاه
vest	زیرپوش
pants, underpants	شُورت
pyjamas	پیژامه [پیجامه]
headdress, kerchief	روسَری
Islamic headdress	مَقنَعه
veil	چادُر
skirt	دامَن
glove	دَستکِش [دَسکِش]
coat, overcoat	پالتو
handkerchief	دَستمال [دَسمال]
pocket	جیب
button	دُکمه [دُگمه]
collar	یَخه [یَقه]

tight	تَنگ
loose, loose fitting	گُشاد
long, high	بُلَند
size	اَندازه
thirty	سی
fourty	چِهِل [چِل]
fifty	پَنجاه [پنجا]
sixty	شَصت [شَص]
seventy	هَفتاد
eighty	هَشتاد
ninety	نَوَد
hundred	صَد
thousand	هِزار
million	میلیون [مِلیون]
matter, story, subject	مُوضوع
price	قِیمَت
pair	جُفت [جُف]
half	نِصف

half	نیم[1]
quarter (usually for time)	رُبع [رُب][1]
sometimes	گاهی
often, very often	اَغلَب
next, then	بَعد
after	بَعد اَز
afternoon	بَعدازظُهر
ago, before	قَبل
before	قَبل اَز
later, then	بعداً (= بَعدَن)
already	قبلاً (= قَبلَن)
usually	مَعمولاً (= معمولَن)
nearly, almost, about	تَقریباً (= تَقریبَن)
please	لُطفاً (= لُطفَن)
time	دَفعه [دَفه]
time	بار
once	یک‌دفعه /یک‌بار

1. Usually used for fragments of numbers, time, weight, and the like, e.g. *nohonim* "nine and (a) half", *hashto rob* "eight and (a) quarter", *nim kilu* "half (a) kilo", etc.

twice	دُوبار / دُو دفعه
few, how many?	چَند [چَن]
few, how many?	چَندتا [چَن‌تا][1]
several, many	چَندین
how much?	چِقَدر [چِقَد]؟
in, into, inside	توىِ [تو]
with	با
for	بَراىِ [بَرا]
only	فَقَط
to eat, to drink	خُوردَن
to give	دادَن
to see	دیدَن
to say, to tell	گُفتَن
to have	داشتَن

1. The word *chand* and also the Cardinal Numbers, other than yek, are usually followed by the particle tå when used with tangible nouns. It can not, therefore, be used with units of time, weight, money, etc. This tå, infact, helps the idea of plurality to become more concrete. This structure is, however, mostly used in the colloquial style.

۱۸. مفعولِ صَریح و مفعولِ غیرصَریح

۱ـ۱۸ اِسم /ضمیر + را [رُ] ← مفعولِ صَریح[۱]

۲ـ۱۸ حرفِ اضافه + اسم /ضمیر ← مفعولِ غیرِ صَریح[۲]

خانه + را ← خانه را

شما + را ← شما را

به + شما ← به شما

1. The Direct Object of a verb is usually indicated by the use of the postposition *râ* (colloquially *ro*), which is suffixed to the word or to the last word of a word group constituting the object. The particle *râ* also gives the object a sense of definiteness if it has not already received-*i*, the indefinite suffix (see p. 48). The direct object will have a general or generic sense when it is used without *râ*. 2. The Indirect object is always preceded by a preposition.

تمرین ۵۲

بشنوید و تکرار کنید:

کتاب را خریدم.	I bought the book (already referred to).
کتابی را خریدم.	I bought a book.
تَمامِ پولم را کتاب خریدم.	I bought book (s) (with) all my money.
او را دیدَم.	I saw him.
خانهٔ کوچکِ آنها را خریدم.	I bought their small house.
دخترم با من به خانه آمد.	My daughter came home with me.
اِسمش را به من گُفت.	She told me her name.
این روسَری را بَرایِ مادرِتان خریدید.	(you) bought this headdress for
[این روسری‌رو بَرا مادرتون خریدین.]	your mother.
این دامَنِ قَشَنگ را از کُجا خریدی؟	Where did you buy this pretty
	skirt from? (= from where?)

ستاکِ حال	ستاکِ گذشته	مصدر
خور	خورد	خُوردن
دِه	داد	دادَن
بین	دید	دیدَن
گو	گفت	گُفتَن
دار	داشت	داشتَن

تمرین ۵۳

بشنوید و تکرار کنید:

من بَعداً شما را می‌بینم.

آقا و خانمِ راجی دیشب ساعتِ هفت‌ونیم به دیدنِ ما آمدَند.

[شما اونارو اَغلَب تو فروشگاهِ نزدیکِ خونَشون می‌بینین.]

اکبر همیشه یک دَستمال تویِ جیبِ شلوارَش دارَد.[۱]

[اکبر همیشه یه دَسمال تو جیبِ شَلوارِش داره.]

1. See footnote 1, p. 102

شما چَند بچّه دارید؟

شما چند تا بچّه دارید؟

[شما چن‌تا بچّه دارین؟]

ما سه‌تا دختر و یک [یه] پسر داریم.

من فقط یک [یه] بچّه دارم.

شما چند جُفت جوراب دارید؟

[شما چن جُف جوراب دارین؟]

آنها بیست‌وچهار[1] جفت جوراب دارَند.

[اونا بیس‌وچار جف جوراب دارَن.]

دیروز چندبار او را دیدید؟

[دیروز چن‌بار اورو دیدین؟]

فقط یک دَفعه او را دیدم.

[فقط یه‌دَفه اورو دیدم.]

---

1. Compound numerals (e.g. sixty three) are formed by expressing the largest numeral first and, then, adding the lesser ones with the conjunction و (pronounced «O»), e.g. *hezaro sado haft-ādo panj* «1175».

تمرین ۵۴

جاهای خالی را پر کنید:

۱. شما... او... دیدید؟ (کِی، را)

۲. اومعمولاً... روزهایی... دیدنِ‌مادر... می‌رو...؟(به، ـــ ش، چه، ـــ د)

۳. ما فردا عصر... آقایِ... بـه... مـیرو... (صَفـا، سینما، بـا، ـــ یم)

۴. قبل... من... کسی... دید...؟ (چه، از، را، ـــ ید)

۵. من پدر... شما... چند.... قبل... اصفهان دیـد...(را، سالِ، بزرگِ، در، ـــ م)

۶. [اندازهٔ... شوهرِ... چند...؟] (یقهٔ، ـــ ه، ـــ تون)

۷. اِمـروز... و... خُـردادِ[1] هِزار... سیصد[2]... شصت... یکِ هِجریِ شَمسی[3]... (چهارِ، و، بیست، و،است، و)

۸. ... صبح... کیلو... از... بـرادرِ... مـیخَر ... (عَسَل، مـغازهٔ، نیم، تان، فردا، ـــ یم)

۹. امروز بعد... نـاهار... و بـرادرتان... در... دوستم... بـینـ... (شما، از، خانهٔ، را، ـــ م، می ـــ)

۱۰. ... بزرگِ شما... سال‌دار...؟ (چند، مادر، ـــ د)

1. The third month of Iranian Calender. 2. Three hundred. 3. Hegira solar. Iranian Calender beginning with the Hegira.

۱۱. او نِصفِ غذایِ... را... مـن... دِهـ... (بــه، ــ ش، ــ د، می ــ)

۱۲. [او ... غذا... رو... من میده] (نصفِ ــ، ــ ش، به)

تمرین ۵۵

واژهٔ دُرُست را انتخاب کنید: choose the right word:

(نیم، نِصفِ)

۱. ... پرتقال half of the orange.

۲. ... ساعت half an hour.

۳. دو ساعت و... two and half an hour.

۴. ... مَردُم

۵. ... کتاب

۶. ... کیلو

۷. ... خانه

۸. ... شب

۹. ... پول

۱۰. صدونود و پنج و... one hundred ninty five and a half.

۱۱. ... راه

۱۲. سه‌و...

۱۳. سه‌کیلو و...

۱۴. ... هفت

۱۵. ... سه، یک و... است

۱۶. ... موضوع

۱۷. ... قِیمت

تمرین ۵۶

واژهٔ درست را انتخاب کنید.

(چَند، چَندتا، تا، چِقدر)

۱. ... دقیقه.

۲. [یه... ساعت.] a few hours.

۳. ... شاگرد؟

۴. ... تومان.

۵. ... روز؟

۶. [یه... کیلو انار.] a few kiloes of pomegranate.

۷. [یه... فنجون.]

۸. [یه... سال.]

۹. ... دَفعه.

۱۰. ... ماه.

۱۱. [یه... بُشقاب.]

۱۲. سه... گلابی.

۱۳. ... جُفت دستکش.

۱۴. چند... سیب؟

۱۵. چهل... قلم.

۱۶. ... شِکر؟

۱۷. ... پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان... راه است؟

How far is Tehran from Kerman? (= how much way is)

۱۹. از شیراز تا اصفهان... کیلومتر[۱] است؟

۲۰. ... قاشُق و چنگال.

۲۱. ... آب؟

۲۲. ... لیوان آب.

۲۳. ... کیلو گوشت.

۲۴. [قِیمتِ این پالتُو... ه؟]

۲۵. برنج کیلویی... است؟

---

1. Kilometer

بخش ۲

تمرین ۵۷

بشنوید و تکرار کنید.

او گاهی قبل از من غذایش را میخورد.

تو معمولاً روزی[۱] سه بار غذا میخوری.

[شما معمولاً بعد از ساعتِ دوازده ونیم ناهارِتون رو میخورین.]

آنها [اونا] معمولاً چه ساعتی شام میخورَند [میخورَن]؟

دیروز چه خوردید و حالا چه میخورید؟

[سه روزِ قبل چی خوردین؟]

هفتهٔ قبل به من چه گفتید و حالا چه میگویید؟

[هفتهٔ قبل به من چی گفتین و حالا چی میگین؟]

مُوضوع چیست [چیه][۲]؟

[جَریان[۳] چیه؟]

بعداً جریان را به شما میگویَم.

[بعداً موضوع‌رو به شما میگَم.]

[فقط یه کمی از موضوع رو به پسرش گفت.][۴]

کِی موضوع را [رو] به زنت میگویی [میگی]؟

---

1. A day 2. What is the matter? what is (it) about? 3. matter, story. 4. He told his son only a little of the story.

تمرین ۵۸

واژه درست را انتخاب کنید. Choose the right word.

(قَبل، قَبل از، قَبلاً)

۱. ... شام. Before supper.

۲. شبِ ... The night before.

۳. شش ماهِ ... Six months ago.

۴. ... شما.

۵. ... نصفِ شب.

۶. هَفتهٔ ...

۷. ... به شما گُفتم. I told you already.

۸. ... ساعتِ چهار.

۹. ... هَر چیز. Before everything.

۱۰. ... رفتنِ ما. Before we go (= before our going).

۱۱. پنج سالِ ...

۱۲. ... به او می‌گویَم.

(بَعد، بَعد از، بَعداً)

۱۳. روز ... The next day.

After one week.	۱۴. ... یک هفته.
After me.	۱۵. ... من.
Six o'clock in the afternoon.	۱۶. ساعتِ ششِ ... ظُهر.
After 4 o'clock in the afternoon.	۱۷. ... ساعتِ چهارِ ... ظهر.
I (will) eat my lunch later.	۱۸. ناهارَم را ... می‌خورم.
After eating lunch.	۱۹. ... خوردنِ غذا.
Fifteen years later.	۲۰. پانزده سالِ ...

۱۹. فعلِ اَمر Imperative

بـ ـــ + ستاکِ حال ـــــ فعلِ اَمر[۱]

بـ ـــ + گو ـــــ بِگو — tell (sing.)

بـ ـــ + گو + یید ـــــ بِگویید — tell (pl.)

تمرین ۵۹

بشنوید و تکرار کنید:

لطفاً کتاب را به من بِده. — Give me the book.

لطفاً یک [یه] لیوان آب به او بِدهید [بدید، بدین].

لطفاً اسمتان را به پُلیس[۲] بِگویید [بگید، بگین].

آدرسِ[۳] خانه‌ات را به پلیس بگو.

امشب فقط سوپ[۴] بِخور [بُخور].

1. The *Imperative* is formed by adding the prefix *be* – (or *bi*– before a vowel) to the present stem. It has two persons: singular and plural. The singular do not take any conjugational ending, but the plural takes *id* [–*in*].
2. Police 3. Address 4. Soup

[اَوَّل[1] سوپ بُخورین، بَعد غذا].

سوپ را [رو] قَبل از غَذا و چایی را [رو] بعد از غذا بُخور.

لطفاً امروز ظُهر بَرایِ ناهار به خانهٔ ما بیایید.

[لطفاً امروز بَرا ناهار بیاین خونهٔ ما].

با من بیا.

با برادَرت به خانهٔ عَمو بُرو.

[با برادِرت بُرو خونهٔ عمو].

لطفاً از اینجا بِرَوید [بِرید، بِرین].

این پیراهن خِیلی اَرزان است، آن را بِخَرید.

[این پیرَن خیلی ارزونه، اون رو بِخَرین].

1. First

تمرین ۶۰

به فارسی بنویسید و تکرار کنید.

1. Please tell (pl.) me the story.

2. Always tell (sing.) the truth.

3. [Dad[1]! buy me (= for me) this green jacket, please. It is nice and cheap.]

4. Come (and) sit near me (= near to me), my son.

5. Sit only on this chair.

6. Eat (pl.) salad[2] first.

7. [Have (=eat) your tea ten minutes later.]

8. Eat (sing.) your food with spoon and fork.

9. Go (and) see who (it) is.

10. [Please give (pl.) me (= to me) your plate.]

11. Please give (pl.) me a cup (of) coffee.

12. [Please give (=to) my friend a glass (of) water.]

13. Please give (= to) him a small glass (of) tea.

---

۱. بابا ۲. سالاد

تمرین ۶۱

جاهای خالی را پر کنید.

۱. [... آقا، ... این ... چَند ...؟] (کُلاه، قیمتِ، بِبخشید، ــ ه)

۲. قبل ... شما دو ... خانم آمد ... اینجا و دو ... سیب‌زمینی ... ــ ند. (کیلو، از، تا، خرید، ــند)

۳. [آقای فُروشَنده[1]، این ... بَرا ... خِیلی ... ــ ه، لطفاً ... کوچیک... به ... بِد ...] (گُشاد، من، پالتو، یه، ــ تَر، من، ــ ید)

۴. [ولی این ... ی[2] یه ... تَنگ ــ ...، این ... پسرِ ... خوب...] (کمی، برا، یک ــ، من، ه، ه)

۵. [بِبخش ... آقا ... فروشنده، این انگورا شیرین ... یا تُرش، ... یی ... ه؟] (یِ، ـَـن، کیلو، چند، ــ ید)

۶. [خانم، ... خِیلی خوبیه، اَوّل ... خورین ... بِخَرین، کیلو ... بیست ... پنج ...] (بِ ــ، بعد، انگورِ، ــ یی، و، تومن)

---

1. Seller 2. This one

۷. [آقایِ ....، لُطفاً ... کم ... تُند... بِـرو ....، .... هشت و ....، فـقط ... ساعت وَقت[1] ... یـم (یک، ــی، ــید، رانَـنده، ــتر، نــیمه، نــیم، ساعت، دارــ)

۸. لطفاً ... تر بیا ... وَ ... ایـن ... نـزدیکِ ... تـان ... ــید. (صندلی، بنشینـ ــ ، نزدیکــ ، خواهرِ ــ یید، رویِ)

۹. ... جُفت ... و ... زیرپوش و سه ... دُکمه ... من ... ــخر.
(تا، چند، چند تا، برایِ، جوراب، بـ ــ)

۱۰. [این ... برایِ ... بُلَند ....، .... شلوارِ ... ــ تر .... ــ خر ــ.]
(شما، شلوار، ــ ه، کوتاه ــ، یه، ــ ین، بـ ــ)

1. Time.

بخش ۳

۲۰. فعلِ مَنفی Negative verb

{ نَـ ، نِـ } + فعل ← فِعلِ مَنفی[۱]

نَـ + رَفتَم ← نَرفتَم.	(I) did not go.
نِـ + میرَوَم ← نِمیرَوَم.	(I) do not go.
نَـ + رُو ← نَرو.	You (sing.) do not go!
نَـ + رَوید ← نَروید.	You (pl.) do not go!

تمرین ۶۲

بشنوید و تکرار کنید.

پریروز علی آمد ولی شما نَیامَدید.[۲]

چِرا امروز به مَدرسه نَرفتی؟

هیچکَس[۳] در اداره نَبود.[۴]

هیچ چیز[۵] [هیچچی] نَخوردم.

---

1. The negative verb is obtained by adding the prefix *na* – to the past tense and imperative, and *ne* – to the present tense. The prefix *mi* – (of the present tense) is retained, but the prefix *be* – (of the imperative) must be dropped. 2. See footnote 1, p. 104. 3. Anybody, no one. 4. Unlike English, the negative expressions such as *hichkas* «no one» *hich chiz* «nothing» *hargez* «never» and the like require negative verbs. 5. Anything, nothing.

آنها دیروز به بازار رفتند ولی هیچ چیز نَخریدند.

هیچ[1] [هیچ‌چی] پول دارید؟

نَخِیر[2]، هیچ پول نَدارم.

هیچکَس[3] را دیدید؟

نَخِیر، هیچکس را نَدیدم.

این مُوضوع را [رو] به هیچکس نَگو.

به من نَگُفتید هفتهٔ قبل کجا بودید.

هیچوَقت[4] دُروغ[5] نَگویید[6].

چِرا غذایَت را نِمی‌خوری؟

مَجید[7] کتابهایَش را به کَسی[8] نِمیدهد.

[مَجید کتاباش رو به کِسی نِمیده].

گُرُسنه هَستی؟

نَخِیر، من گُرُسنه نیستَم[9].

تو هیچوقت در خانه نیستی.

مَجید شاگردِ زرَنگی نیست.

ما برادر او نیستیم.

---

1. Any, none 2. No! 3. Anybody 4. Never (= no time) 5. Lie 6. Never tell lies (=lie) 7. A male name 8. Anybody 9. The negative form of hastam 'I am', hasti 'you (sing.)are'etc. is nistam 'I am not', nisti 'you are not', etc.

شما هَنوز پیر نیستید.

آنها هیچوَقت شاد نیستند.

احمد و ناصر هیچوقت با هَم[1] به مدرسه نِمی‌رَوَند.

تمرین ۶۳

فعلهای زیر را منفی کنید. Make the following verbs negative.

زمان حال	زمانِ گُذَشته	امر
من می‌گویَم[2] [میگَم]	گُفتَم	
تو می‌گویی [میگی]	گفتی	بِگو
او می‌گویَد [میگه]	گفت	
ما می‌گوییم [میگیم]	گفتیم [گفتین]	
شما می‌گویید [میگید، میگین]	گفتید [گفتَن]	بِگویید [بگید، بگین]
آنها می‌گویَند [میگَن]	گفتَند	

1. Together 2. See footnote 1, p,104.

ستاک حال	ستاک گذشته	مصدر
ـ آوَر [ـ آر] ←	آوَرد ←	آوَردَن[1]
ـ بَر ←	بُرد ←	بُردَن[2]
ـ شوی [ـ شور] ←	شُست ←	شُستَن[3]

می‌آوَرَم [میارَم]	آوَردم [آوُردم]	
می‌آوَری [میاری]	آوَردی [آوُردی]	بیاوَر[4] [بیار]
می‌آوَرَد [میاره]	آوَرد [آوُرد]	
می‌آوَریم [میاریم]	آوَردیم [آوُردیم]	
می‌آوَرید [میارید، میارین]	آوَردید [آوُردین]	بیاورید [بیارین]
می‌آوَرَند [میارَن]	آوَردَند [آوُردَن]	

1. To bring 2. To take away, to carry, 3. To wash 4. See footnote 1,p.104.

می‌بَرَم	بُردَم	
می‌بَری	بُردی	
می‌بَرَد [میبَره]	بُرد	بِبَر
می‌بَریم	بُردیم	
می‌بَرید [میبرین]	بُردید [بُردین]	
می‌بَرَند [میبَرَن]	بُردَند [بُردَن]	بِبَرید [بِبَرین]

شُستَم	می‌شویَم [میشورَم]	
شُستی	می‌شویی [میشوری]	
شُست	می‌شویَد [میشوره]	بِشوی [بِشور]
شُستیم	می‌شوییم [میشوریم]	
شُستید [شستین]	می‌شویید [میشورین]	بشویید [بشورین]
شُستَند [شستَن]	می‌شویَند [میشورَن]	

تمرین ۶۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. مُعَلِّم ..... هَر ..... ساعتِ ..... یک ..... می.....

(سیب، دَه، ما، روز، ــ خورَد)

۲. علی ..... گوشتِ ..... نـ ..... خور .....

(هیچوقت، ـــ می، خوک[1]، ـَـ د)

۳. رویِ ..... صندلی ..... نِشینـ ......، ..... است.

(کثیف، این، نـ ـــ، ـــ ید)

۴. چرا ..... یَت ..... با ..... نـ ..... شو .....؟

(صابون[2]، ـــ می، دستها، ـــ یی، را)

۵. مادرِ ..... هَر ..... او ..... به ..... می .....

(روز، را، مدرسه، حَمید[3]، ـــ بَرَد)

۶. ..... بچّه ..... را ..... خودِ ..... به ..... نـ .....بَر .....؟

(ـــ می، ها، ـــ تان، سینما، با، ـــ ید، چرا)

۷. هفتهٔ ..... او ..... بیشد ..... از ..... بار ..... دید.....

(را، یک، قبل، ـــ تر، ـَـ م، نـ ـــ)

۸. فردا ..... تان ..... برایِ ..... می‌آور .....

(ـَـ م، ـــ تان، کتابـ ـــ، را)

۹. پسر ..... به ..... دُروغ ..... ـــ می ..... یَد.

(ـــ گو ـــ، نـ ـــ، من، ـَـ م)

۱۰. شما ..... روزی ..... بار .....ها ..... را ..... شو .....؟

(چند، معمولاً، می، دستـ ـــ، ـــ یید، یِتان)

1. Pig. 2. Soap. 3. A male name.

تمرین ۶۵

به فارسی بنویسید.

1. How much money do you have?

2. I have two thousand[1] five hundred[2] and seventy six Tomans.

3. How much time do we have?

4. You have only half an hour (= half hour time).

5. Where does he take his son to (= to where)?

6. [Why don't you bring my food for me?]

7. How many times a week do you see your mother?

8. [Go (and) wash your hands and face with soap.]

9. [Come (sing.) and eat (= come eat), then, go and sit (= go sit).]

10. Take your son with you (= with yourself).

11. Why doesn't she eat this delicious dish[3]?

12. They sometimes go to see their grand father.

13. How old (= how many years) is (= has) your elder (= big) daughter?

14. Why don't you buy this nice skirt for your wife?

---

۱. دو هزار (do hezâr) ۲. پانصد (Pânsad) ۳. خوراک (Khorâk)

15. Why didn't you bring your sister with you?

16. How many buttons does his coat have?

17. What are you washing (= do you wash) your hands with? (= with what?)

18. Why doesn't he tell me (= to me) his friend's name?

19. Where are you (sing.) taking (= do you take) these dirty plates?

20. What time (= hour) do you usually eat breakfast?

تمرین ۶۶

بشنوید و تکرار کنید.

سیما خانم و مِهری خانم با هَم به خَرید می‌روند.

Miss Sima and Miss Mehri go shopping together.

صدای زنگِ دَرِ خانهٔ مهری خانم .....

مهری: کیه؟

سیما: مَنَم، مهری خانم.

مهری: اومَدَم.

مهری: سلام ..... بَه‌بَه[1]، خوش آمدین[2].

---

1. Oh, lovely. 2. You are welcome.

سیما: سلام مهری خانم، حالِتون چطوره؟

مهری: متشکّرم، حال شما چطوره؟ بِفرمایین تو[۱].

سیما: نه، نِمیام تو، دیره، میرم خرید، شما میایین؟

مهری: آره، مَنَم (= من هَم) میام، چن دَیقه بیایین تو، یه اِستِکانِ چایی بُخورین، بَعد با هَم میریم.

مهری: خِیلی خوش اومَدین، چی میخورین؟ چایی یا آب پُرتقال[۲]؟

سیما: هوا یه کمی گَرمه، آبِ پرتقال خُنَک بِهتَره، مَمنونم.

سیما: بَه بَه چه خُنَکه! دستِ شُما دَرد نَکُنه[۳].

مهری: خُب. حالا من حاضِرَم[۴]، بِریم[۵].

مهری: کُدوم فُروشگاه میریم؟

سیما: فروشگاهِ قُدس، همه چیز داره.

مهری: با تاکسی[۶] میریم یا با اُتوبوس[۷]؟

سیما: با هیچکدوم[۸]، پیاده[۹] میریم، نزدیکه. فقط دَه دَیقه راهه[۱۰].

مهری: باشِه، پَس تُندتر بِریم، یه کمی دیره.

مهری: امروز چی میخرین؟

سیما: خِیلی چیزا، یه جُف کفش، بَراخودم، شیش تا لیوان، چَن تا

1. Come in. 2. Orange juice. 3. Thank you very much (= may your hand not be hurt).
4. (I) am ready. 5. Let us go. 6. Taxi. 7. Bus. 8. With none of them. 9. On foot.
10. (it) is ten minutes walk (= way)

کارد و چَنگال، چَن تا شُورت و زیرپوش بَرا پِسرَم. شُما چــی
میخرین؟

مهری: من فقط یه روسَری بَرا خودم میخَرَم، یه دامن هَم بَرا فَریده، دخترم. خِیلی پول ندارَم.

سیما: من پول دارَم، چِقَد میخوایین[۱] (= میخایین)

مهری: نه، خیلی مَمنون، هیچ‌چی.

(در فروشگاه)

سیما: ببخشید آقا، یه جُفت کفش بَرا خودم میخوام[۲].

فروشنده: اندازه‌تون چنده؟ چه رَنگ میخوایین؟

سیما: اندازهٔ پایِ من چِهِله، رَنگِ سفید میخوام.

فروشنده: متأسّفانه رنگِ سفید نداریم. صورَتی[۳] داریم.

سیما: باشه، بِدین لطفاً. قِیمَتِش چَنده؟

فروشنده: سیصَد و هشتاد و پنج تومن.

سیما: خوبه، بفرمایین.

فروشنده: مُبارَکه[۴]!

---

1. How much do you want? 2. (I) Want. 3. Pink. 4. Congratulation.

درس ۸

Review دوره

تمرین ۶۷

Dictation دیکته

Write in persian letters

با حروف فارسی بنویسید.

1. Pariruz havâ garm bud vali emshab khonak ast.

2. in asbhâ sefid hastand vali ân olâghhâ siâhand.

3. in mâdare javân se bachcheye kuckake tamiz dârad.

4. havâye tehrân dar tâbestân garm va dar zemestân sard ast.

5. in khânome pir yek pesare bist sâle dârad.

6. u hasht hafte injâ bud. 7. ân châye shirin mâle kist?

8. in sandalihâye ghahvei mâle otâghe ânhâst.

9. ishân khânome doktor parvine safâ hastand.

10. gole narges ghashangtarine golhâst.

تمرین ۶۸

به فارسی بنویسید.

1. This man.
2. Which woman?
3. From that boy.
4. To which girl?
5. To that room.
6. In this book.
7. Which pencil?
8. Which gentelman?
9. What place?
10. On what table?
11. Under which table?
12. Who to?
13. Where from?
14. In this garden.
15. Come here.
16. Sit there.
17. Go home.
18. A night.
19. One night.
20. Eleven nights.
21. A man.
22. One man.
23. Four men.
24. To what place?
25. A woman.
26. One woman.
27. Five women.
28. ten girls.
29. thirteen boys.
30. One hour.
31. Six hours.
32. Where is he?

33. Where is Ali?

34. What is on the table?

35. Where is that man?

36. That man is here.

37. That dog is in the house.

38. The pen is under the chair.

39. These two pens.

40. These two men and three women.

تمرین ۶۹

به فارسی بنویسید.

1. This mother.

2. Those nine mothers.

3. This father.

4. These eight fathers.

5. What cat?

6. These cats.

7. These three cats.

8. What is this?

9. This is a pen.

10. Who is that?

11. That is a man.

12. Who is that lady?

13. She is Mrs. Safa.

14. What house?

15. What city is this?

16. This is Shiraz.

17. Come here now.

18. Babak is here today.

19. There is a child here.

20. A man came here.

21. There was a horse over there

(= a horse was there).

22. There was a flower under the chair.

23. A window was open.

24. A door was shut.

25. The door of the house.

26. The window of the room.

27. These windows.

28. The windows of the rooms.

29. There is a vase on the table.

30. From this house to that house.

تمرین ۷۰

به فارسی بنویسید.

1. The children.

2. The clean children.

3. These dirty hands.

4. These girls.

5. These intelligent[1] girls.

6. Three intelligent and clever[2] students.

7. This new and fast[3] car[4].

8. Which red car?

9. The clever driver[5].

10. Which clever driver?

11. A fast train[6].

12. A close[7] friend.

13. Which fast train goes to Ahvâz?

14. The angry[8] driver came again.

15. Who came again?

16. Yesterday and today.

17. Come fast and go slowly.

---

۱. باهوش ۲. زِرَنگ ۳. سَریع ۴. ماشین ۵. رانَنده ۶. قَطار
۷. نَزدیک ۸. عَصَبانی

18. The sour grapes and the sweet pomegranates.

19. A thirsty dog and a hungry cat.

20. Cold air and warm water.

21. A kind[1] and learned[2] teacher.

تمرین ۷۱

به فارسی بنویسید.

1. I am healthy.[3]

2. You are sick (= ill)[4]

3. We are tired[5].

4. They are sick and tired.

5. She is well and happy[6].

6. (His) uncle[7] is still young and chearful.[8]

7. Where are (you)?

8. (Her) aunt[9] is always sad[10].

9. (My) grandfather[11] is very old but still healthy.

10. How is (your) grandmother[12]?

11. (I) am sorry[13].

12. His aunt[14] was in the hospital[15] yesterday.

13. Your uncle[16] is here now.

---

۱. مِهرَبان [مِهرَبون] ۲. باسَواد ۳. سالِم ۴. مَریض، بیمار ۵. خَسته ۶. خوشحال ۷. عَمو (father's brother) ۸. شاد، شاداب ۹. خاله (mother's sister) ۱۰. غمگین ۱۱. پدربزرگ ۱۲. مادربزرگ ۱۳. مُتِأسِّف (moteassef) ۱۴. عَمّه (father's sister) ۱۵. بیمارستان ۱۶. دایی (mother's brother)

تمرین ۷۲

به فارسی بنویسید.

1. What a lovely[1] day!

2. How fat she is!

3. What a long and tiresome[2] road!

4. How heavy this table is!

5. How nice it is!

6. You bought two kiloes (of) honey.[3]

7. What book did (you) buy?

8. Which car goes faster?

9. Which shop is nearer to your office.

10. Whose is this unripe pear?

11. This intelligent young man is Mr. Hassani's son.

12. These sour apples belong to my uncle's garden.

13. Whose are these old shoes, yours or his?

14. From which fruitmonger do they buy fruits (= fruit)

15. How far (= as far as where) do we go?

---

۱. خوب ۲. خَسته کُننده ۳. عَسَل

تمرین ۷۳

جاهای خالی را پر کنید.

۱. من خود ... آنجا بودم.

۲. شما خودتان آمد...

۳. ما خود ... در بیمارستان بود ...

۴. علی خود ... روی این صندلی می‌نشین ...

۵. تو خود ... به یَزد[۱] آمد ...

۶. آنها خود ... به کرمان رفتن ...

۷. خودِ تُو ... لبنیاتی نزدیکِ خانه‌تان شیر ... کَره خرید ...

۸. آقای دکتر صفا خودتان هست ...؟

۹. صندلیِ شما رنگ ... سفید ...

۱۰. خانهٔ خودِ او در آبادان[۲] ... ولی مالِ برادر ... در چه شهر ... است؟

1. A city in the center of Iran. 2. A city in the south of Iran.

تمرین ۷۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. پسرم هر روز به مدرسه ..... رَو .....

۲. من کی ....؟

۳. او مادر ..... بیمار .....

۴. پدرِ تو پیر ..... از پدرِ من .....

۵. خواهرِ زَهرا زیبا ..... از لِیلا[1] .....

۶. سیما فداکار[2] ..... زنِ روستا[3] یِ ما .....

۷. این دو برادر هر هفته ..... مغازهٔ من ..... آ .....

۸. شما و دخترتان دیروز از ..... نُه و ده دقیقه ..... ساعتِ ده ..... بیست ..... در ادارهٔ من بود.....

۹. من و پسرم به آنجا رفتـ..... و در حدودِ[4] یک ساعت نشستـ.....

۱۰. دیروز چه کسـ..... اینجا بود؟

۱۱. مُتِأَسّفانه[5] بیشترِ[6] مَردُمِ جَهان بی‌سواد[7] .....

۱۲. چه جا ..... بهتر ..... اینجا .....؟

۱۳. چرا شما همیشه از این فروشگاه کفش ..... خر.....؟

---

1. A female name. 2. devoted. 3. village. 4. about, nearly (= in the limits of).
5. unfortunately. 6. most of. 7 illiterate.

تمرین ۷۵

دیکته

با حروف فارسی بنویسید.

1. nâser behtarin dâneshjuye dâneshgahe ahvâz ast.

2. maghâzeye akbar durtarin dokkân be khiâbâne mâst.

3. mordâd garmtarin mâhe sâl ast.

4. forushgâhe ghods bozorgtarin maghâzeye in shahr ast.

5. mardom dar fasle zemestân khormâ bishtar mikharand.

6. behzâd hamishe ruye in sandali mineshinad.

7. to davâzdah sâl kuchaktar az man hasti.

8. khiâre man talkh ast.

9. bebakhshid, nâme keshvare shomâ chist?

10. âghâye izadi va khânomeshân duste mâ hastand.

تمرین ۷۶

تمرین ۶۶ را بخوانید و بعد جواب سؤالهای زیر را بنویسید.

Read exercise 66 and then answer the following questions.

۱. سیما خانم مادرِ مهری خانُم است؟

۲. مهری خانم برایِ سیما خانم چه /چی آوَرد؟

۳. سیما و مهری کُجا رفتند؟

۴. آنها با تاکسی رفتند یا با اتوبوس؟

۵. سیما در خانهٔ مهری چه /چی خورد؟

۶. سیما برای پسرَش چه /چی خَرید؟

۷. اسمِ دختر مِهری چیست؟

۸. سیما بیشتر پول داشت یا مهری؟

۹. سیما به مهری چقَدر پول داد؟

۱۰. سیما برایِ خودَش چه / چی خَرید؟

۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چند است؟

۱۲. سیما کفشِ سفید خَرید یا کفش صورتی؟

۱۳. چرا سیما کفشِ صورتی خَرید؟

۱۴. قیمتِ کفشِ صورتی چَند بود؟

کلیدِ تمرینها

Key to exercises

تمرین ۳

بَرادَر، ضَرَر، دانا، نادان، نَدارَد، بابا، عادَت، تابان ، نسازا، باران، آزاد، آزار، زَبان، اَبزار، پَرتاب.

تمرین ۵

قَنداغ، قَندان، مِهماندار، ضِدّ، نِظام، نَظم، زِندان، اِضطِراب، اَژدَها، هَمهَمه، اَرزان، اِعاده، اِحتِضار، ذَرّه، مِقدار.

تمرین ۷

فاعِل، سَهل، ثَمَره، ثابِت، سُرفه، اُستاد، شاهِد، وَقف، مَفعول، موشها، نوزدَه، صاعِقه، سوت، وِراثَت، صُلح، ثَروَت.

تمرین ۱۰

ایشان، شُما، شِکایَت، کوچه، خیابان، کُمَک، کثیف، چِراغ،

اِیکاش، گُل، گَردِش، قاضی ، صَحیح، نَخِیر، خوب، جَوان، مُوعِظه، مُوقِع، اُوصاف ، نُوزاد، صَندوق ، عِید.

تمرین ۱۱

سَخت، شیرین، بیابان، پِسَر، دُختَر، مَرد، خانه، کِتاب، بُزُرگ، اینجا، آنجا، اِمروز، دیروز، ژولیده، اِمشَب، دیشَب، گُرُسنه، دوباره، پَنجِره، قَشَنگ خُنَک، کوچَک، آهسته، هَمیشه، مادَر، مِداد، رُوشَن، عِینَک.

تمرین ۱۲

دریمی، لَند، بیوتیفول، پرِدیکِیت، پِلُو، پیمِنت، کاراوان، گارانتی، هالیدِی، مِژِر، مومِنت، پِلِژِر، ستیوپیدیتی، هاسپیتال، سُسپَن، زیگزاگ، اَتِرنس، بوچِر، شِیمِلسلی، اینویزِبل، اَگریکَلچِر، لارج، ویوید، جِنتِلمَن، پراسپِکت.

تمرین ۱۴

۱. آن اُتاق

۲. این کِتاب

۳. این پِدَر

۴. آن مادَر

۵. این بَچّه

۶. آن خواهَر

۷. آن بَرادَر

۸. این ساعَت

۹. این خانُم وَ این آقا

۱۰. مَرد و زَن

۱۱. آن مَرد وَ این زَن

۱۲. سه صَندَلی

۱۳. یِک [یه] صَندَلی

۱۴. هَفت [هَف] کِتاب و هَشت [هَش] قَلَم

۱۵. یِک [یه] کِتاب و یِک [یه] قَلَم

۱۶. این دو بَچّه

۱۷. آن نُه میز

۱۸. این میز و آن دَه مِداد

۱۹. پِدَر و پِسَر

۲۰. این مادَر و دُختَر

۲۱. آن خواهَر و بَرادَر

۲۲. پَنج بَرادَر و چَهار خواهَر

۲۳. یِک روز و شَب

۲۴. آن یِک اُتاق

۲۵. آن دَه اُتاق

۲۶. هَشت ساعَت

تمرین ۱۶

۱. آن مَرد کیست؟

۲. این خانُم سه بَچّه دارَد.

۳. او اِمروز کُجاست؟ / اِمروز او کُجاست؟

۴. او اِمشَب آنجاست. /اِمشَب او آنجاست.

۵. شِش کِتاب و هَشت دَفتَر اینجاست.

۶. آن نُه مَرد و دَه زَن کُجا هَستَند.

۷. آن آقا پَنج بَرادَر و یِک خواهَر دارَد.

۸. این مَرد و آن زَن کی هَستَند؟

۹. این خانه چَهار اُتاق دارد.

۱۰. آن دو میز و دَه صَندَلی آنجا هَستَند.

۱۱. عَلی پِسَر دارَد؟

۱۲. بَله، او دو پِسَر دارَد.

۱۳. این مَرد عَلیست (= علی اَست) و آن خانُم پَروین اَست.

۱۴. این شِش زَن کی هَستَند؟

۱۵. نادِر کُجاست؟

۱۶. او اینجاست.

۱۷. او حالا کُجاست؟

۱۸. اِمشَب بیا اینجا.

۱۹. حالا بُرو خانه.

۲۰. ساعت چَهار است.

۲۱. ژاله سه ساعت دارَد.

تمرین ۲۰

۱. دَر بَسته بود.

۲. دَری بَسته بود / یِک دَر بَسته بود / یک دَری بَسته بود.

۳. تمامِ دَرها بَسته بودَند / هَمهٔ درها بَسته بودَند.

۴. تمامِ / هَمهٔ این دَرها بَسته بودند.

۵. دَرهائی بَسته بودند.

۶. دیروز مردی / یک مَرد / یک مَردی اینجا بود.

۷. هَمهٔ / تَمامِ مَردها هَمیشه آنجا بودَند.

۸. پَریروز مَردهایی اینجا بودِند.

۹. تَمامِ / هَمهٔ بَچّه‌ها آمَدَند.

۱۰. آن سه خانُم پَریروز رَفتَند و دیروز آمَدَند.

۱۱. آن پِسَر کِی اینجا آمد؟ / کِی آن پِسَر اینجا آمَد؟

تمرین ۲۶

۱. گربهٔ سیاه آنجاست (= آنجا است).

۲. این آب گَرم است.

۳. او تِشنه وَ گُرُسنه است.

۴. آن سَگِ زَرد پَنج بَچّه دارَد.

۵. این خانُم جَوان یک پِسَر دارَد.

۶. اَنگورِ تُرش بَد است.

۷. پَنجِره کُهنه و کَثیف است / پَنجره کَثیف و کُهنه است.

۸. بیا اینجا و بِنشین / بیا و بِنشین اینجا.

۹. دیوارِ کَثیف زِشت است.

۱۰. مَردِ پیر و تَمیزی اینجا بود / مَردِ تَمیز و پیری اینجا بود.

تمرین ۳۰

۱. قَشَنگ است.

۲. مَن هَنوز جَوانَم.

۳. بَد است.

۴. این لِباسها تَمیزَند.

۵. آن زنِ پیر هَنوز زیباست.

۶. لباس کَثیف خِیلی بَد است.

۷. کُجایید؟

۸. او چطُور است؟

۹. [چطُوره؟]

۱۰. کُدام شَهر؟

۱۱. [کُدوم شاگِرد اینجاس؟]

۱۲. کی زِشت است؟

۱۳. این چیست؟

۱۴. [اون چیه؟]

۱۵. میوه‌ها هَمه کالَند / نارَسَند.

۱۶. [حالا من کُجام / من حالا کُجام؟]

۱۷. [این دِرَختِ پیر هَنوز سَبزه.]

۱۸. [کَفشهایِ کُهنه اینجان.]

۱۹. مَردِ پیرِ دانا کُجاست؟

۲۰. ما هَمه خوبیم.

۲۱. [تو تِشنه‌ای (= یی)، نَه گُرُسنه / گُشنه.]

۲۲. [اِمروز هَوا خُنَکه، نَه سَرد.]

۲۳. [شُما هَنوز یه کَمی چاقین.]

۲۴. او حالا کُجاست / حالا او کُجاست؟

۲۵. او هَشت هَفته اینجا بود.

تمرین ۳۲

۱. زَنِ او.

۲. شُوهرِ او.

۳. دوستهایِ من.

۴. چَشمهایِ تو.

۵. شاگِردهایِ شُما.

۶. اُستادِ ما.

۷. اسمِ مُعَلّمِ شما.

۸. دَستِ راستِ مَن.

۹. چَشمِ چَپِ زَنِ او.

۱۰. گوشتِ گوسفَند.

۱۱. لِباسِ قَهوه‌ایِ مُعَلّمِ بابَک.

۱۲. چایِ پِسَرِ مَن.

۱۳. دانِشگاهِ تهران خِیلی بُزُرگ است.

۱۴. آن نارِنگیِ سَبز نارَس / کال است.

۱۵. پانزده گیلاسِ شُما هَمه قِرمِزَند / سُرخَند.

۱۶. خَر حِیوانِ خوبیست (= خوبی است).

۱۷. اصفهان شهرِ بُزُرگِ زیبائیست (= زیبائی است).

۱۸. شیر سِفید است وَلی قَهوه قهوه‌ایست (= قهوه‌ای است).

۱۹. آن زنهای لاَغر کی‌اَند (= کی ـَ ند)؟

۲۰. آن مَردهایِ چاق دیروز اینجا بودَند.

۲۱. باغ کوچَک.

۲۲. دیوارهایِ باغ بُزُرگِ دوستِ من.

۲۳. گیلاسهایِ زَرد خیلی ریزَند.

۲۴. این شانزده درختِ هُلو.

۲۵. هَوایِ شهر تَبریز هَمیشه سَرد است.

۲۶. لباسِ آبیِ خواهرِ او هَنوز نُو است، وَلی لِباسِ قِرمِزِ خانمِ / زنِ تو کُهنه است.

۲۷. دَوازده شاگِرد و هِفدَه دانِشجو.

۲۸. این یک درختِ گلابیست و آن یک درختِ پُرتقال است.

۲۹. یک اسبِ سِفید / اسبِ سفید ی / یک اسبِ سفید ی زیرِ درخت است.

۳۰. آن پنج کتاب رویِ میزَند. آن ساعتِ سَنگین رویِ‌دیوار است.

۳۱. یک گربهٔ سیاه و سفید /گربهٔ سیاه و سفیدی / یک گربهٔ سیاه و سفیدی رویِ درخت است.

۳۲. دستِ چپِ شما رویِ چشمِ راستِ من است.

۳۳. رَنگِ مویِ مُعَلّمِ پِسَرِ آنها قِرمِز / سُرخ است.

تمرین ۳۴

۱. این مالِ من است، ولی مالِ شما کجاست؟

۲. آن خانهٔ بُزُرگ هَنوز مالِ آنها / ایشان است.

۳. چی مالِ اوست؟

۴. این کتاب دیروز مالِ تو بود، وَلی حالا مالِ اوست.

۵. این کِشوَر همیشه مالِ ماست.

۶. هَمهٔ / تمامِ چیزهای خوب مالِ شهرِ شماست.

۷. این هُلوهای زَرد مالِ باغ علی‌اَند / است.

۸. آن لِباسِ آبی مالِ ایرانست.

۹. مالِ من مالِ شُماست و مالِ او مالِ بَچّه‌هاست.

۱۰. این کفشهایِ خیلی سَبُک مالِ کی‌اَند / هَستَند.

۱۱. این چای مالِ کیست؟

۱۲. سیما خواهرِ کیست؟

۱۳. این بَچّه‌ها مالِ ما هَستند.

۱۴. آن صَندَلیِ سیاه مالِ اوست.

تمرین ۳۷

۱. دخترِ خوب و قَشَنگم.

۲. بَچّه‌هایشان کُجا هستند؟

۳. دوستِتان دیشب کُجا بود؟

۴. پایَش زیرِ میز است.

۵. یازدَه پُرتقالَش رویِ میزَند / میز هستند.

۶. [پِسَرِ جَووِنمون خونه‌اس.]

۷. گوشِ راستِ خواهَرَم.

۸. لِباسهایِ آبیِ شوهَرَش.

۹. چَشمِ چَپِ پِدَرِ پیرشان.

۱۰. دَر و پَنجرهٔ کُهنهٔ اُتاقمان.

۱۱. خانمِ / زنِ او خودش آمَد.

۱۲. شوهرِ او خودَش رَفت.

۱۳. مُعَلّمِ دخترَم خودَش اینجا بود.

۱۴. [همهٔ / تمامِ پسرام خودِشون اونجان / اونجا هستَن.]

۱۵. من خودم / خودِ من.

۱۶. فَرهاد خودش / خودِ فرهاد.

۱۷. شما خودِتان / خودِ شما.

۱۸. آنها خودِشان / خودِ آنها دیروز اینجا بودَند.

۱۹. ژاله خودش / خودِ ژاله کُجاست؟

۲۰. [اونا خودِشون / خودِ اونا کُجا هستَن؟]

تمرین ۴۲

۱. مُوز خِیلی گرانتَر اَز خیار است.

۲. چَهار کیلو هِندِوانه ارزانتَر اَز شِش کیلو خَربُزه است.

۳. زِمستان خِیلی سَردتَر اَز پائیز است.

۴. بَهار کَمی / یک کَمی خُنَکتَر از تابستانَست.

۵. [غَذایِ شما / غذاتون خِیلی لَذیذتَر از مالِ مَنه.]

۶. مُرداد گَرمَترین ماهِ تابستان است.

۷. بِهتَرین / خوبتَرین صُبحانه تُخمِمُرغ و کَره است.

۸. [اونا سیزدَه اِزار / ریال بیشتَر / زیادتَر اَز تو دارَن.]

۹. فُروشگاهِ سپَه بُزُرگترین فروشگاهِ شهرِ شماست.

۱۰. او زودتَر از هَمه رفت.

تمرین ۴۴

۱. شما نِشَستید.

۲. من نِشستَم.

۳. او بود.

۴. [اونا بودَن.]

۵. [خریدَن.]

۶. [ما اومَدیم.]

۷. او رَفت.

۸. او آمَد.

۹. تو خَریدی.

۱۰. من آمَدم.

۱۱. شما اینجا بودید.

۱۲. نِشَستید.

۱۳. او نِشَست.

۱۴. ما رَفتیم.

۱۵. ما بودیم.

۱۶. آنها بودَند.

۱۷. شما خَریدید.

۱۸. نِشَستیم.

۱۹. [اُوناروی صَندَلیها / صَندَلیا نِشستَن.]

۲۰. من یک هِندوانه / یک هندوانه‌ای خَریدَم.

۲۱. آنها از تبریز آمدَند.

۲۲. من دَر خانه بودَم.

۲۳. پدرش/ پدرِ او پارسال یک خانهٔ کوچَک / کوچکی خَرید.

۲۴. خواهرِ من / خواهرَم اِمروز صُبح به کرمان رَفت.

۲۵. از گیلان تا اهواز راهِ دِرازیست (= درازی است).

۲۶. به من.

۲۷. به آنها / به ایشان.

۲۸. به شما.

۲۹. به او.

۳۰. به ما.

۳۱. به‌تو.

۳۲. اَز من به شما.

۳۳. اَز ما به آنها / ایشان.

۳۴. اَز شما به بَرادرِ من.

۳۵. اَز دیشَب.

۳۶. اَز ده تا دوازدَه.

۳۷. اَز ساعَتِ پَنج تا ساعَتِ یازدَه.

۳۸. اَز خانه تا فروشگاه.

۳۹. دیر یا زود.

۴۰ [هَمهٔ / تَمامِ اونا خونه بودَن.]

۴۱. من رویِ صَندَلی نزدیکِ او نِشَستَم.

تمرین ۴۸

۱. شما فردا شَب کُجا هَستید؟

۲. او کِی به خانهٔ ما میایَد؟

۳. [اونا کِی اینجا هَستَن؟]

۴. تو کِی خانه هَستی؟

۵. گُربهٔ من زیرِ میز میِ‌نشینَد.

۶. شما کِی از فَرانسه آمَدید؟

۷. او کِی اَز اِنگِلیس میایَد؟

۸. شما کِی خَرید میرَوید؟

۹. شما کُجا میِ‌نشینید؟ نزدیکِ درختِ سیب یا دور از آن؟

۱۰. دوستِ شما چی میخَرَد؟ مُرغ یا ماهی یا بوقَلَمون؟

۱۱. زنِ / خانُمِ من سه کیلو سیب‌زَمینی و یک کیلو گوشتِ گوساله خَرید. سیب‌زَمینی اَرزان بود ولی گوشتِ گوساله خیلی گران بود.

۱۲. چِرا سیب‌زَمینی خِیلی اَرزانتر اَز گوشتِ گاو است؟

۱۳. چِرا آنها هَرسال به آمریکا میرَوَند؟

۱۴. چِرا شما دیر میایید و زود میرَوید؟

۱۵. شما رویِ چه / چی میِ‌نشینید؟

۱۶. شما چِطُور تا اینجا آمَدید؟

۱۷. من تا ساعَتِ نُهِ شَب در مَدرِسه بودَم.

۱۸. من کمی / یک کمی کَره از مَغازهٔ پـدرِ شما / پـدرتان میخَرَم.

۱۹. بیا نزدیکِ من بِنشین / بیا بنشین نزدیکِ من.

۲۰. من خیلی کوتاهتر اَز برادرِ بُزُرگِ شما / بُزُرگتان هَستَم.

تمرین ۴۹

۱. دو کیلو پیاز یازده تومان است.

۲. شما فردا شب کجا میرَوید؟

۳. بَرادرِ کوچکترِ من کِی رَفت/ میرَود؟

۴. پِسرِ حسن دیروز شش کیلو هندوانه خَرید.

۵. مغازهٔ آقایِ حسنی در کُدام خیابان است؟

۶. پیرترین استادِ دانشگاهِ شیراز کیست؟

۷. او زیرِ کُدام درخت نشست/ می‌نشینَد؟

۸. آنها دیشب ساعتِ هشت کُجا بودَند؟

۹. گربهٔ من/ شما قَشَنگتَر است یا مالِ شما/ من؟

۱۰. تو از کدام کشور میایی/ آمَدی؟

۱۱. دیروز بهزاد دو ساعت دیر آمَد.

۱۲. چرا تو هَر شب دیر به خانه میایی؟

۱۳. تو حالا به کدام شهر می‌روی؟

۱۴. من فردا عصر به سینما می‌روم.

تمرین ۵۰

۱. ـــــ بُزُرگترین کشور جهان اَست.

۲. نامِ کشورِ من ـــــ است.

۳. زِمِستان سردترین فصلِ سال است.

۴. من فردا به بازار میروَم/ فردا به بازار میرَوم.

۵. [رنگِ لباسِ من/ لباسَم قَهوه‌ایه.]

۶. اسمِ بُزُگتَرین شهرِ کشورِ من ـــــ است.

۷. [اسمِ خودَم ـــــ ه.]

۸. روزها در اداره هَستَم و شبها در خانه.

۹. به نظرِ من بهار/ پائیز بهتَر است.

۱۰. به نظرِ من رنگِ آبـی/ سفید قَشَنگتَر از رنگِ سفید/ آبـی است.

۱۱. من در تابستان بیشتر از زِمستان میوه میخَرَم. من در تابستان بیشتر میوه میخَرَم. من در تابستان میوه بیشتر میخَرَم.

۱۲. میوه در مغازهٔ میوه‌فروشی است.

۱۳. من از دُکّانِ/ مغازهٔ نانوائی نان میخَرَم.

۱۴. من از خواربار فروشی/ مغازهٔ خواربار فروشی برنج و رُوغن میخَرَم.

۱۵. در شهرِ ما گوشت/ تخمِ مرغ گرانتَر از تخم‌مرغ/ گوشت است.

تمرین ۵۴

۱. شما کِی او را دیدید؟

۲. او معمولاً چه روزهایی به دیدَنِ مادَرش می‌رَوَد.

۳. ما فردا عصر با آقای صَفا به سینما میرویم.

۴. قبل از من چه کَسی را دیدید؟

۵. من پدر بُزُرگِ شما را چند سالِ قبل در اصفهان دیدَم.

۶. [اندازهٔ یَقهٔ شُوهرتون چنده؟]

۷. امروز بیست و چهارِ خُردادِ هزار و سیصَد و شَصت و یکِ هِجریِ شَمسی است.

۸. فردا صُبح نیم کیلو عَسَل از مَغازهٔ برادرِتان میخَریم.

۹. امروز بَعد از ناهار شما و برادرِتان را در خانهٔ دوستَم می‌بینَم.

۱۰. مادر بُزُرگِ شما چند سال دارَد؟

۱۱. او نِصفِ غذایَش را به من میدِهَد.

۱۲. [او نِصفِ غذاش رو به من میده.]

تمرین ۵۵

۱. نصفِ پرتقال.

۲. نیم ساعت.

۳. دو ساعت و نیم.

۴. نصفِ مَردُم.

۵. نصفِ کتاب.

۶. نیم کیلو.

۷. نصفِ خانه.

۸. نصفِ شب.

۹. نصفِ پول.

۱۰. صَد و نَوَد و پَنج و نیم.

۱۱. نصفِ راه.

۱۲. سه و نیم.

۱۳. سه کیلو و نیم.

۱۴. نصفِ هفت.

۱۵. نصفِ سه، یک و نیم است.

۱۶. نصفِ مُوضوع.

۱۷. نصفِ قِیمَت.

تمرین ۵۶

۱. چَند دَقیقه.

۲. [یه چند ساعت.]

۳. چند تا شاگِرد؟

۴. چند تومان.

۵. چند روز؟

۶. [یه چند کیلو اَنار.]

۷. یه چند تا فنجون.]

۸. [یه چند سال.]

۹. چند دَفعه.

۱۰. چند ماه.

۱۱. [یه چند تا بشقاب.]

۱۲. سه تا گلابی.

۱۳. چند جفت دَستکش.

۱۴. چند تا سیب؟

۱۵. چهل تا قَلَم.

۱۶. چِقَدر شِکَر؟

۱۷. چِقَدر پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان چقدر راه است؟

۱۹. از شیراز تا اصفهان چند کیلومتر است؟

۲۰. چند تا قاشُق و چَنگال.

۲۱. چقدر آب؟

۲۲. چند تا لیوان آب.

۲۳. چند کیلو گوشت.

۲۴. [قِیمتِ این پالتُو چنده؟]

۲۵. بِرِنج کیلویی چند است؟

تمرین ۵۸

۱. قبل از شام.

۲. شبِ قبل.

۳. شش ماهِ قبل.

۴. قبل از شما.

۵. قبل از نِصفِ شب.

۶. هَفتهٔ قبل.

۷. قبلاً به شما گفتم.

۸. قبل از ساعتِ چَهار.

۹. قبل از هَر چیز.

۱۰. قبل از رفتن ما.

۱۱. پَنج سالِ قبل.

۱۲. قبلاً به او می‌گویم.

۱۳. روزِ بَعد.

۱۴. بعد از یک هفته.

۱۵. بعد از من.

۱۶ ــ ساعتِ ششِ بعدازظُهر.

۱۷. بعد از ساعتِ چهارِ بعدازظهر.

۱۸. ناهارَم را بعداً می‌خورَم.

۱۹. بعد از خوردنِ غذا.

۲۰. پانزده سالِ بعد.

تمرین ۶۰

۱. لطفاً مُوضوع را به من بگویید.

۲. هَمیشه راست بِگو.

۳. [بابا، لطفاً این کُتِ سَبز رو بَرا مـن / بَـرام بِـخَر، قَشَنگ و ارزونه.]

۴. پِسَرَم، بیا نَزدیکِ من بِنشین.

۵. فقط رویِ این صندلی بنشینید / بنشین.

۶. اَوَّل سالاد بِخورید.

۷. [دَه دَیقه بَعد چاییِ‌تون رو بِخورین.]

۸. غذایَت را با قاشُق و چَنگال بخور.

۹. برو ببین کیست.

۱۰. [لطفاً بُشقابِتون رو به من بدین.]

۱۱. لُطفاً یک فِنجان قَهوه به من بِدَهید.

۱۲. [لطفاً یه لیوان آب به دوستِ من / دوستم بِدین.]

۱۳. لطفاً یک اِستِکان چای به او بده.

تمرین ۶۱

۱. [ببخشید آقا، قیمتِ این کُلاه چنده؟]

۲. قَبل از شُما دو تا خانُم آمدَند اینجا و دو کیلو سیب‌زمینی خَریدَند.

۳. [آقایِ فُروشَنده، این پالتو بَرا مَن خِیلی گُشاده، لطفاً یه کوچیکتَر به من بِدید.]

۴. [وَلی این یکی یه کَمی تَنگه، این بَرا پسرِ من خوبه.]

۵. [ببخشید آقایِ فُروشَنده، این اَنگورا شیرینَن یا تُرش، کیلویی چنده؟]

۶. [خانُم، اَنگورِ خِیلی خوبیه، اَوَّل بِخورین بعد بِخَرید، کیلویی بیست و پَنج تومَن.]

۷. [آقایِ رانَنده، لطفاً یک کَمی تُندتر بِرید، ساعت هَشت و نیمه، فقط نیم ساعت وَقت داریم.]

۸. لطفاً نزدیکتَر بیایید وَ رویِ این صَندَلی نزدیکِ خواهرِتان بِنشینید.

۹. چند جُفت جوراب و چند تا زیرپوش و سه تا دُکمه برایِ من بِخَر.

۱۰. [این شَلوار بَرایِ شما بُلَنده، یه شلوارِ کوتاهتَر بِخَرین.]

تمرین ۶۴

۱. مُعَلِّمِ ما هر روز ساعتِ دَه یک سیب می‌خورَد.

۲. عَلی هیچوقت گوشتِ خوک نِمی‌خورَد.

۳. رویِ این صَندَلی نَنشینید، کثیف است.

۴. چرا دستهایَت را با صابون نِمی‌شویی؟

۵. مادرِ حَمید هر روز او را به مَدرسه می‌بَرَد.

۶. چرا بچّه‌ها را با خودِتان به سینما نِمی‌بَرید؟

۷. هفتهٔ قبل او را بیشتَر از یک بار نَدیدَم.

۸. فردا کتابِتان را برایِتان می‌آوَرَم.

۹. پسَرم به من دُروغ نِمی‌گویَد.

۱۰. شُما مَعمولاً روزی چند بار دستهایِتان را می‌شویید؟

تمرین ۶۵

۱. چِقدر پول دارید؟

۲. من دو هزار و پانصَد و هفتاد و شش تومان دارَم.

۳. ما چِقدر وَقت داریم؟

۴. شما فقط نیم ساعت وَقت دارید.

۵. او پسرش را به کُجا می‌بَرَد؟

۶. [چرا شما غذایِ مَن رو بَرام نِمی‌آرین؟]

۷. شما هفته‌ای چند بار مادرتان را می‌بینید؟

۸. [بِرین دَستا و صورَتتون رو با صابون بِشورین.]

۹. [بیا بُخور، بعد، بُرو بِشین.]

۱۰. پِسَرتان را با خودتان بِبَرید.

۱۱. چرا او این غذایِ لَذیذ را نمی‌خورَد؟

۱۲. آنها گاهی به دیدَنِ پدَربُزُرگشان می‌رَوَند.

۱۳. دُختَرِ بُزُرگتان چَند سال دارَد؟

۱۴. چرا شما این دامنِ قَشنَگ را بَرایِ خانُمتان نِمی‌خرید؟

۱۵. چرا شما خواهَرتان را با خودتان نَیاوَردید؟

۱۶. پالتوِ شما چند تا دُکمه دارد؟

۱۷. شما دستهایتان را با چه / چی می‌شویید؟

۱۸. چرا او نامِ / اسمِ دوستَش را به من نِمی‌گوید؟

۱۹. تو این بشقابهایِ کثیف را کُجا می‌بَری؟

۲۰. شما مَعمولاً چه ساعتی صُبحانه می‌خورید؟

تمرین ۶۷

۱. پَریروز هَوا گَرم بود وَلی اِمشَب خُنَک اَست.

۲. این اَسبها سِفید هَستَند وَلی آن اُلاغها سیاهَند.

۳. این مادَرِ جَوان سه بَچّهٔ کوچَکِ تَمیز دارد.

۴. هَوایِ تِهران دَر تابِستان گَرم و دَر زِمِستان سَرد اَست.

۵. این خانُمِ پیر یِک پِسَرِ بیست ساله دارد.

۶. او هَشت هَفته اینجا بود.

۷. آن چایِ شیرین مالِ کیست؟

۸. این صَندَلیهایِ قَهوه‌ای مالِ اُتاق آنهاست.

۹. ایشان خانُمِ دُکتُر پروینِ صَفا هَستَند.

۱۰. گُلِ نَرگِس قَشَنگتَرینِ گُلهاست.

تمرین ۶۸

۱. این مرد.

۲. کُدام زَن؟

۳. از آن پسر.

۴. به کُدام دختر؟ [به کُدوم دختر؟]

۵. به آن اُتاق.

۶. در این کتاب. / [تو این کتاب.]

۷. کدام مداد؟ / [کُدوم مِداد؟]

۸. کدام آقا؟

۹. چه جایی؟

۱۰. رویِ چه میزی؟

۱۱. زیرِ کدام میز؟

۱۲. به کی / به چه کَسی؟

۱۳. از کجا؟

۱۴. در این باغ.

۱۵. بیا اینجا.

۱۶. بِنشین آنجا / آنجا بنشین.

۱۷. بُرو به خانه / [بُرو خونه]

۱۸. یک شَب / شَبی / یک شبی / [یه شب، یه شبی.]

۱۹. یک شَب.

۲۰. یازدَه شب.

۲۱. مَردی / یک مرد / یک مَردی / [یه مَرد، یه مَردی]

۲۲. یک مَرد.

۲۳. چهار مرد.

۲۴. به چه جایی؟

۲۵. یک زَن / زَنی / یک زنی.

۲۶. یک زن.

۲۷. پنج زن.

۲۸. دَه دُختَر.

۲۹. سیزدَه پِسَر.

۳۰. یک ساعت.

۳۱. شِش ساعت.

۳۲. او کُجاست؟

۳۳. عَلی کجاست؟

۳۴. رویِ میز چیست؟ / چی رویِ میز است؟

۳۵. آن مَرد کُجاست؟

۳۶. آن مَرد اینجاست؟

۳۷. سَگ در خانه است.

۳۸. قَلَم زیرِ صَندَلی است.

۳۹. این دو قَلَم.

۴۰. این دو مَرد و سه زن.

تمرین ۶۹

۱. این مادر.

۲. آن نُه مادر.

۳. این پدر.

۴. این هَشت پدر.

۵. چه گُربه‌ای؟

۶. این گربه‌ها.

۷. این سه گربه.

۸. این چیست؟

۹. این یک قَلَم است.

۱۰. آن کیست؟

۱۱. آن یک مرد است.

۱۲. آن خانُم کیست؟

۱۳. او خانُمِ صَفاست.

۱۴. چه خانه‌ای؟

۱۵. این چه شهری است؟

۱۶. این شیراز است.

۱۷. حالا بیا اینجا.

۱۸. بابک امروز اینجاست. / امروز بابک اینجاست.

۱۹. یک بچّه / بچّه‌ای اینجاست.

۲۰. یک مَرد / مردی اینجا آمد.

۲۱. اسبی / یک اسب آنجا بود.

۲۲. یک گُل / گلی زیر صندلی بود.

۲۳. پنجره‌ای / یک پنجره باز بود.

۲۴. یک در / دری بسته بود.

۲۵. درِ خانه.

۲۶. پنجرهٔ اُتاق.

۲۷. این پنجره‌ها.

۲۸. پنجره‌هایِ اُتاقها.

۲۹. یک گُلدان / گُلدانی رویِ میز است.

۳۰. از این خانه به آن خانه / از این خانه تا آن خانه.

تمرین ۷۰

۱. بچّه‌ها.

۲. بچّه‌هایِ تَمیز.

۳. این دستهایِ کثیف.

۴. این دخترها.

۵. این دخترهای باهوش.

۶. سه شاگردِ زرَنگ و باهوش.

۷. این ماشینِ سَریع و نُو.

۸. کُدام ماشین قِرمِز؟

۹. رانَندهٔ زِرَنگ.

۱۰. کدام رانندهٔ زرنگ؟

۱۱. یک قَطارِ سَریع / قَطارِ سَریعی / یک قطارِ سَریعی.

۱۲. یک دوستِ نَزدیک.

۱۳. کُدام قطارِ سَریع به اَهواز می‌رَوَد؟

۱۴. رانَندهٔ عَصَبانی دوباره آمَد.

۱۵. کی دوباره آمَد؟

۱۶. دیروز و امروز.

۱۷. تُند / سریع بیا و آهِسته بُرو.

۱۸. انگورهای تُرش و اَنارهای شیرین.

۱۹. یک سَگِ تِشنه و یک گربهٔ گُرُسنه / سگ تشنه‌ای و گربهٔ گرسنه‌ای.

۲۰. هَوای سَرد و آب گَرم.

۲۱. یک معلّمِ باسَواد و مِهرَبان / معلّمِ باسواد و مهرَبانی.

تمرین ۷۱

۱. من سالِم هَستم / من سالِمَم.

۲. شما مَریضید / شما مَریض هَستید.

۳. ما خَسته‌ایم / ما خَسته هَستیم.

۴. آنها مریض و خسته هستند / آنها مریض و خسته‌اَند.

۵. او خوب و خوشحال است.

۶. عَمویَش هَنوز جَوان و شاداب / شاد است.

۷. کجایید؟ / کجا هستید؟

۸. خاله‌اَش هَمیشه غَمگین است.

۹. پدر بُزُرگَم خِیلی پیر ولی هَنوز سالِم است.

۱۰. مادَربُزُرگتان چِطُور است؟

۱۱. مُتِأسّفَم / مُتأسّف هَستَم.

۱۲. عمهٔ او دیروز در بیمارِستان بود.

۱۳. دایيِ شما حالا اینجاست.

تمرین ۷۲

۱. چه / عَجَب روزِ خوبی!

۲. او چه / عَجَب چاق است!

۳. عَجَب / چه راهِ خَسته‌کُنَنده و درازی!

۴. این میز چه /عَجَب سَنگین است!

۵. چه خوب است!

۶. شُما دو کیلو عَسَل خریدید.

۷. چه کتابی خریدید؟

۸. کدام ماشین تُندتَر می‌رَوَد؟

۹. کُدام مَغازه به اِدارهٔ شما نزدیکتَر است؟

۱۰. این گُلابیِ کال / نارَس مال کیست؟

۱۱. این مردِ جوانِ باهوش پسَرِ آقایِ حَسَنی است.

۱۲. این سیبهای تُرش مالِ باغ عَمویِ / داییِ من است.

۱۳. این کَفشهای کُهنه مالِ کی‌اَند / کی هَستَند، مالِ شما یا مالِ او؟

۱۴. آنها از کُدام میوه‌فروشی میوه می‌خَرَند؟

۱۵. ما تا کُجا می‌رَویم؟

تمرین ۷۳

۱. من خودَم آنجا بودم.

۲. شما خودِتان آمدید.

۳. ما خودِمان در بیمارستان بودیم.

۴. عَلی خودَش رویِ این صَندَلی می‌نشینَد.

۵. تو خودَت به یَزد آمَدی.

۶. آنها خودشان به کِرمان رفتَند.

۷. خودِ تو از لَبَنیاتیِ نزدیکِ خانه‌تان شیر و کَره خریدی.

۸. آقایِ دُکتُر صَفا خودتان هستید؟

۹. صَندَلیِ شما رَنگَش سفید است.

۱۰. خانۀ خودِ او در آبادان است ولی مالِ برادرَش در چه شهری است؟

تمرین ۷۴

۱. پِسَرم هرروز به مَدرسه می‌رَوَد.

۲. من کی هَستَم / من کیَم؟

۳. او مادرَش بیمار است.

۴. پدرِ تو پیرتَر از پدرِ من است.

۵. خواهرِ زَهرا زیباتَر از لِیلاست.

۶. سیما فداکارتَرین زنِ روستایِ ماست.

۷. این دو برادَر هر هَفته به مَغازۀ من می‌آیَند.

۸. شما و دخترِتان دیروز از ساعتِ نُه و دَه دَقیقه تـا ساعتِ ده و بیست دَقیقه در ادارهٔ من بودید.

۹. من و پسرَم به آنجا رفتیم و دَر حُدودِ یک ساعت نِشَستیم.

۱۰. دیروز چه کَسی اینجا بود؟

۱۱. مُتأسِّفانه بیشتَرِ مَردُمِ جَهان بی‌سوادَند / بی‌سواد هَستَند.

۱۲. چه جایی بهتر از اینجاست؟

۱۳. چرا شما هَمیشه از این فروشگاه کَفش می‌خَرید؟

تمرین ۷۵

۱. ناصِر بِهتَرین دانِشجویِ دانِشگاهِ اَهواز است.

۲. مَغازهٔ اَکبَر دورتَرین دُکّان به خیابانِ ماست.

۳. مُرداد گَرمتَرین ماهِ سال است.

۴. فُروشگاهِ قُدس بُزُرگتَرین مَغازهٔ این شَهر است.

۵. مَردُم در فَصلِ زِمستان خُرما بیشتَر می‌خَرَند.

۶. بِهزاد هَمیشه رویِ این صَندَلی می‌نشینَد.

۷. تو دَوازدَه سال کوچَکتَر از مَن هَستی.

۸. خیارِ مَن تَلخ است.

۹. بِبَخشید، نامِ کِشوَرِ شُما چیست؟

۱۰. آقایِ ایزَدی و خانُمِشان دوستِ ما هَستَند.

تمرین ۷۶

۱. نَه، او دوستِ مهری‌خانم است.

۲. مِهری‌خانم برایِ سیماخانم آب پُرتِقال خُنَک آوَرد.

۳. آنها به فروشگاه قدس رَفتَند.

۴. با هیچکُدام، آنها پیاده رَفتَند.

۵. سیما در خانهٔ مهری آب پُرتِقال خورد.

۶. سیما چند تا شورت وزیرپوش برایِ پسرش خرید.

۷. اسمِ دخترِ مهری فریده است.

۸. سیما بیشتَر از مهری پول داشت.

۹. او به مهری هیچ پول نداد.

۱۰. او یک جُفت کفش برایِ خودش خرید.

۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چهل است.

۱۲. او کفشِ صورتی خرید.

۱۳. فروشگاهِ قدس کفش سفید نَداشت / فروشگاه کفشِ سفید نَداشت.

۱۴. قیمت آن کفش سیصدوهشتاد و پنج تومن بود.

واژه‌نامه

Vocabulary

فارسی ــ انگلیسی

آ

آب	water
آباد	habitable
آبادان	A city in the south of Iran
آب پُرتِقال	orange juice
آبدار	juicy
آبی	blue
آدِرس	address
آذَر	qth. Iranian month
آراء	votes
آرد	flour
[آره]	yes
آز	greed
آزاد	free
آزادی	freedom
آزار	harm
آقا	gentleman, sir, Mr.
آمَدَن	to come
آمریکا	America
آن [اون]	that, it
آنجا [اونجا]	there
آوَردَن	to bring
آه	sigh

آهِسته	slow, slowly, gently
آهَن	iron

ا

اِبا	refusal
اَبر	cloud
اَبرو	eyebrow
اَبزار	tools
اُتاق	room
اُتوبوس	bus
اَثاث	furniture
اِحتِرام	respect
اِحتِضار	point of death
اَحمَد	A male name
اِداره	office
اَرباب	employer
اَرزان [اَرزون]	cheap
اَز	from, of, since
اَژدَر	torpedo
اَژدَها	dragon
اَسب	horse
اُستاد	professor
اِستِکان	A small cup for tea
اِسم	noun, name
اِضافه	genetive
اِضطِراب	disturbance of mind
اِطّلاعات	information
اعاده	returning, return
اَغلَب	often, very often
اَفشین	A male name
اُفُق	horizon
اَکبَر	A male name
اُلاغ	ass, donkey
اَلِفبا	alphabet
اِمروز	today
اِمروز صُبح	this morning
اِمسال	this year

اِمشَب	tonight
اَنار	pomegranate
اَندازه	size, measurement
اِنگِلیس	England
اَنگور	grape
او	he, she
اوصاف	descriptions
اُوضاع	state of affairs
اُوقات	times
اَوَّل	first
اَهواز	A city in the south of Iran
ایتالیا	Italy
ایجاد	creation
ایراد	objection
ایران	Iran
ایشان [ایشون]	they
اِیکاش!	if only!
این	this
اینجا	here
اِیوان [اِیوون]	portico

ب

با	with
باب	fit
بابا	dad
بابَک	A male name
باد	wind
بار	time (s)
باران [بارون]	rain
باز [واز]	open
باز	hawk
بازار	bazaar, market
باسَواد	learned, literate
باشه	O. K.
باغ	garden
باهَم	together
باهوش	intelligent

بِبَخشید [ببخشین]	Excuse me.
بَچّه	child
بَد	bad
بَرادَر	brother
بَرّاق	shining
بَرایِ	for
بَرائَت	acquittance
بُردَن	to take away, to carry
برف	snow
بَرق	electricity
بَرگ	leaf
بِرِنج	rice
بُرُو	go
بُزُرگ	big, large , great
بَزم	feast
بَسته	closed, shut
بُشقاب	plate
بَعد	next, then
بَعداً	later, then
بَعدازَ	after
بَعدازَظُهر	afternoon
بُلَند	long, high
بَله	yes
بَنده	I
بودَن	to be
بوقَلَمون	turkey
به	to
بَهار	spring
بَه‌بَه!	lovely, how nice!
بِهزاد	A male name
به نَظَرِ شُما	in your opinion
بیا	come
بیچاره	helpless
بیست [بیس]	twenty
بیسَواد	illiterate
بیشتَر	more

بیشترِ	most of
بیمار	sick, ill
بیمارِستان	hospital

پ

پا	foot
پارسال	last year
پالتُو	coat, overcoat
پانزدَه	fifteen
پانصَد	five hundred
پاییز	automn
پِدَر	father
پِدَر بُزُرگ	grandfather
پَرتاب	violent throw
پُرتقال	orange
پَروین	A female name
پَریروز	the day before yesterday
پِسَر	son, boy
پَس فَردا	the day after tomorrow
پُلیس	police
پَنج	five
پَنجاه	fifty
پَنجِره	window
پَنهان	hidden
پَنیر	cheese
پوست	skin
پول	money
پیاده	on foot
پیاز	onion
پیچ	screw
پیر	old
پیراهَن [پیرَن]	shirt
پیژامه	pyjamas

ت

تا	till, to, so that
تابان	shining
تابِستان [تابِستون]	summer

تار	dark
تازه	fresh
تاکسی	taxi
تبریز	A city in the north of Iran
تُخمِ مُرغ	egg
تُرش	sour
تُرکیه	Turkey
تِشنه	thirsty
تَقریباً	nearly, almost, about
تَلخ	bitter
تَمام	all
تَمامِ	all of
تَمرین	exercise
تَمیز	clean, tidy
تُند	fast, quick, quickly
تَنگ	tight
تُو	you (sing.)
تو	in, into, inside
تَوَلُّد	birth
تومان [تومَن]	Toman (Iranian currency)
تویِ [تو]	in, into, inside

ث

ثابِت	constant
ثانیه	second
ثَروَت	wealth
ثُلث	one third
ثَمَره	offspring
ثَواب	spiritual reward

ج

جا	place
جان	dear (after proper names)
جَریان	matter, story
جُفت [جُف]	pair
جَمع	plural
جُمله	sentence
جَواب	answer

جَوان [جَوون]	young, youth
جوراب	sock, stocking
جَهان	world
جیب	pocket

چ

چادُر	veil
چاق	fat
چای [چایی]	tea
چَپ	left
چرا؟	why?
چراغ	lamp
چَشم [چِشم]	eye
چَند [چَن]	few, how many?
چند تا [چَن تا]	few, how many?
چَندین	several, many
چَنگال	fork
چه؟	what?
چَهار [چار]	four
چِطور؟	how?
چِقَدر [چِقَد]؟	how much?
چِهِل [چِل]	fourty
چی؟	what?
چیز	thing
چیست؟	what is (it)?

ح

حاضِر	ready
حال	condition (of health), present
حالا	now
حالِ اِخباری	present indicative tense
حائِز	possessing
حَرارَت	heat
حِرص	greed
حَرفِ اِضافه	preposition
حَمّام	bathroom
حَمید	A male name
حِیوان [حِیوون]	animal



خار	thorn
خاله	aunt (maternal)
خانُم	lady, madam, wife
خانه [خونه]	house, home
خُداحافِظ	good bye
[خُدا رو شُکر]	thank God!
خُدا نِگهدار	good bye
خَر	donkey, ass
خَربُزه	melon
خُرداد	3 rd. Iranian month
خُرما	date (fruit)
خَرید	shopping
خَریدَن	to buy
خَسته	tired
خَسته کُنَنده	tiresome
خُنَک	cool
خوار	humble
خواربارفُروشی	grocery shop
خواهَر	sister
خوب [خُب]	good, well, nice
[خوبه]	all right
خُود	self
خُوراک	dish
خُوردَن	to eat
خُوش آمَدید!	You are welcome!
خُوشبَختانه	fortunately
خُوشحال	happy
خُوشوَقت	happy, pleased
خُوک	pig
خویش	relative
خیابان[خیابون]	street, avenue, road
خیار	cucumber
خیس	soaked
خیش	ploughshare
خِیلی	very, very much, a lot

د

دادَن	to give
دار	gallows
داشتَن	to have
داغ	hot
دامَن	skirt
دانا	wise
دانِشجو	university student
دانِشگاه	university
داوَری	A surname
دایی	uncle (maternal)
دَبِستان	elementary school
دَبیرِستان	secondary school
دُختَر	daughter, girl
دَر	in, into, at
دَر	door
دِراز	long
دَر حُدودِ	about, nearly
دِرَخت	tree
دَرد	pain
دَرس	lesson
دُروغ	lie
دَست	hand
دَستکِش [دَسکِش]	glove
دَستمال [دَسمال]	handkerchief
دَفتَر	notebook
دَفعه [دَفه]	time (s)
دَقیقه [دَیقه]	minute
دُکّان [دُکون]	shop
دُکتُر	doctor, Dr.
دُکمه [دُگمه]	button
دَندان	tooth
دُو	two
دَوا	medicine, drug
دَوازدَه	twelve
دُوبار	twice

دُوباره	again
دُو دَفعه	twice
دُور	cycle
دور	far away, distant
دُوره	review
دوست	friend
دَه	ten
دیدَن	to see
دیر	late
دیروز	yesterday
دیروز صُبح	yesterday morning
دیشَب	last night
دیکته	dictation

ذ

ذَرّه	particle

ر

را	direct object postposition
راجی	A surname
راز	secret
رازدار	faithful to a secret
راست	right, truth
رانَنده	driver
راه	road, way
رُبع	quarter
رَزم	fight
رَشت	A city in the north of Iran
رِضا	A male name
رَفتَن	to go
رَنگ	colour
رو	top, surface
روز	day
روستا	village
روسَری	headdress
رُوغَن	cooking oil
رويِ [رو]	on
ریال	Rial (Iranian currency)

ریز	tiny, very small

ز

زار	miserable
زَبان [زَبون]	language
زَر	gold
زَرد	yellow
زِرَنگ	clever
زِشت	ugly
زِمستان [زِمستون]	winter
زَن	woman, wife
زِندان [زِندون]	prison
زود	early, quick
زَهرا	A female name
زیاد	much, many, plenty
زیبا	beautiful
زیر	underneath
زیرِ	under, beneath
زیرپوش	vest

ژ

ژاله	A female name
ژنده	shabby

س

ساعَت	hour, watch, clock
سال	year
سالاد	salad
سالار	A surname
سالِم	healthy
سَبز	green
سَبزی‌فُروشی	green grocery shop
سَبُک	light (weight)
سِتاک	stem, root
سِتاکِ حال	present stem
سِتاکِ گُذَشته	past stem
سَر	head
سُرخ	red
سَرد	cold

سُرفه	cough
سَریع	fast, quick
سَعی	effort
سِفید	white
سَگ	dog
سَلام	hello!
سلام عَلیکُم	hello!
سَنگین	heavy
سوپ	soup
سوت	whistle
سوراخ	hole
سوزَن	needle
سه	three
سَهل	easy
سی	thirty
سیاه	black
سیب	apple
سیب‌زَمینی	potato
سیزدَه	thirteen
سینما	cinema
سینی	tray

ش

شاد	chearful
شاداب	chearful, joyful
شاگِرد	student, pupil
شام	supper
شانزدَه [شونزدَه]	sixteen
شاهِد	witness
شَب	night, evening
شَرور	wicked
شُستَن	to wash
شِش [شیش]	six
شَصت	sixty
شِکایَت	complaint
شِکَر	sugar
شِکوفه	blossom

شَلوار	trousers
شُما	you
شِناسهٔ صرفی	conjugational ending
شور	salty
شُور	consultation
شُورت	pants
شورِش	rebelion
شُوهَر	husband
شَهر	city
شیر	milk
شیرین	sweet

ص

صابون	soap
صاعِقه	thunderbolt
صُبح [صُب]	morning
صُبحانه	breakfast
صُبح بِخیر	good morning
صَحیح [صَحی]	correct, true
صَد	hundred
صِدا	sound
صِفَت	adjective
صِفَتِ بَرتَر	comparative adjective
صِفَتِ بَرتَرین	superlative adjective
صُلح	peace
صَندَلی	chair
صورَت	face
صورَتی	pink

ض

ضِدّ	opposed
ضَرب	multiplication
ضَرَر	loss
ضَمیر	pronoun
ضَمیرِ مِلکی	possessive pronoun

ط

طَرّاح	designer
طَرد	reject

طَرز	mode

ظ

ظاهِر	appearance
ظُهر	noon, midday

ع

عاج	ivory
عادَت	habit
عار	shame
عَسکَری	A surname
عَسَل	honey
عَصَبانی	angry
عَصر	evening
عَلی	A male name
عمارت	building
عَمو	uncle (paternal)
عَمّه	aunt (paternal)
عِید	festival

غ

غَذا	food
غَمگین	sad

ف

فارسی	Persian
فاعِل	agent
فداکار	devoted
فَرانسه	France
فَردا	tomorrow
فَردا صُبح	tomorrow morning
فَردا ظُهر	tomorrow midday
فَردا عَصر	tomorrow evening
فُرودگاه	airport
فُروشگاه	departmental stores
فُروشَنده	seller
فَرهاد	A male name
فَریده	A female name
فِعل	verb

فِعلِ اَمر	imperative
فَقَط	only
فِنجان [فِنجون]	cup
فَوَران	eruption

ق

قارچ	mushroom
قاشُق	spoon
قاضی	judge
قَبل	ago, before
قَبلاً	already
قَبل اَز	before
قَرائت	reading
قُربانِ شُما	good bye, thank you
قِرمِز	red
قَشَنگ	pretty, nice, beautiful
قَصّابی	butcher's shop
قَضا	fate
قَطار	train
قَطع	cutting
قِطعه	piece
قَلَم	pen
قَنّاد	confectioner
قَند	cube – sugar
قَنداغ	hot water with sugar
قَندان [قَندون]	sugarbowl
قوری	teapot
قَهوه	coffee
قَهوه‌ای	brown
قِیمت	price

ک

کار	work
کارد	knife
کاغَذ	paper
کال	unripe
کاهو	lettuce
کُت	Jacket

کِتاب	book
کَثیف	dirty
کُجا؟	where?
کُدام [کُدوم]؟	which?
کِراوات	tie
کُرک	soft wool
کِرم	worm
کِرمان	A city in the south of Iran
کَره	butter
کَسی	anybody
کِشوَر	country
کَفش	shoe
کُلاه	hat
کِلید	key
کَم	little, few
کُمَک	help
کَمی	a little
کوتاه	short

کوچَک [کوچیک]	small
کوچه	lane,alley
کُودَن	dull
کور	blind
کوک	wound up
کوکب	star
کُهنه	old
کِی؟	when?
کی؟	who?
کیستِ؟	who is (it)
کیلو	kilo
کیلومِتر	kilometer
کِیوان	A surname

گ

گاو	cow
گاهی	sometimes
گذشتهٔ سادِه	simple past tense
گِران [گِرون]	expensive

گُربه	cat
گَردِش	walking
گَردَن	neck
گِردو	walnut
گُرُسنه	hungry
گُرگ	wolf
گَرم	warm
گُشاد	loose, loose – fitting
گُفتَن	to say, to tell
گُفت و شِنود	dialogue
گُل	flower
گُلابی	pear
گُلدان	vase
گُوجه فَرَنگی	tomato
گُود	deep
گُودال	pit
گوساله	calf
گوسفَند	sheep
گوش	ear
گوشت	meat
گوشتِ گاو	beef
گوشتِ گوساله	veal
گوشتِ گوسفَند	mutton
گوشی	hold on
گیلاس	cherry
گیلان	A northern province in Iran

ل

لاغَر	thin
لال	dumb
لاله	tulip
لَب	lip
لِباس	dress, clothe(s)
لَبَنیاتی	dairy shop
لَذیذ	delicious
لُطف	kindness
لُطفاً	please

لوس	spoiled
لیمو	lemon
لیوان	glass

م

ما	me
مادَر	mother
مادَر بُزُرگ	grandmother
ماست [ماس]	yoghurt
ماشین	car
ماه	month, moon
ماهی	fish
مُبارَکه!	congratulation!
مُتِأَسّف	sorry
مُتِأَسّفانه	unfortunately
مُتِشَکّر	thankful
مَجید	A male name
مِداد	pencil
مَدرِسه	school
مَرحَمَت	favour
مَرد	man
مَردُم	people
مَرَض	disease
مُرغ	chicken
مَریض	sick, ill
مَصدَر	infinitive
مَعرِفه	definite
مُعَلّم	teacher
مَعمولاً	usually
مَغازه	shop, store
مَغز	brain
مُفرَد	singular
مَفعول	object (of the verb)
مَفعولِ صَریح	direct object
مَفعولِ غِیرِ صَریح	indirect object
مِقدار	quantity
مَلافه	sheet

مَمنون	grateful
مَن	I
مَنزِل	home, house
مَنع	prohibition
مَنفی	negative
مُو	vine
مو	hair
مُوافِق	agreeable
مُوافِقَت	agreement
مُوز	benana
مُوضوع	matter, story, subject
مُوعِظه	preaching
مُوقِع	occasion, time
مِهرَبان [مِهرَبون]	kind
مِهمان [مِهمون]	guest
مِهماندار	hostess
مُهَندِس	engineer
میخ	nail
مِیدان [مِیدون]	square
میز	table
میلیون [مِلیون]	million
میوه	fruit

ن

ناب	pure
ناباب	unfit
نادان	ignorant
نادِر	A male name
نارَس	unripe
نارِنگی	tangerine
نازا	barren
ناصِر	A male name
نام	name
نامه	letter
نان [نون]	bread
نانوایی [نونوایی]	bakery
ناهار	lunch

ناهید	A female name
نَرگِس	narcissus
نَزدیک	near, close
نِشَستَن	to sit
نِصف	half
نِظام	discipline
نَظم	order
نَعره	roar
نَعلَبَکی [نَلبَکی]	saucer
نَعناع	spearmint
نَکَره	indefinite
نُو	new
نَوَد	ninety
نُوزاد	new born child
نوزدَه	nineteen
نُه	nine
نَه	no
نخیر	no
نِی	flute, cane
نیم	half

و

وَ	and
واژگان	vocabulary
واژه	word
واکه	vowel
وِراثَت	inheritance
وَقت	time
وَقف	pious foundation
وَلی	but

ه

هِجدَه	eighteen
هِجری شَمسی	Hegira – solar
هَر	every
هَر روز	everyday
هَر کَسی	everybody, anybody
هِزار	thousand

هَستَن	to exist, to be
هَشت	eight
هَشتاد	eighty
هَفت	seven
هَفتاد	seventy
هَفته	week
هِفدَه [هیودَه]	seventeen
هُلو	peach
هَم	too, also
هَمخوان	consonant
هَمه	all
هَمیشه	always
هَمهَمه	uproar
هَمین	the same
هِند	India
هِندوانه [هِندونه]	water-melon
هُنَر	art
هَنوز	still, yet
هَوا	weather, air
هَواپیما	aircraft
هیچ	none, any
هیچ چیز	nothing, anything
هیچکُدام	none of them
هیچکَس	no one, anybody
هیچوَقت	never

ی

یا	or
یاری	assistance
یازدَه	eleven
یاس	jasmin
یَخه [یَقه]	collar
یَزد	A city in the center of Iran
یَعنی	namely
یِک	one, a
یِک بار	once
یِک دَفعه	once
یَواش	slowly, gently

واژه‌نامه

Vocabulary

انگلیسی ـ فارسی

A

a	یِک
Abadan (city)	آبادان
about	دَرحُدودِ، تَقریباً
acquittance	بَرائت
address	آدرِس
adjective	صِفَت
Afshin (name)	اَفشین
after	بَعداَز
afternoon	بَعدازظُهر
again	دوباره
agent	فاعِل
ago	قَبل
agreeable	مُوافِق
agreement	مُوافِقَت
Ahmad (name)	اَحمَد
Ahvaz (city)	اَهواز
air	هَوا
aircraft	هَواپیما
airport	فُرودگاه
Akbar (name)	اَکبَر
Ali (name)	عَلی
a little	کَمی

all	هَمه، تَمام
all of	هَمهٔ، تَمامِ
all right	[خوبه]
almost	تقریباً
alphabet	اَلِفبا
already	قَبلاً
also	هَم
always	هَمیشه
America	آمریکا
and	وَ
angry	عَصَبانی
animal	حِیوان [حِیوون]
answer	جَواب
any	هیچ
anybody	هیچکَس، کَسی
anything	هیچ چیز
appearance	ظاهِر
apple	سیب
art	هُنَر
ass	خَر، اُلاغ
assistance	یاری
at	دَر
aunt	عَمّه، خاله
automn	پاییز
avenue	خیابان
Azar (month)	آذَر

B

Babak (name)	بابَک
bad	بَد
bakery	نانوایی [نونوائی]
barren	نازا
bathroom	حَمّام
bazaar	بازار
beautiful	زیبا، قَشَنگ
beef	گوشتِ گاو
before	قَبل، قَبل اَز

Behzad (name)	بِهزاد
benana	مُوز
big	بُزُرگ
birth	تَوَلُّد
bitter	تَلخ
black	سیاه
blind	کور
blossom	شِکوفه
blue	آبی
book	کِتاب
boy	پِسَر
brain	مَغز
brother	بَرادَر
bread	نان [نون]
breakfast	صُبحانه
brown	قَهوه‌ای
bus	اُتوبوس
but	وَلی
butcher's shop	قَصّابی
butter	کَره
button	دُکمه

C

calf	گوساله
cane	نِی
car	ماشین
cat	گُربه
chair	صَندَلی
cheap	اَرزان [اَرزون]
chearful	شاداب، شاد
cheese	پَنیر
cherry	گیلاس
chicken	مُرغ
child	بَچه
cinema	سینِما
city	شَهر
clean	تَمیز

clever	زِرَنگ
clock	ساعَت
close	نَزدیک
closed	بَسته
clothe	لِباس
cloud	اَبر
coat	پالتو
coffee	قَهوه
cold	سَرد
collar	یَخه [یَقه]
colour	رَنگ
come	بیا
comparative adjective	صِفَتِ بَرتَر
complaint	شِکایَت
condition (of health)	حال
confectioner	قَنّاد
congratulation!	مُبارَکه!
conjugational endiny	شناسه‌صَرفی
consonant	هَمخوان
constant	ثابِت
consultation	شُور
cooking oil	رُوغَن
cool	خُنَک
correct	صَحیح
cough	سُرفه
country	کِشوَر
cow	گاو
creation	ایجاد
cube-sugar	قَند
cucumber	خیار
cup	فِنجان [فِنجون]
cutting	قَطع
cycle	دُور

D

dad	بابا
dairy shop	لَبَنیاتی

dark	تار
date (fruit)	خُرما
daughter	دُختَر
Davari (surname)	داوَری
day	روز
dear (after names)	جان
deep	گود
definite	مَعرِفه
delicious	لَذیذ
departmental store	فُروشگاه
description	اُوصاف
designer	طَرّاح
devotion	ارادت
dialogue	گفت و شِنود
dictation	دیکته
direct object	مَفعولِ صَریح
dirty	کَثیف
disease	مَرَض
discipline	نِظام
dish	خوراک
distant	دور
disturbance of mind	اِضطِراب
dog	سَگ
doctor, Dr.	دُکتُر
donkey	اُلاغ، خَر
door	دَر
dragon	اِژدِها
dress	لِباس
driver	رانَنده
dull	کُودَن
dumb	لال

E

ear	گوش
early	زود
easy	سَهل
effort	سَعی

egg	تُخمِ مُرغ
eight	هَشت
eighteen	هِجدَه [هیژدَه]
eighty	هَشتاد
electricity	بَرق
elementary school	دَبِستان
eleven	یازدَه
employer	اَرباب
engineer	مُهَندِس
England	اِنگِلیس
eruption	فَوَران
evening	عَصر، شَب
every	هَر
everybody	هَرکَس، هَرکَسی
everyday	هَر روز
excuse me!	بِبَخشید!
exercise	تَمرین
expensive	گِران [گِرون]
eye	چَشم [چِشم]
eyebrow	اَبرو

F

face	صورَت
faithful (to a secret)	رازدار
far away	دور
Farhad (name)	فَرهاد
Faride (name)	فَریده
fast	سَریع، تُند
fat	چاق
fate	قَضا
father	پِدَر
favour	مَرحَمَت
feast	بَزم
festival	عید
few	چَند، چَند تا [چَن، چَن‌تا]
fifteen	پانزدَه [پونزدَه]
fifty	پَنجاه

fight	رَزم
first	اَوَّل
fish	ماهی
fit	باب
five	پَنج
five hundred	پانصَد [پونصَد]
flour	آرد
flower	گُل
flute	نِی
food	غَذا
foot	پا
for	بَرایِ
fork	چَنگال
fortunately	خوشبَختانه
four	چَهار [چار]
fourty	چِهِل [چِل]
France	فَرانسه
fresh	تازه
friend	دوست
free	آزاد
freedom	آزادی
from	اَز
fruit	میوه
furniture	اَثاث

G

gallows	دار
garden	باغ
genetive	اِضافه
gentleman	آقا
Gilan (province)	گیلان
girl	دُختَر
glass	لیوان
glove	دَستِکش [دَسکش]
go	بُرُو
gold	زَر
good	خوب

خُداحافِظ، خُدانِگَهدار،	good bye
صُبح بِخیر	good morning
پِدَر بُزُرگ	grandfather
مادَر بُزُرگ	grandmother
اَنگور	grape
مَمنون	grateful
بُزُرگ	great
حِرص، آز	greed
سَبز	green
سَبزی‌فُروش	green–grocery shop
خواربار فُروشی	grocery shop
مِهمان [مِهمون]	guest

H

عادَت	habit
آباد	habitable
مو	hair
نِصف، نیم	half
حَمید	Hamid (name)
دست	hand
دَستمال [دَسمال]	handkerchief
خوشحال، خوشوَقت	happy
آزار	harm
کُلاه	hat
او	he
سَر	head
روسَری	headdress
سالِم	healthy
حَرارَت	heat
سَنگین	heavy
هِجریِ شَمسی	Hegira–solar
سَلام! سَلامٌ عَلَیکُم!	hello!
کُمَک	help
بیچاره	helpless
اینجا	here
پَنهان	hidden
بُلند	high

I

I	مَن، بَنده
if only!	اِیکاش
ignorant	نادان
ill	بیمار، مریض
illiterate	بیسَواد
imperative	فِعلِ اَمر
in	دَر، [تو]
indefinite	نَکَره
India	هِند
indirect object	مَفعولِ غِیرِ صَریح
infinitive	مَصدَر
information	اِطّلاعات
inheritance	وِراثَت
intelligent	باهوش
into	دَر، [تو]
Iran (name)	ایران

hold on!	گوشی!
hole	سوراخ
home	خانه [خونه]، مَنزِل
honey	عَسَل
horizon	اُفُق
horse	اَسب
hospital	بیمارِستان
hostess	مِهماندار
hot	داغ
hour	ساعَت
house	خانه [خونه]
how?	چِطُور
how many?	چَند؟ چَندتا؟
how much?	چِقَدر [چِقَد]؟
humble	خوار
hundred	صَد
hungry	گُرُسنه [گُشنه]
husband	شُوهَر

iron	آهَن
it	آن [اون]
Italy	ایتالیا
ivory	عاج

J

jacket	کُت
jasmin	یاس
juicy	آبدار

K

Kerman (city)	کِرمان
key	کِلید
Keyvan (surname)	کِیوان
Khordad (month)	خُرداد
kilo	کیلو
kilometer	کیلومِتر
kind	مِهرَبان [مِهرَبون]
kindness	لُطف
knife	کارد

L

lady	خانُم
lamp	چراغ
lane	کوچه
language	زَبان
large	بُزُرگ
last night	دیشَب
last year	پارسال
late	دیر
later	بَعداً
leaf	بَرگ
learned	باسَواد
left	چَپ
lemon	لیمو
lesson	دَرس
letter	نامه
lettuce	کاهو
lie	دُروغ

light	سَبُک
lip	لَب
literate	باسَواد
little	کَم
long	دِراز، بُلَند
loose, loose–fitting	گُشاد
loss	ضَرَر
lovely!	خوب، بَه‌بَه
lunch	ناهار

M

madam	خانُم
Majid (name)	مَجید
man	مَرد
many	زیاد، چَندین
matter	جَریان، مُوضوع
meat	گوشت
medicine	دَوا
melon	خَربُزه
milk	شیر
million	میلیون [مِلیون]
minute	دَقیقه [دَیقه]
miserable	زار
mode	طَرز
money	پول
month	ماه
moon	ماه
more	بیشتَر
morning	صُبح [صُب]
most of	بیشتَرِ، اَغلَبِ
mother	مادَر
much	زیاد، خِیلی
multiplication	ضَرب
mushroom	قارچ
mutton	گوشتِ گوسفَند

N

Nader (name)	نادِر

Nahid (name)	ناهید
nail	میخ
name	نام، اِسم
namely	یَعنی
narcessus	نَرگِس
Naser (name)	ناصِر
near	نَزدیک
nearly	تَقریباً، در حُدودِ
neck	گَردَن
needle	سوزَن
negative	مَنفی
never	هیچوَقت
new	نُو
new – born child	نُوزاد
next	بَعد
nice	خوب، قَشَنگ
night	شَب
nine	نُه
nineteen	نوزدَه
ninty	نَوَد
no	نَه، نَخِیر
none	هیچ
none of them	هیچکُدام
noon	ظُهر
no one	هیچکَس
notebook	دَفتَر
nothing	هیچ چیز
now	حالا

O

object (of the verb)	مَفعول
objection	ایراد
occasion	مُوقِع
of	اَز
office	اِداره
offspring	ثَمَره
O.K.	باشه

often	اَغلَب
old	پیر، کُهنه
on	رویِ
once	یِک‌بار، [یه‌بار]، یِک دَفعه
one	یِک
one third	ثُلث
on foot	پیاده
onion	پیاز
only	فَقَط
open	باز [واز]
opposed	ضِدّ
or	یا
orange	پُرتِقال
orange juice	آب پُرتِقال
order	نَظم

P

pain	دَرد
pair	جُفت [جُف]
pants	شُورت
paper	کاغَذ
particle	ذَرّه
Parvin (name)	پَروین
past stem	سِتاکِ گُذَشته
peach	هُلو
peace	صُلح
pear	گُلابی
pen	قَلَم
pencil	مِداد
people	مَردُم
Persian	فارسی
piece	قِطعه
pig	خوک
pink	صورَتی
pit	گُودال
place	جا
plate	بُشقاب

please!	لُطفاً
pleased	خوشوَقت
plenty	زیاد، خِیلی
ploughshare	خیش
plural	جَمع
pocket	جیب
police	پُلیس
pomegranate	اَنار
portico	اِیوان [ایوون]
possessing	حائِز
possessive pronoun	ضَمیرِ مِلکی
potato	سیب‌زَمینی
preaching	مُوعِظه
preposition	حَرفِ اِضافه
present indicative	حالِ اخباری
present stem	سِتاکِ حال
pretty	قَشَنگ
price	قیمَت
prison	زِندان [زِندون]
professor	اُستاد
prohibition	مَنع
pronoun	ضَمیر
pupil	شاگِرد
pure	ناب
pyjamas	پیژامه [پیجامه]

Q

quantity	مقدار
quarter	رُبع
quick	تُند، سَریع
quickly	تُند

R

rain	باران [بارون]
Raji (surname)	راجی
Rasht (city)	رَشت
reading	قَرائت
ready	حاضِر

شورِش	rebelion
قِرمِز، سُرخ	red
اِبا	refusal
طَرد	reject
خویش	relative
تَقاضا	request
اِحتِرام	respect
اِعاده	returning
دُوره	review
رِضا	Reza (name)
ریال	Rial
بِرِنج	rice
راست	right
راه، خیابان [خیابون]	road
نَعره	roar
اُتاق	room

S

غَمگین	sad
سالاد	salad
سالار	Salar (surname)
شور	salty
نَعلبَکی [نَلبَکی]	saucer
مَدرِسه	school
پیچ	screw
ثانیه	second
دَبیرستان	secondary school
راز	secret
خُود	self
فُروشَنده	seller
جُمله	sentence
هَفت [هَف]	seven
هِفدَه [هیودَه]	seventeen
هَفتاد	seventy
چَندین	several
ژَنده	shabby
عار	shame

she	او
sheep	گوسفَند
shining	بَرّاق
shirt	پیراهَن [پیرَن]
shoe	کَفش
shop	دُکّان [دُکون]، مَغازه
shopping	خَرید
short	کوتاه
shut	بَسته
sick	بیمار، مَریض
sigh	آه
simple past tense	گذشتهٔ ساده
since	اَز
singular	مُفرَد
sir!	آقا!
sister	خواهَر
six	شِش [شیش]
sixteen	شانزدَه [شونزدَه]
sixty	شَصت
size	اَندازه
skin	پوست
skirt	دامَن
slow	آهِسته، یَواش
slowly	یَواش
small	کوچَک [کوچیک]
snow	بَرف
soaked	خیس
soap	صابون
soft wool	کُرک
sometimes	گاهی
son	پسَر
sorry	مَتأسّف
sound	صِدا
soup	سوپ
sour	تُرش
spearmint	نَعناع

spoiled	لوس
spoon	قاشُق
spring	بَهار
square	مِیدان [مِیدون]
state of affairs	اُوضاع
stem	سِتاک
still	هَنوز
stocking	جوراب
store	مَغازه، دُکّان، فُروشگاه
story	جَریان، مُوضوع
street	خیابان [خیابون]
student	شاگِرد
subject	مُوضوع
sugar	شِکَر
sugarbowl	قَندان [قَندون]
summer	تابِستان [تابِستون]
superlative adjective	صِفَتِ بَرتَرین
supper	شام
surface	رو
sweet	شیرین

T

table	میز
Tabriz (city)	تَبریز
tangerine	نارِنگی
taxi	تاکسی
tea	چای [چایی]
teacher	مُعَلّم
teapot	قوری
ten	دَه
thankful	مُتشَکّر، مَمنون
that	آن [اون]
the day after tomorrow	پَس فَردا
the day before yesterday	دیروز
then	بَعد، بَعداً
there	آنجا [اونجا]
the same	هَمین

they	ایشان [ایشون]، آنها [اونا]
thin	لاغَر
thing	چیز
thirsty	تِشنه
thirteen	سیزدَه
thirty	سی
this	این
this morning	اِمروز صُبح
this year	اِمسال
thorn	خار
thousand	هِزار
three	سه
thunderbolt	صاعِقه
tidy	تَمیز
tie	کِراوات
tight	تَنگ
till	تا
time	وَقت، مُوقِع
time (s)	بار، دَفعه [دَفه]
tiny	ریز
tired	خَسته
tiresome	خَسته کُننده
to	به، تا
to be	بودَن، هَستَن
to bring	آوَردَن
to buy	خَریدَن
to carry	بُردَن
to come	آمَدَن
today	اِمروز
to eat	خُوردَن
to exist	هَستَن
together	با هَم
to give	دادَن
to go	رَفتَن
to have	داشتَن
Toman (money)	تومان [تومَن]

trousers	شَلوار
true	راست، صَحیح
tulip	لاله
Turkey (country)	تُرکیه
turkey	بوقَلَمون
twelve	دَوازدَه
twenty	بیست [بیس]
twice	دُوبار، دُو دَفعه [دُو دَفه]
two	دو

U

ugly	زِشت
uncle (maternal)	دایی
uncle (paternal)	عَمو
under	زیر
unfit	ناباب
unfortunately	مُتِأَسّفانه
university	دانِشگاه
university student	دانِشجو

tomato	گُوجه فَرَنگی
tomorrow	فَردا
tomorrow evening	فَرداعَصر،یا شَب
tomorrow morning	فَردا صُبح
tomorrow noon	فَردا ظُهر
tonight	اِمشَب
too	هَم
tooth	دَندان
torpedo	اَژدَر
to say	گفتَن
to see	دیدَن
to sit	نِشَستَن
to take away	بُردَن
to tell	گُفتَن
to wash	شُستَن
train	قَطار
tray	سینی
tree	دِرَخت

unripe — کال، نارَس

uproar — هَمهَمه

usually — مَعمولاً

V

vase — گُلدان [گُلدون]

veal — گوشتِ گوساله

veil — چادُر

verb — فِعل

very — خِیلی

very much — خِیلی، خیلی زیاد

vest — زیرپوش

village — روستا

vine — مُو

vocabulary — واژگان

votes — آراء

vowel — واکه

W

walking — گَردِش

walnut — گِردو

warm — گَرم

watch — ساعَت

water — آب

water – melon — هِندِوانه [هِندونه]

way — راه

we — ما

wealth — ثَروَت

weather — هَوا

week — هَفته

well — خوب

what? — چه؟، چی؟

when? — کِی؟

where? — کُجا؟

which? — کُدام [کُدوم]

whistle — سوت

white — سِفید

who? — کی، چه کَسی؟

why?	چرا
wicked	شَرور
wife	زَن
wind	باد
window	پَنجِره
winter	زِمستان
wise	دانا
with	با
witness	شاهِد
wolf	گُرگ
woman	زَن
word	واژه
work	کار
world	جَهان
worm	کِرم

Y

Yazd (city)	یَزد
year	سال
yellow	زَرد
yes	بَله، [آره]
yesterday	دیروز
yesterday morning	دیروز صُبح
yet	هَنوز
yoghurt	ماست [ماس]
you (sing.)	تُو
you (pl.)	شُما
young	جَوان [جَوون]
youth	جَوان

Z

Zahra (name)	زَهرا
Zhale (name)	ژاله

واژه‌ها، عِبارَتها و جُمله‌های اِصطلاحی[۱]

Idiomatic words, Phrases, and Sentences.

اصطلاح	صفحه	اصطلاح	صفحه
بِبَخشید [بِبَخشین]!	۸۵	خُوشوَقتَم.	۸۶
بِفَرمایید [بِفَرمایین]!	۸۵	خُوش آمَدید [آمَدین]!	۱۴۱
بَنده	۱۱۱	دستِ شُما دَرد نَکُنَد [نَکُنه]!	۱۴۲
بَه‌بَه	۵۶	سَلامُ عَلیکُم.	۸۵
بِه نَظَرِ شُما	۱۱۰	صُبح به‌خِیر.	۸۹
جَرَیان چیست [چیه]؟	۱۲۶	قُربانِ شُما.	۱۱۲
چَشمِ [چِشمِ] شما رُوشَن.	۱۱۲	گوشی!	۱۱۱
خُوب [خُب].	۱۱۲	مُبارَکَست [مُبارَکه].	۱۴۳
خُداحافِظ.	۶۱	مُتِشَکِّرَم.	۸۵
خُدا را [رُو] شُکر.	۸۵	مَمنونَم.	۸۵
خُدا نِگَهدار.	۸۶	مُوضوع چیست [چیه]؟	۱۲۶

1. For the usage and meaning, see the relevant pages.

Notes on how to use the book as a self-tuition device

1. The symbols used are as follows:
   a) [ ] shows the colloquial form.
   b) ( ) indicates what exists in English but not in Persian.
   c) (=) indicates what exists in persian but not in English.
      e.g. (it) is pretty.
      It (= the air) is cold.
   d) { } means equal choice.
   e) / means "or".

2. The book comprises eight lessons, which can be covered in about 8 weeks at a rate of 6 hours in the class and at least 6 hours of work at home for doing the exercises and listening to the tapes.

3. The first 2 lessons, which include the sounds and alphabet, are of special importance, and must not be left behind until the correct pronunciation of the sounds is attained.

4. There is a vocabulary at the beginning of each lesson. The learner should first listen to the tape and then try to imitate the pronunciation of the words with a loud voice a few times.

5. The pattern sentences marked by "listen and repeat" show grammatical points, and must be studied carefully. The learner should first hear them from the tape and then repeat again and again.

6. There is a "key to exercises" at the end of the book. But on the tape, the key has been recorded instead of the exercise itself. The learner can correct his mistakes by referring to the keys.

7. Try to use the tapes as much as you can, because the more repetition the quicker learning.

8. Finally, there is a word list at the end of the book for the learner's reference.

Ferdowssi, Mowlavi, Saadi, Hafez, and many others have presented their immortal masterpieces in this language. Learning Farsi and gaining command of it is, therefore, a key to a very rich and wonderful treasure. And it is hoped that the AZFA series would serve to make the learning of the language easier and more delightful for the learner.

I would like to take this opportunity to express my gratitude to Dr. Jaleh Amuzegar, the professor of Ancient Languages at the University of Tehran, for reading the manuscript of this book and making very useful comments and suggestions· Finally, I am indebted to my wife, Dr. Iran Kalbassi, for the peace of mind I enjoyed during the compilation of this book.

Yadollah Samareh Ph.D.

univercitie's Professor of Tehran

words, verbs, and the sentences are given.

From amongst the various dialects Tehrani accent, which is regarded as "standard" and is used in radio, television and cinema films, has been chosen.

The grammar is dealt with through phrases and sentences, just in the same manner a child learns his mother tongue. But, since the user of this book is already familiar with the grammatical concepts of his own mother tongue, an extract of every grammatical subject has been presented in the shape of a formula, and a short explanatory footnote in English is given. Every grammatical subject is supplied with many examples and different, sometimes long, exercises all of which are in daily common use to make the learner feel himself in a Persian environment so that his desire for learning would continue.

English is used as a medium only to the extent of necessity. But, of course, the English equivalent of the words and the English translation of the pattern sentences have been given. The translation is mostly word-for-word because Persian, and not English, is the traget, and a literally translation can better show the grammatical characteristics of the Persian sentences. This is why some of the English sentences might sound non-English.

Since the correct pronunciation of the words, phrases, sentences, as well as the intonation carry vital importance in speaking, every effort has been made to make maximum use of audio-visual aids so that the task of learning could be easier and more delightful and, at the same time, maximum result would be obtained in minimum time. Accordingly, all the content of the book has been recorded on magnetic tape or cassets, which should be used in conjunction with the book itself. In addition, some short video films on the basis of the dialogues in the book have been provided, which has, no doubt, good effect upon the task of language acquisition.

It is noteworthy that the book and the corresponding tapes may be used as a self-tuition device when the Persian-speaking teacher is not available, provided that the tapes are so sufficiently heard and repeated that the words and the sentences can be pronounced as they are heard. But, in any case, the Iranian teacher will be very useful in assessing and correcting the learner's pronunciation.

As you know, Persian language has played an invaluable role in manifesting the most magnificent thoughts and in stating the finest humane feelings and sentiments during the centuries. Literary giants such as

Preface

This book is the first part of the Elementary course of the "Persian Language Teaching" (AZFA). The whole AZFA series comprises three courses: Elementary, Intermediate, and Advance. The aim of the AZFA series is to teach Persian (Farsi) to foreigners from the beginning to the end, i.e. reading, writing, as well as speaking so that the learner could make use of radio, television, newspapers, and the literary texts, poetry and prose.

The Elementary Course consists of two books by which the learner will get acquainted with the spoken and written styles of Persian to the extent of daily practical needs. At the end of this course he will be able to establish linguistic communication with the Farsi speakers, to read the elementary school texts, to understand and use the idiomatic phrases and grammatical structures of the colloquial Persian.

Farsi, like any other language, has two colloquial and formal styles. The difference between the two varieties, in some cases, is so great that the non-native speaker would confront difficulty in understanding, and will find himself obliged to learn. The colloquial style is characterized by shortening some words and verbs by means of elisions, assimilations, and certain vocalic changes; the word order is not so fixed and, in some cases, some elements of the sentence may be omitted. To illustrate the type of differences between the two styles, consider the following examples of which the first form is formal and the second is colloquial:

mineshinam mishinam "I sit"
miravand miran "They go"
nân nun "Bread"
U be khâne âmad un umad khune "He came home"

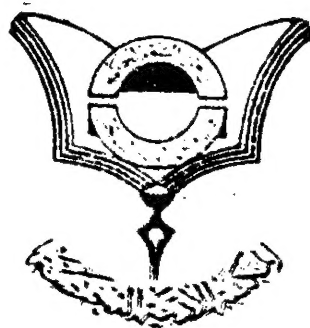
Both varieties of the language have been dealt with during the elementary course, and parallel to the written form the spoken form of the

foreign students of the Persian language. With the help of five books and 20 cassettes, Samareh has made a noteworthy contribution to learning and teaching Farsi.

The task of this new edition, compiled and published jointly by Al Hoda International Publications and Iran's Ministry of Culture and Islamic Guidance (International Relations Dept.), is to make Persian learning easy and interesting for non - Iranians.

We hope this initiative will help foreign students attain excellence in terms of studying about Iranian society, education, science, literature and art.

Publisher



From The Publisher

We are at the threshold of the 21st century. The relevance of peace and cooperation among peoples will be marked more by knowledge, understanding and study of cultures than anytning else. Social scientists have subscribed to the notion that a clash of cultures and civilizations will be inevitable in the not too distant future.

It is easy to see taht Iran and its persian language is one of the engines that is and will be required to function in the pursuit of cultural development. The demands of today and tomorrow have called upon us to effectively participate in the process of maintaining and spreading our cultural sagacity.

The five - volume persian Language Teaching (AZFA) is an important step to acquaint foreigners with the Farsi (Persian) language. It is natural that those who wish to learn comprehensively about Iran's civilization, heritage, traditions, culture and how this nation thinks and works, must first acquaint themselves with its language.

Yadollah Samareh's AZFA is the best available guide for

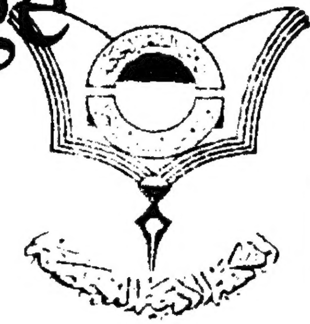
National Library Index card No. M66 – 580.

Name:	Persian Language Teaching (AZFA), book 1, Elementary Course, Series No.1
By:	Yadollah Samareh, Ph.D.
Publisher:	ALHODA Publisher and Distributors International Relations Department, Minisstry of Culture and Islamic Guidance
Third edition:	1993
Printed by:	Publisher Elmi & Farhangi Incorporation This book was printed in Iran.

AZFA 1

Persian Language Teaching

Elementary Course



BOOK 1

by

Yadollah Samareh ph. D.

univercitie's Professor of Tehran